

# مسائل بين المللي

مجله تئوريك و اطلاعاتي

شماره ۴ (۷۶)

---

مهر - آبان سال ۱۳۵۴

# فهرست مقالات این شماره :

صفحه	مؤلف	عنوان
۱۵ - ۳	دین محمد کونایف عضو پرووی میا سی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی د بیراول کمیته مرکزی حزب کمونیست کا زاخستان	ارتقب ماندگی ترون به سوسیالیسم پیشرفته
۲۵ - ۱۶	هیئت تحریریه بحث مارکسیست ها	با بقه کارگرو متحد بین آن
۲۹ - ۲۶	هیئت تحریریه	پیروزی درویتام و اهمیت بین الطلی آن
۳۵ - ۳۰	هلنالا گادینوا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان صدر کمیته زنان بلغارستان	وضع زنان معیار ترقی اجتماعی است
۴۵ - ۳۶	کارلوش کشتا عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال	نبرد اساسی در رشته اقتصاد
۵۲ - ۴۶	فرانسیسکو بالاکناس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین	گرایش بسوی تفهیر و تحول در فیلیپین
۵۷ - ۵۳	یان پراژسکی	موفقیت های کاهنر تشنج و مانورهای مخالفان آن
۶۰ - ۵۸	واسیلیسا ونسا نوپولوسا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان	پس از پایان گرفتن کار مخفی
۶۳ - ۶۱		برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری

# از عقب ماندگی قرون به سوسیالیسم پیشرفته

دین محمد کونایف

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست

اتحاد شوروی

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کازاخستان

**با اکتوبریزم دوران نوینی در تاریخ جهان آغاز شد.** این انقلاب با افکندن سرنوشت تمدن جامعه بشری براه سوسیالیسم بمقیاس جهانی وبدون بازگشت با قاطعیت بهمیراث دنیای کهن در کشور ما پایان داد وتجدید ساختمان استوار و روبروی ترقی جامعه را بر پایه اصول کمونیستی پیریزی کرد.

خوشبختانه آسیای میانه و کازاخستان از این نقطه نظردراین جریان مستثنی نبودند. بعکس روند تاریخ بدین قرار بود که تمام جهان شاهد درخشانترین و مهمابقمترین راهی باشند که خلقهای این منطقه در و شربد و شربد و شربد خلق کبیر روس طی مدت کوتاهی بهمیابند. این مدت صورت بندیهای مختلف اجتماعی راشامل میشد. بهمین سبب این سالها از لحاظ اهمیت اجتماعی وسیاسی خود بمعنی واقعی کلمه برابر بیا یک قرن است. گام نهادن در این راه انقلابی به زحمتکشان یک منطقه در و افتاؤ امپراتوری سابق روسیه تزاری امکان داد طی مدت کوتاهی ترا زندگی یک نسل از شب تیره و تاریار رژیم ملوک الطوائفی ( فئودالیسم ) به جامعه پیشرفته سوسیالیستی برسند.

مسائل بزرگی بپوش و خروش انقلاب مسائل بفرنج فراوانی را مطرح کرد که سرنوشت مردم شرق شوروی وابسته به حل آنها میشد. یکی از مسائل این بود که زحمتکشان این نواحی باکی خواهند بود: با پرولتاریای روسیه یا فئودالهای " خودی " که رنگارنگ ترین مرتجعین اروپا و آسیا را پشت سر خود داشتند؟ آیا پس از انجام وظائف انقلاب در مکرانیک ضد فئودالی ممکن است بدون گذراندن مرحله سرمایه داری به حل مسائل انقلاب سوسیالیستی پرداخت؟ کدام راه پیشرفت سوسیالیستی بیشتر جوابگوی مصالح خلقها است: راه سابق مانند در چهار جوب یک کشور و یا داخل شدن در کشور اتحاد دولتی جمهوری های سوسیالیستی؟ بعد ها هم مسئله ویژگیهای ساختمان سوسیالیسم و گذار بمرحله ایجاد پایه های مادی - فنی کونیم در یک کشور کثیر الملله پیش آمد.

تمام ویابهرخی از این مسائل برای خلق هائی که از ستم استعمار رهاش می یابند و براه ترقی اجتماعی گام می نهند مطرح شده و وارد بگمطرح خواهد شد. در جهان تجربه های فراوانی گرد آمده که زاینده موفقیت ها و یا شکست ها بهمینگام حل معضلات پیشرفتکشورهائی است که در گذشته عقب ماند بودند. طولانی ترین و بنظر ما موفقیت آمیزترین تجربه را برای نخستین بار در تاریخ جهان خلقهای شرق شوروی بدست آوردند. مادر نتیجه تجربه حالانه تنها از مسائل اولیه بلکه از معضلات بعدی هم که کشورهای در حال رشد باید حل کرد و از پیش پا بردارند با خبریم. از آنجا که حزب ما با در نظر گرفتن ویژگیهای تمام مراحل تاریخی وارد عمل میشد، حتما یک بررسی تاریخی کامل و بهمگیر با توجه به نمونه

کازاخستان و شرح اینکه چگونه تمام این مسائل بفرنج در چهارچوب نخستین کشورکثیرالطلبه  
سوسیالیستی حل و فصل میشد، جالب خواهد بود.

## ۱

بزرگترین مسئله ای که بلافاصله در شرایط جدید پیش آمد مسئله مناسبات ما با روسیه انقلابی  
( و بعد ها با دیکتاتورهای شوروی ) بود. چنانکه میدانیم امپراتوری روسیه یک کشورکثیرالطلبه  
بود. پیش از نیمی از اهالی آنرا مردم ستمدیده تشکیل میدادند. ستم ملی و استعماری بویژه در  
آسیای میانه و کازاخستان که بخشهای در افتاده آن بودند حکمروا بود. تزار هم حتی نسام  
سرزمین اهالی بومی کازاخستان را نیز تسخیر کرده و این منطقه سرزمین استیلا نمیده میشد.  
امپریالیسم روسیه با تمام بوساقل ممکن مناسبات پدرشاهی - ارباب - رعیتی را در نواحی شرقی کشور  
حفظ میکرد. گله داری، کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی و کشاورزی عقب مانده بروساقل کارساده  
و ابتدائی متکی بود. بعنوان مثال در آن هنگام در کازاخستان ( باحساب آوردن دهکده های  
روس ها ) ۳۱۸ هزار خیش، ۲۲۹ هزار گاواهن و ۲۷۱ هزار شن گش چوبی " پایه و اسار " مادینی  
کشاورزی را تشکیل میدادند. صنایع سنگ که فقط در برخی از نقاط وجود داشت عبارت از موسسا  
بود که با استفاده از کار دستی و نیمه دستی اداره میشد. از پیشرفت صنایع سنگین بطرزتضمنی  
جلوگیری بعمل می آمد. همین نوشت: " امکان غارت و بگر خلیقا و ستم روا داشتن بد انبارکسو در  
اقتصاد را استوار میسازد زیرا اغلب استثمار نیمه فئودالی " افراد دیکر ملیت ها " منبع درآمد است  
نه پیشرفت نیروهای تولیدی " ( ۱ ) .

وضع طبقه قلیب کارگرفوق العاده بد بود. روزکار ۱۴ تا ۱۶ ساعت بطول می انجامید.  
در ستمزد کارگران منظم پرداخت نمیشد. بطور مثال در معادن زغال سنگ قاراقاندا در ستمزد ها  
را هر دو پاسباه یکبار میپرداختند. در ستمزد کارگران کازاخ از همه کمتر بود. پرولتاریای کازاخستان  
اصولا از جمیع حقوق اقتصادی و سیاسی محروم شده بود.

زحمتکشان کازاخستان و آسیای میانه در عین حال میدیدند که طبقه کارگر روسیه که در این نقاط  
در دست تشکیل گردیده، وسیله بورژوازی " خودی " همانطور که مرستایان مجلس از طرف فئودا  
های " خودی " استثمار میشوند مورد استثمار قرار میگیرد. ملل ستمگش که مبارزه در راه آزادی بر  
خاسته بودند میان تزاریم و خلق روس علامت مساوی قرار میدادند. بهترین فرزندان روسیه نیز  
همواره از حقوق خلقها ستمگش دفاع میکردند و سیاست استعماری تزاریم را با قاطعیت محکوم  
میکردند. گرتسن در موکرات انقلابی بزرگ روس نوشت: " روسیه را نباید بدولت آن بدون احساس  
مسئولیت اشتباه کرد، کاخ زمستانی و حتی تمام پترزبورگ تمام روسیه نیست: " آن روسیه دیگر  
برادران خود بشما شامد باش میگوید دست خود را بسوی شما را میزند . . . " ( ۲ ) .

زحمتکشان کازاخستان بدعوت انقلابیون روس پاسخ مثبت دادند. هیچ واقعه انقلابی مهمی  
در روسیه نمیگذشت که در ملیت های دیگر ساکن روسیه تاثیر مستقیم نداشته باشد. در حقیقت از  
انقلاب فوریه تا اکتبر بزرگ در آسیای میانه و کازاخستان یکی از نیرومندترین جنبش های آزاد پیشتر  
ملی پیش از انقلاب در جریان بود که عصیان ضد استعماری سال ۱۹۱۶ آن سرکردگی پسران نام آور  
مردم کازاخستان مانند آمان گلدی ایوانف علیها ( علی بیگ ) جان گلدین، توکاش بکین و دیگران

۱ - همین، مجموعه کامل آثار، ( بزبان روسی ) جلد ۲۶، ص ۳۱۸.

۲ - گرتسن، مجموعه آثار، جلد ۷، ص ۳۵۸.

مشهور است .

طرح مسئله امکان گذار سریع از انقلاب دموکراتیک ضد فئودالی به انقلاب سوسیالیستی آنهاست  
برای نخستین بار در تاریخ جهان نیز به همین درجه بفرنج و پیچیده بود .  
اندیشه امکان گذار خلقهای جداگانه بسوسیالیسم بدون گذراندن مرحله سرمایه داری را  
برای نخستین بار مارکس و انگلس بیان داشتند . این اندیشه را لنین تا حد یک تئوری کامل بسط  
و گسترش داد . او اثبات رساند که امکان پیشروی خلقهای نواحی عقبمانده در راه انجام  
دیگرگوئیهای عمیق سوسیالیستی ناشی از یک سلسله شرایط است .

اول اینکه اندیشه شوران نمایندگان زحمتکشان کاملاً ساده و قابل درک است و میتواند از طرف  
روستائینی که هنوز در وابستگی فئودالی و نیمه فئودالی بسر میبرند بطرز شایسته ارزیابی شود .  
لنین یاد آور میشد که آنها قادرند این اندیشه را بخوبی فراگیرند و " در عین آنرا تحقق بخشند " ( ۱ ) .  
دوم اینکه خلقهای مناطق ملی اطراف واکناف روسیه که در گذشته عقبمانده بودند بشرطی  
میتوانند از مرحله پیشرفت سرمایه داری رهائی یابند که پرولتاریای انقلابی پیروزمند ملت‌های کوه  
پیشرفته تراند و دولت شوروی هرگونه کمک سیاسی ، اقتصاد و فرهنگی بدانها برسانند .

سوم اینکه در راه سوسیالیسم این خلقها مجبورند از مراحل مختلفی بگذرند که مضمون و خصیلت  
آنها به سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی هر یک بطور جداگانه بستگی دارد . اهمیت فراوان  
توجه به ویژگیهای آنها و تطبیق ماهرانه اصول مشترک در درگرسازیهای اجتماعی بشرایط مشخص  
زندگی اقلیت های ملی اطراف روسیه از اینجا سرچشمه میگردد .

لنین یاد آور میشد که زندگی این مسئله را مدتی است مطرح ساخته که چگونه باید تاکتیک  
کمونیستی را در چنین مناطق عقبافتاده ای مانند ترکستان و غیره تطبیق کرد . بطور مثال اینجا ، در  
آبه ها و قشلاق ها شوراهای روستائی و دهقانی و در برخی نقاط حتی شوراهای طایفه ای هم در  
ردیف شوراهای کارگران و سربازان پدید آمده است .

کمک طبقات کارمندان پیشرفته کشورها که پیوستن خلقهای اطراف واکناف روسیه را با انقلاب  
تسریع کرد ، اهمیت فوق العاده ای در پیشرفت غیرسرمایه داری کاراخستان و آسیای میانه داشت .  
از یک ها ، کاراخبا ، ترکمن ها ، تاجیک ها ، قرقیزها و تاراقالیا قها بکند برادرانه خلقهای شوروی  
و بهتر از همه بکمک خلق بزرگ روس در فاصله کوتاهی به ملت های سوسیالیستی تبدیل شدند و به  
شکوفائی اقتصادی بیسابقه ای در اقتصاد و فرهنگ نائل گردیدند و تا سطح ملت های پیشرفته معاصر  
ترقی کردند .

ل . برژنف در سخنرانی درباره " پنجاهمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی " یاد آور شد که  
فروریختن دنیا کهن ، درهم شکسته شدن نظام استعماری ، برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و مالکیت  
اجتماعی بر وسائل تولید با سختترین مبارزه طبقاتی که به جنگ داخلی انجامید ، همراه بود " ( ۲ ) .  
استثمارگران و بورژوازی جهانی که از برتری مادی عظیمی برخوردار بودند جنگ را با محتمل کردند .  
اما زحمتکشان روسیه با نیروی عظیم همبستگی پرولتری که پس از اکتبر استحکام یافته بود با نیروهای  
متحد ضد انقلاب بمقابله برخاستند . پشتیبانی توده های مردم از دولت نقره قاطعی در میان  
رساندن جنگ در کاراخستان و آسیای میانه داشت . اقدامات خرابکارانه ناسیونالیست ها که  
میکوشیدند زیر شعار قلابی " ملت واحد ترک " مردم شرق را از فدراسیون جماهیر شوروی روسیه

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، ( بزبان روسی ) ، جلد ۴۱ ، ص ۲۴۴ .

۲ - رجوع کنید به : ل . برژنف ، با خط مشی لنینی ، جلد ۴ ، مسکو ، ۱۹۷۴ ، ص ۴۳ - ۴۲ .

جداسازند نتوانست مانع این پشتیبانی شود . این سؤال پیش می‌آید که بجه سبب باوجود انواع موانع و مشکلات اندیشه انترناسیونالیسم پرولتری توانست راه خود را با راسخ و استوار در این منطفه عقب افتاده بگشاید ؟ پیش از هر چیز به علت سیاست درست با طبقه کارگر روسیه و حزب لنین که همشان مصروف این بود که مناسبات برابر حقوقی واقعی میان خلقهای کشورها و ویژه خلقهای مناطق ملی کهدر گذشته ستم دیده بودند ، برقرار کنند . " اعلامیه حقوق خلقهای روسیه " ( ١٥ نوامبر ١٩١٧ ) ، پیام دعوت " بتمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق " ( ٣ دسامبر ١٩١٧ ) ، " اعلامیه حقوق زحمتکشان و خلقهای استعمار شده " ( ٢٥ ژانویه ١٩١٨ ) و دیگر اسناد دولت شوروی که باهتکافی لنین بتصویب رسید برابری و استقلال تمام خلقها ، حق آنان را در تعیین سرنوشت خود تا حد جدی و الفای تمام امتیازها و یا محدودیت های ملی و مذهبی را اعلام و عملاً تضمین میکردند .

نامه لنین به کمونیستهای ترکستان که در نوامبر سال ١٩١٩ نوشته شد ، و در آن وظائف حزب در شرق قید گردیده سندی همه رازها بر نامه است . او در این نامه تاکید میکند که " برقراری مناسبات درست با خلقهای ترکستان بدون اغراق میتوان گفت دارای . . . اهمیتی عظیم تاریخی و جهانی است . برای تمام آسیا و برای تمام مستعمرات جهان ، برای هزارها و میلیونها انسان مناسبات جمهوری شوروی کارگران - دهقانان نسبت به خلقهای ضعیفی که تا کنون بر آنان ستم کرده اند ، اهمیت عظمی دارد " ( ١ ) . این سخنان تا امروز هم اهمیت فوق العاده خود را حفظ کرده است .

در پیام دولت شوروی " بتمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق " که از نظر اهمیت خود عمیقاً انترناسیونال بود گفته میشود : " از این به بعد معتقدات و عادات شما ، موسسات ملی و فرهنگی شما آزاد و مصون است . زندگی ملی خودتان را آزاد و بدون مانع سر و سامان دهید . این حق شما است . بدانید که حقوق شما و حقوق تمام خلقهای روسیه با تمام قدرت و نیروی انقلاب و ارگانهای آن یعنی شوراهای نمایندگان کارگران ، سربازان و دهقانان حفظ و حراست میشود " ( ٢ ) . نخستین گامهای ساختمان جامعه در دوران صلح پس از پایان جنگ نشان داد که مسائل اقتصاد فرهنگی و اجتماعی را در چهارچوب يك اتحاد واحد و ولتی با موفقیت بیشتری میتوان حل کرد تا در جمهوریهای مجزا و منفرد . این واقعیت بتصمیم دواطلبانه جمهوریها برای وحدت انجامید . ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ١٩٢٢ پیروزی بزرگ انترناسیونالیسم پرولتری ، نشانه سیاست مدبرانه حزب کمونیست اتحاد شوروی ، تسریع کننده برتوان اعتلای اقتصاد و فرهنگ تمام جماهیر بود و موجبات استحکام مواضع داخلی و خارجی نخستین کشور کارگری - دهقانی جهان را فراهم ساخت .

بدین ترتیب تجزیه و تحلیل رویدادهای کاراخستان و آسیای میانه در نخستین سالهای پس از انکتبر امکان میدهد بنتیجه گیریهای برسیم که امروز هم برای بسیاری از کشورها مسئله روز است . یکی از راهمیت ترین حاصل این نتیجه گیریها نقش اتحاد توده های زحمتکش غیر پرولتر با طبقه کارگران انقلابی ( از جمله با کارگران د یگرملت ها ) در سرنوشت مبارزه آزاد بیختر ملی و انقلاب سوسیالیستی است . اتحاد با طبقه کارگر روسیه به خلقهای کاراخستان و آسیای میانه امکان داد مراحل انقلاب بورژوا - دموکراتیک و سوسیالیستی را بهم نزدیک کنند . تبدل و گذار یکی از مراحل به مرحله دیگر بشد تسریع گردید و این نیز بنوبه خود به تثبیت و پیشرفت خود انقلاب سوسیالیستی در روسیه کمک کرد .

١ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، ( بزبان روسی ) جلد ٣٩ ، ص ٣٠٤

٢ - " پرودا " ٥ دسامبر ( ٢٢ نوامبر ) سال ١٩١٧ .



## ۲

حل مسئله ملی با پیروزی انقلاب و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد مرحله عمل گردید . تاریخ جهان تا آنروز شاهد پیدایش کشورهای کثیرالمله متعدد بود که همه آنها در پیساز زود در نتیجه وجود تضاد های ناشی از عدم برابری ملت ها و نوج و آزار و استعمار خلیقهای زیر دست از همپاشیده شده بودند . پیشرفت همه جانبه ملت های برابر در زمینه های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی لازمه حل واقعی مسئله ملی است . مساعی حزب کمونیست و دولت شوروی نیز بهر از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی در جهت تسریع چنین پیشرفتی تمرکز یافته بود .

خلقیهای آسیای میانه ابتدا در ترکیب جمهوری واحد ترکستان که ازبکها ، تاجیک ها ، ترکمن ها و قرقیزها و بخشی از کازاخها را شامل میگردد بجزرگه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیوسته بودند ولی این خلیقها تا حد و قابل توجهی نه فقط از لحاظ زبان و آداب و رسوم ملی بلکه از لحاظ سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی از یکدیگر متمایز نبودند . در جریان ساختن سوسیالیسم در مقابل هر یک از این خلیقها علاوه بر مسائل مشترک ، مسائل ویژه و خاص خودشان نیز مطرح میشد .

برای نخستین بار در تاریخ کشور از اختلاط نامتجانس خلیقهای آسیای میانه چند جمهوری با حقوق برابر تشکیل گردید . جمهوریهای ازبکستان ، ترکمنستان ، تاجیکستان و قرقیزستان بوجود آمدند . ایجاد جمهوری کازاخستان نیز در این هنگام بود . این امر برهان قاطع حل مسئله ملی در عمل در یک منطقه وسیع و یکی از رخشانترین شواهد پیگیری حزب کمونیست در تحقق اصول برنامه آن در موضوع حق تعیین سرنوشت ملت ها بود .

اما برای برقراری مناسبات استوار دوستی و همکاری میان خلق ها هنوز لازم بود نابرابری واقعی آنان در اقتصاد و فرهنگ مرتفع شود . لنین راه حل ملی این مسئله را بطور مشخص نشان داد :  
 " . . . انترناسیونالیسم ملت ستعگرو با اصطلاح ملت " بزرگ " . . . نه تنها باید در مراعات ظاهری برابری ملت ها نمایان گردد بلکه در آن نابرابری هم جلوه گرشود که از طرف ملت ستعگرو ملت بزرگ جبران نابرابری واقعی را بکند که در زندگی بوجود میآید " ( ۱ ) . تمام فعالیت حزب ما در مرحله گذار خلیقهای نواحی عقب مانده بسوسیالیسم بدون طی کردن دوره سرمایه داری با این اندیشه لنین ارتباط ناگسستگی داشت .

حزب در درجه اول ضرورت اتخاذ تدابیر عظیم اجتماعی - اقتصادی را در نظر داشت که به برطرف کردن عدم برابری اقتصادی سابق کمک کرد و از طرف دیگر با مصالح و منافع مشترک خلیقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مطابقت داشته باشد .

نظام شوروی نه فقط اقتصاد بی اندازه عقب مانده بلکه نامعقول ترین شکل پخش و توزیع نیروها تولیدی را هم از ترازیمس بارش برد . در سال ۱۹۱۳ بیش از ۷۵٪ محصولات صنعتی کشور تنها در چهار ناحیه مرکزی روسیه تولید میشد . در همین حال در آسیای میانه و کازاخستان وزن مخصوص محصولات صنعتی فقط به ۱/۸٪ میرسید .

حزب ما همزمان با تغییر و نو سازی مناسبات اجتماعی و ایجاد پایه های مادی - فنی نظام اجتماعی نو در دوران صنعتی و اجتماعی کردن کشاورزی و در همین سازمان دادن انقلاب فرهنگی در اتحاد شوروی از مشی پیشرفت سریع تر مناطق ملی عقب مانده سابق بطور پیگیر و بدون انحراف پیروی میکرد تا بدین ترتیب سرعت رشد اقتصاد و فرهنگ آنها بالا ترازد متوسط این رشد در تمام کشور

باشد . این موضوع از جمله در رهنمود های مربوط به تدوین نخستین برنامه پنجساله که در سال ( ۱۹۲۷ ) از طرف پانزدهمین کنگره حزب به تصویب رسید و همچنین در قرارهای حزب در باره برنامه های پنجساله بعدی گنجانده شده بود .

جریان صنعتی کردن و اجتماعی کردن کشاورزی و انقلاب فرهنگی در جمهوری های آسیای میانه و کازاخستان با موفقیت جامه عمل میپوشید . در همان دوران پیش از جنگ این جمهوریها به مناطق صنعتی - کشاورزی مبدل گردیدند . زندگی این اندیشه لنین را تائید کرد که تولید سوسیالیستی زیربنائی است که روی آن با وجود سازمان دموکراتیک دولتی " از میان برداشتن مطلق کوچکترین برزخورد های ملی و کوچکترین بی اعتمادی ملی علا امکان پذیر میگردد و نزدیکی و اختلاط سریع ملت ها تحقق می یابد . . . . " ( ۱ ) .

وزن مخصوص صنایع در اقتصاد کازاخستان در سال ۱۹۴۰ ، ۶۰٪ در مقابل ۶٫۳٪ در سال ۱۹۲۰ بود . این بدان معنی بود که وظیفه از بین بردن نابرابری واقعی خلقهای ستمکش سابق در کازاخستان بطور عمده عملی گردیده است . کمک برادرانه تمام خلقهای کشورهای کمونیست و مسکو درجه اول خلق بزرگ روسیه در پیشرفت صنعتی کازاخستان نقش عظیمی ایفا کرد . زحمتکشان مسکو و لنینگراد سرپرستی جمهوری را بعهده داشتند . کارگران معادن دنیا را در ایجاد حوضه قارا تاند او کارگران نفت باکو و گروزنی در بهره برداری از معادن نفت منطقه اورال - امینسک ماریاری کردند . اتمام نقاط کشور وسائل لازم برای ایجاد بناها و موسسات جدید و متعدد در کازاخستان فرستاد میشود .

پیشرفت صنعتی کشور با جلب گروههای انبوه زحمتکشان کازاخستان بکار و تشکیل کادر ملی طبقه کارگر و روشن فکران در رشته های دانش و فن همراه بود . کارگران ، مهندسان و تکنیسین های مسکو ، لنینگراد ، خارکف ، دنیپروپتروفسک ، باکو ، سوردلوسک و دیگر مراکز صنعتی تجارت ، معلومات و مهارت خویش را به کارگران و کادراهای آموختند . بسیار از کارگران کازاخستان تخصص و تکمیل پیشه و حرفه خود را بلا واسطه در موسسات فدراسیون روسیه ، اوکراین و دیگر جمهوریهای شوروی بدست می آوردند . ایجاد و پیشرفت طبقه کارگر در کازاخستان بهترین نتیجه ساختن سوسیالیسم در کشور بود . تغییرات عظیمی در کشاورزی جمهوری های آسیای میانه و کازاخستان رویداد ، ملیونپانفر از روستائیان فقیر پیش از انقلاب صاحب زمین شدند و این امر اهمیت اقتصادی و سیاسی فراوانی بویژه برای ازبکستان و قرقیزستان داشت . بعد ها هم آهنگ بانقشه تعاونی ( کئوپراتیو ) لنین و طبقه ویژه ای در هر مرحله و در طبقه تاریخی بموازات یکدیگر انجام میشود . یکی اتحاد دهقانان منفرد در کلکتیوها و دیگری رها کردن کوچ نشینی بطور جمعی و امکان دسته جمعی در نقاط مسکونی .

پیشرفت سریع صنایع نقش بزرگی در دگر سازی سوسیالیستی کشاورزی ایفا کرد . کمک مالی دائمی دولت ، ایجاد سوخوزها ، مراکز ماشین های مختلف ، کشاورزی و تراکتور و تشکیل و تکمیل انواع گوناگون تعاونی ها نیز در این رهگذر سهم بزرگی بعهده داشتند . کمونیست ها برای سازمان دادن روستائیان فقیر و مزد بگیر و متحد ساختن دهقانان متوسط الحال ، منفرد کردن کولان ها و یگ ها و سپس انحلال آنان بمنزله یک طبقه بر اساس اجتماعی کردن سراسری اقتصاد روستائی کار عظیمی انجام دادند . از جمله بهتر از ۲ هزار کمونیست روستائی و بهتر از ۳۰ هزار کارگرمسئول برای مشکل کردن دهقانان زحمتکش کازاخستان در کارهای سازمانی و سیاسی شرکت جستند . کمیته مرکزی حزب تعداد زیادی از کمونیست ها و کارکنان با تجربه حزبی را از مراکز صنعتی بکمک آنان فرستاد .



اتحاد طبقه کارگر و روستائیان گلخیزی در جریان انجام در گرونیهای عمیق سوسیالیستی استحکام بیشتری یافت . بیش از یک میلیون واحد اقتصادی افراد روستائی جمهوری در گلخوزها متحد شدند و برآه سوسیالیسم گام نهادند . پیروزی نظام گلخیزی و تشبیهت مناسبات نوین تولید در روستاها وضع زندگی روستائیان را از بیخ و بن عوض کرد . طب اجتماعی که بوجود آورنده استعمار انسان از انسان بودند بکلی مرتفع گردیدند .

تجربه تاریخی این واقعیت را تایید کرد که قانونمندی عام ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم انقلاب فرهنگی است . یکی از مهمترین هدفهای این انقلاب برقراری آداب و رسوم و فرهنگ سوسیالیستی است .

الفای بیسواد ی بمقاسر کلی در نخستین سالهای حکومت شوروی فعالانه آغاز گردید و در آستانه سال ۱۹۳۰ در جمهوریهایی آسیای میانه و کازاخستان تحصیلات ابتدائی اجباری همگانی بحرحله اجراء آمد . دهها موسسه آموزش عالی ومدارس حرفه ای گشایش یافت . بتدریج روشنفکران طلسم شوروی که با اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم بین المللی پرورش یافته بودند بوجود آمد و متشکل شدند . فرهنگ کازاخها ، ازبکها ، تاجیکها ، ترکمن ها ، قرقیزها و دیگر خلقها که از لحاظ شکل ملی و از لحاظ مضمون سوسیالیستی بود پیشرفت شکوفائی یافت . سوسیالیسم نه فقط امکانات وسیعی برای دسترسی توده های زحمتکش به ارزشهای معنوی فراهم ساخت بلکه آنها را با فریبندهاگان بلا واسطه فرهنگ مبدل کرد .

ل . برژنف در سخنرانی بنسایت صدمین سالروز تولد و . ا . لنین گفت : " برنامه لنینیستی ساختمان سوسیالیسم نمونه برخورد علمی جامع و واقع بینانه بحل مسائل است که دارای اهمیت جهانی و تاریخی میباشند . این برنامه تمام سطوح ساختمان جامعه تأثیر پیشرفت نیروهای تولیدی در گساری مناسبات اجتماعی و تجدید ساختمان جهان معنوی انسانها را شامل میگردد " ( ۱ ) .

اصالت این برنامه و استواری نتایج بدست آمده از آن در سالهای جنگ کبیر میهنی ، یعنی هنگامیکه مردم شوروی و تمام ملت ها و خلقهای آن بدفاع از آزادی و استقلال میهن سوسیالیستی خود برخاستند و سهم تعیین کننده ای در پیروزی تاریخی بر فاشیسم ارائه کردند با ثبات رسید . کازاخستان در سالهای جنگ صد ها هزار سرباز به جبهه های جنگ گسیل داشت ، دوسوم اعضای حزب کمونیست و کومسومول جمهوری در صفوف ارتش شوروی می جنگیدند .

واحد های ارتشی که در کازاخستان تشکیل شد در قاطع ترین نبرد ها شرکت کردند . از آنجمله بود ۳۱۶مین لشکر پیاده یا ( هشتمین لشکر گارد ) تحت فرماندهی ی . و . پانفلیف که در نبردهای اطراف مسکوافتخاری جابودانی برای خود بدست آورد . قهرمانی هان جابودان ۲۸ قهرمان این لشکر برآه همیشه در تاریخ قهرمانی های مردم شوروی ثبت گردیده است .

بیش از ۵۰۰ تن از اهالی کازاخستان بدریافت عنوان قهرمان اتحاد شوروی مفتخر گردیده اند . پیروزی مردم شوروی بر فاشیسم آلمان پیروزی وحدت معنوی - سیاسی مردم شوروی ، میهن پرستی شوروی ، انترناسیونالیسم پرولتری و میانگردد وستی خلل ناپذیر خلقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است . این واقعیت که فاشیسم با دسته ضربتی امپریالیسم تقواست میان ملت های سوسیالیستی نفاق افکند خود بار دیگر زرقای اصولی حل سوسیالیستی مسئله ملی ، درستی سیاست ملی لنینی و استواری کشور کبیر المله شوروی را با ثبات رساند .

تمام خلقهای کشور ما در اثر تجربه های چندین ساله زندگی خود بدین نکته یقین حاصل کرده اند که وحدت آنان در یک اتحادیه چه ثمرهای ارزنده ای در بر دارد و چه امکانات گسترده ای برای آینده ای که بخواهی نمایان است بر روی آنها میگذاید .

تجربه ۵۰مین نشان داد که پیشرفت مناسبات ملی سوسیالیستی نیز همانطور که پیشرفت اجتماعی سوسیالیستی بیادورگی دارای مراحل گوناگونی است ، مرحله های مختلفی را پشت سر میگذارد . اگر ایجاد پایه های سوسیالیسم ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی را در پی دارد ، حاصل سوسیالیستی مسئله ملی و زمین بردن عدم برابری ملت ها هم پیشرفت مناسبات ملی سوسیالیستی در عقب و نزدیک یکی هر چه بیشتر ملت ها را در پی خواهد داشت .

این مرحله سوسیالیسم پیشرفته نیز همانگونه مناسبات تولید و قوانین عینی اقتصاد را در است که مرحله پیشین سوسیالیسم ، اما در عین حال همانطور که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و چهارمین کنگره حزب گفته شده ، اینک در اتحاد جماهیر شوروی سطح بسیار عالی تری از پیشرفت اقتصادی ، مناسبات اجتماعی سوسیالیستی ، فرهنگ و آگاهی توده ها را نبه سوه مردم بدست آمده است .

اول اینکه اقتصاد تمام اتحاد شوروی اینک بسط و عالی ارتقا یافته است ، اینک مادرای اجتماعی از اقتصاد ملی بهم پیوسته ایم که اقتصاد ملی جمهوریها بر اساس یک برنامه واحد مشترک بسود تمام کشور و در یک از جمهوریها با وجود آگاهی پیشرفت میکند . پیشرفت روابط اقتصاد به مهمترین عامل نزدیک یکی ملتها را آینده مبدل شده است .

دوم اینکه آشتی ناپذیری طبقاتی و ملی نابود گردیده است . تمام جامعه به یکدیگر دست و یکبار چه و در خلق و ملی دارای ساختار اجتماعی واحدی است که عبارتست از طبقه کارگر ، دهقانان و کسوزی و روشنفکران زحمتکش .

سوم اینکه پیشرفته همه جانبه کشور در چارچوب ناگسستی حاکمیت شوروی و حاکمیت ملی جمهوریها بر پایه اصول مرکزیت در موکراتیک و فدرالیسم سوسیالیستی ، در موکراسی سوسیالیستی شوروی تأمین گردیده است . ویژگی های سیاسی و قضائی حاکم این مسائل مسئله در جمهوریها گوناگون مانع وحدت ملتها نبود ، بلکه بدان کمک میکند .

چهارم اینکه شرایط ضروری برای شرکت فعال زحمتکشان تمام ملتها در پیشرفت علم و فن و فرهنگ ، بوجد آورده شده است . شکوفائی ، نزدیک و غنائی متقابل فرهنگ ملت ها و خلقهای سوسیالیستی از خصائص زندگی معنوی کشور است .

پنجم اینکه با ساختمان سوسیالیسم پیشرفته ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم ، انترناسیونالیسم سوسیالیستی و دوستی ملتها و خلقها تثبیت گردید ، پیروسی های تبادل ارزشها ، مادی و معنوی و کارها بشدت ادامه دارد ، تأثیر متقابل و شکب بین المللی گرفتن وضع زندگی خلقها به شکلهای گوناگون تشدید میگردد . زحمتکشان هر جمهوری اینک جمعیت کثیرالمله است که خصوصیات ملی آنها با یکدیگر و با آداب و سنن و خصوصیات سوسیالیستی مشترک برای سراسر شوروی در هم میآمیزد .

ساختمان و تکامل جامعه پیشرفته سوسیالیستی با تغییرات عظیم کمی و کیفی نسبت به مرحله پیشین سوسیالیسم مشخص میگردد . این پیروسی در کشوری کثیرالمله علاوه بر اینها دارای ویژگیهای مخصوص بخود است .

مناسبات تولیدی برپایه رشد پرتوان نیروهای تولیدی پیشرفت بیشتری یافت و این امر در افزایش چشمگیر سطح اجتماعی شدن تولید در هر دو نوع مالکیت سوسیالیستی و در نزدیکی تدریجی هر دو نوع مالکیت نمایان میگردد. این جریان با تغییرات فزاینده در ترکیب طبقاتی ساکنان اتحاد جماهیر شوروی همراه است. تعداد کارگران و کارمندان از ۲۰٫۵٪ در سال ۱۹۳۹ به ۲۹٫۵٪ در سال ۱۹۷۰ بالغ گردید. از این پروسه اجتماعی بسیار مهم دیگر نیز باید یاد کرده شود. تغییر محسوس سکونت اهالی از روستاها به شهر و همچنین به نواحی تازه آباد شده و تاسیسات جدید و برابر شدن سطح پیشرفت اقتصادی جمهوریها، همه به تبادلی که در آنها مقیاس وسیع میان جمهوریها انجامید. در نتیجه اهالی هر یک از جمهوریها از ملیتهای مختلف تشکیل شد و این امر ویژه در کازاخستان بطور بارزی چشم میخورد.

طبقه کارگر نیروی عمده تولیدی است و در سیستم مناسبات سوسیالیستی نقش اصلی را بعهده دارد. نزدیکی طبقه کارگر، روستائیان گلخیزی و روشنفکران برپایه ترقیات علمی و فنی و نزدیک شدن در نوع مالکیت سوسیالیستی بوقوع می پیوندد و این پدیده یکی از مهمترین شرایط گذار به جامعه کمونیستی بدون طبقات است. در موزکراسی سوسیالیستی پیشرفتی همه جانبه دارد. رفاه و ثروت - مندی مردم بطور مستمر ارتقا پیدا میکند. درآمد واقعی اهالی در سال ۱۹۷۳ نسبت به سال ۱۹۴۰ ۵۰٪ بارافزایش نشان میدهد.

همه این موفقیتهای کشور رو به پرفرته و یکجانبه نتیجه اراده واحد و مساعی واحد جمعیت کثیرالطه اتحاد جماهیر شوروی است. زندگی اقتصادی هر یک از جمهوریهای شوروی تابع یک برنامه واحد بمقیاس سراسر کشور است. این برنامه با توجه به ویژگیهای اوضاع و احوال هر محل و مصالح و منافع تمام جامعه تدبیر میگردد. اقتصاد جمهوریها به مثابه بخش ارگانیک یک واحد یکپارچه با تجمرد و انزوا بیگانه نیست و بدون ارتباط بسیار نزدیک و تاثیر متقابل با اقتصاد کل کشور قادر به پیشرفت موزون و عادی نیست. ارزشهای مادی که زحمتکشان یک جمهوری می آفرینند در دسترس تمام جمهوریهای برادر و همه مردم شوروی قرار میگیرد. بهمین سبب همگان در پیشرفت موفقیت آمیز اقتصاد هر یک از جمهوریها کاملاً ذینفع اند. این موضوع در تمام جریان آباد کردن اراضی بگروها در کازاخستان که بهر از ۲۰ سال پیش آغاز گردید با ثبات رسید. مختار میخوفوف نویسنده برجسته کازاخستان نوشت نومنزلا نی که سرزمینهای بایر آمده اند شهابتی به آنانکه در گذشته از روی احتیاج و بیای خانمانی و دیگر بلائی روسیه تزاری در این مناطق سکنی میگزیدند ندارند و اراضی مستعمره گذشته نیرومندان استقبال نکرد. اینها سازندگان اقتصاد سوسیالیستی بودند که مجهزه نوترین و مسافت تکنیکی اند، بهر آن و دختران میهن شوروی با آگاهی در سطح عالی سرزمینهای آمده اند که تا حالا دست نخورده مانده اند تا برای احیای این اراضی و بازگرداندن آنها به زندگی تا حد امکان بکوشند. حماسه سرزمینهای بگروها بر رویه ادناری در تاریخ کشاورزی جهان بشمار میرود: ۴۲ میلیون هکتار اراضی که در گذشته خالی از سکنه بودند (۲۵ میلیون هکتار از این اراضی در کازاخستان است) در کوتاهترین مدت به آبادانی و زندگی رسیدند. زحمتکشان کازاخستان بیاد دارند که در آن دوران رشد فوق العاده تمام اقتصاد و فرهنگ جمهوری سوسیالیستی سازمان حزبی آنها رفیق برژنف بعهده داشت.

قابل گشت و زرع کردن اراضی بایر امری نبود که تنها از لحاظ اقتصادی مهم باشد. این اقدام بار دیگر نیروی عظیم اتحاد خلیانایز بر طبقه کارگر و دهقانان گلخیزی و نیروی دوستی بزرگ و کمک متقابل خلقهای برادر اتحاد جماهیر شوروی را آشکار ساخت و مکتب واقعی تربیت انترناسیونالیستی و کارگردید. ل. برژنف در سخنرانی خود در آلما آتا (۱۵ اوت سال ۱۹۷۳) تاکید کرد که " قابل گشت و زرع

کردن اراضی بایر قهرمانی برجسته مردم شوروی بود \* ( ۱ ) . قابل کشت ساختن اراضی بایر در دوران ساختمان سوسیالیسم پیشرفته نه تنها برای مردم کازاخستان بلکه برای تمام مردم شوروی درخشانترین نمونه وحدت ملت‌های سوسیالیستی در راه رسیدن به یک هدف واحد بود .

### ۴

وظیفه پر عظمت ایجاد زیربنای مادی و فنی کمونیسم پیشرفت روزافزون مناسبات ملی را ضروری می سازد . تجربه جامعه بشری امروز نیز مانند گذشته بار بار یگانشان می‌دهد که خصلت روابط اقتصادی میان ملت‌ها چنان عمیق بر مناسبات میان آنها می‌بخشد .

در جهان فراوانند کشورهایی که در قرن بیستم با این ضرورت روبرو شدند که تقریباً همان مسائل اجتماعی - اقتصادی را حل کنند که آسیای میانه و کازاخستان در گذشته با آنها روبرو گردیدند . پیشرفت سریع اقتصاد و فرهنگ کشورهای عقب مانده ای که تازه از ستم استعمار رهایی یافته از جمله این مسائل است . بسیاری از این کشورها نظیر جمهوری های شرق شوروی منابع طبیعی غنی در اختیار دارند ، ولی این امر تنها مشکلات آنها را آسان نکرد بلکه بالعکس آنها را بفرنج تر ساخت ، زیرا وجود همین منابع تمایک و کوشش انحصارها را امپریالیستی را برای حفظ این کشورها در دایره نفوذ و تابعیت خویش تشدید می‌کند . آنها فقط در سالهای اخیر موفق شدند منابع طبیعی خود را از وابستگی به بیگانگان رهایی بخشند . ولی امروز هم آنها با وظیفه بفرنج غلبه بر عقب ماندگی و مالک شدن واقعی ( نه تنها سیاسی و قضایی بلکه اقتصادی ) منابع طبیعی خویش روبرو هستند تا بتوانند از آنها بسود مردم بهره برداری کنند . جلب کارشناسان و متخصصین کشورهای در حال رشد به کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، افزایش صنعتی و پیش از حد بهای ابزار آلات و کالاهای مصرفی که کشورهای در حال رشد وارد میکنند و وسائل متعدد دیگر تضییق و فشار امپریالیستی مانع انجام وظایف و حل مسائلی هستند که در بالا با آنها اشاره کردیم . یک سلسله مشکلات عینی هم وجود دارد ناشی از اینکه پیشرفت و تکامل تکنیک معاصر به تولید بمقنن وسیع و هم پیوند و انترناسیونالیستی نیازمند است .

خلقهای آسیای میانه شوروی و کازاخستان را محل تمام این معضلات را در تحکیم اتحاد خویشها باقیه کارگرد یگر جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی و در اتحاد ملت های سوسیالیستی یافته اند . نتایج بدست آمده از پیشرفت کنونی کازاخستان شمر بخشی این راه را تا پدید میکند . اراضی که در هر زمانی کاملاً متروک و بی حاصل افتاده بودند امروز مراکز بزرگ اقتصادی مبدل شده اند . از شروت های پایان ناپذیر بر روی زمین و اعماق آن اینک بسود مردم استفاده میشود . محصولات صنایع جمهوری که امروز رفته های فراوانی را در بر میگیرد ، ۱۹۶۰ بار بیشتر از میزان محصولی است که در سال ۱۹۱۳ در اراضی آن تولید میگردد و ۲۵ بار از میزان تولید پیش از جنگ ( در سال ۱۹۴۰ ) بیشتر است . در کازاخستان امروز رکمتراز ۳۰ روز همانقدر فرآورده های صنعتی تولید میشود که در تمام سال ۱۹۵۰ تولید شده بود . تنهادر جریان انجام برنامه پنجساله هشتم ( ۱۹۷۰ - ۱۹۶۶ ) در کازاخستان ۱۵ شهر نو و مدرن ایجاد گردیده است که پدیدایش هر یک از آنها طبق معمول با ایجاد کارخانه ها و فابریک های بسیار بزرگ و فول آسا ، ساختمان آبرها ( کانال ) ، خطوط حمل و نقل و بهره برداری از معادن مختلف ارتباط دارد .

۱ - ل . برژنف ، مسائل سیاست ارضی حزب کمونیست اتحاد شوروی و آباد کردن اراضی بایر کازاخستان ، مسکو ، ۱۹۷۴ ، ص ۳۳۳ .

کازاخستان در تقسیم کار بمقیاس تمام اتحاد شوروی مقام شایسته‌ای را در راست و این تقسیم کار به پیچیده تنه‌ایه عهد و در بودن نقش تهیه کنند مواد خام بران دیگر نقاط کشور محدود نمی‌گردد و در اینجاریشته‌های صنایع گوناگونی با سرعت روز افزون در حال پیشرفت است که میانه تخصص در سطح عالی دارد. در رشته ماشین سازی جمهوری افزایش متوسط سالانه فرآورد هاد رجریان پنج ساله جاری رقم ۱۶٪ را نشان می‌داد. تولید نیروی برق در سال ۱۹۷۴ نسبت بسال ۱۹۷۰، ۴۰٪ افزایش داشت. صنعت شیمی با سرعت بسیار زیاد در حال پیشرفت است، تولید کود شیمیائی طی چهار سال ۲۷ برابر افزوده شده است.

ترقی عظیم صنایع کازاخستان با تنفییرات کیفی عمیق در ساختار آن و تکمیل تکنولوژی تولید توام بوده و از آن نیرو گرفته است.

جمهوری ما از لحاظ سرعت تجدید زخایر ( فوند های ) تولیدی یکی از مقامهای اول کشور را بخود اختصاص داده است. بیشتر از وسوم تمام زخایر صنایع پیر از سال ۱۹۶۵ بوجود آمد ما ست. زخایر اساسی رشته هائی که ترقیات فنی اقتصاد کشور را تعیین میکنند با حداکثر سرعت تجدید میشوند. کازاخستان در جریان اجرای موفقیت آمیز و کامل قرارهای بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در درجه اول نیروی برق، صنایع فلز سیاه و رنگین، صنایع سوخت و شیمیائی، صنایع ماشین سازی و صنایع سبک و غذائی خود را با سرعت هر چه بیشتری تکامل بخشیده و پیشرفت میدهد. هم اکنون محصولات صنعتی یا مارک کازاخستان در ۷۰ کشور جهان و در درجه اول در کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی مشترک شناخته شده است.

پیشرفت و ترقی فنی با گامهای هر چه راسخ تر در کشاورزی جمهوری نفوذ میکند. موفقیت های کشاورزی جمهوری بویژه پیر از پلنوم مارس ( ۱۹۶۵ ) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که به منزله سرآغاز مرحله کیفی نوی در پیشرفت اقتصاد روستاهای تمام کشور شهرت یافته، مهم و قابل توجه بوده است. اجرای قرارهای پلنوم ماه مارس و بیست و سومین و بیست و چهارمین کنگره های حزب و پشتیبانی گرانقدر و کمک عملی کمیته مرکزی حزب، نیروی سیاسی آن و شخص رفیق بژونف بطور مداوم نسبت به جمهوری اعمال میدارند کازاخستان را به پایگاه عظیم غله در شرق کشور و به منطقه دامداری بسیار پیشرفته ای تبدیل کرده اند و تمام اینها بنویه خود به اعتلا ۵۰ ساله جنبه اقتصاد، علم و فرهنگ آن انجامیده است. میزان محصول سالانه غله در جمهوری از هر ۱ میلیون تن در سال های ۱۹۶۵-۱۹۶۶ به ۲۵۰۹ میلیون تن در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۱ بالغ گردید. این رقم بیشتر از میزان است که در رهنمود های بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای اواخر برنامه پنج ساله نهم پیش بینی شده است. بسیاری از رشته های دیگر کشاورزی کازاخستان نیز موفقیت های بزرگی بدست آورده اند.

موفقیت های بی چون و چرای جمهوری در انجام وظایفی که بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مقرر داشته تنها با وجود زیربنای مادی و فنی پیشرفته تشریح و توصیف نمیشود. این موفقیت هاد رعین حال در نتیجه آنست که جمهوری تعد اد کافی متخصص و کارشناس با معلومات عالی بران تمام رشته هان اقتصاد ( ۹۷۳ هزار نفر ) و گروه کشیری افراد دانشمند ( بیشتر از ۳۰ هزار نفر ) در اختیار دارد.

دامنه پژوهش هائی که آکادمی علوم و صدها دانشکده علمی - پژوهشی کازاخستان بعمل می‌آورد در نتیجه وجود عوامل نامبرده فوق العاده وسیع یعنی از نهای زرات تا فضای کیهانی است.



آنچه درباره‌ی کاخستان در موضوع مربوط به پیشرفت تولید و ترقی در رشته علوم و فنون گفته شد در مورد جمهوریهای آسیای میانه یعنی ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان هم کاملاً صادق است. بطور مثال ازبکستان به جمهوری با صنایع نیرومند تبدیل گردیده است که بیشتر از رشته صنعتی را با ۱۲۰۰ موسسه بزرگ صنعتی در بر میگیرد که همه با وسایل مدرن مجهز گردیده اند. در عین حال ازبکستان جمهوری با گلخوزهای بزرگ، مکانیزه و سوخوزهایی است که اقتصادشان سال بسال استوارتر میگردد.

نقش اقتصاد سوسیالیستی در تحکیم هر چه بیشتر ارتباطات متقابل و تاثیر متقابل ملت های شوروی و تعمیق خصالت مشترک کمونیستی در آنها باز هم افزایش خواهد یافت. این امر ناشی از پیشرفت اقتصاد معاصر است که اجتماعی کردن هر چه بیشتر تولید به معنی سرتمام کشورهای میان بالائی را ایجاد میکند.

پیشرفت هر چه بیشتر و نزدیک شدن و غنای متقابل فرهنگهای ملی سوسیالیستی و استحکام مبانی انترناسیونالیستی آن از مهمترین خصوصیات پیشرفت اجتماع در مرحله کنونی است. اشکال گوناگون رابطه متقابل در خلایق میان فرهنگ های برادر خلایقهای ما که در روزگاری ترو گوناگون تر میشد باین امریاری خواهد افزود. خوانندگان کاخ با خلایق نویسندگان دیگر جمهوریهای شوروی بخوبی آشنا هستند و بهترین آثار نویسندگان مشهور کشور را بزبان مادری خود مطالعه میکنند. بسیاری از آثار نویسندگان و شعرا بکاخستان هم بنویسه خود به زبانهای خلایقهای اتحاد جماهیر شوروی برگردانده شده است.

نیاز عینی به یک زبان مشترک برای همکاری و معاشرت میان افراد ملت های مختلف در جریان مبارزه در راه آزادی زحمتکشان از ستم طبقاتی و ملی و ایجاد اقتصاد و فرهنگ واحد سوسیالیستی پدید آمد و افزایش یافت. تمام ملت ها و خلایقهای کشور ما بدین منظور زبان روسی را داوطلبانه برگزیدند. این زبان بوسیله ارتباط متقابل و وحدت خلایقهای شوروی و آشنائی با بهترین دست آورد های فرهنگ میهن ما و سراسر جهان تبدیل شده است.

پیدايش جمعیت جدید و تاریخی در سیمای خلق شوروی یکی از نتایج عمده مبارزه مشترک زحمتکشان کشور ما در راه ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم است. خلق واحد شوروی بر پایه مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، وحدت زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی و مصالح و آرمانهای طبقه کارگر پدید آمد و تشکیل یافت.

خلق شوروی مظهر صفات مشترکی است که ویژه تمام خلایقهای شوروی و هر یک از آنها بطور جداگانه است. ارتباط متقابل ارگانیک هر آنچه ملی و بین المللی است بازتاب خود را در آیین پدید می یابد. پیوسته بین المللی شدن زندگی خلایقهای شوروی بر پایه وحدت اقتصادی و اجتماعی جامعه شوروی هر چه بیشتر تشدید میگردد و خصائص انترناسیونالیستی و مشترک خلایقهای شوروی تکامل پیدا میکنند.

مردم شوروی با ناسیونالیسم و شوینیسم و نفرت و انزجار نژادی نسبت به خلایقهای دیگر بیگانه اند و از پدید آمدن آنها نهنجاری نظیر حس برتری ملی و انزواجوئی و محدودیت رهایی یافته اند. صداقت و وفاداری به کمونیسم، میهن پرستی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم، فعالیت شدید در کار و امور اجتماعی و سیاسی، ناسازگاری با استثمار و ستم ماندن و با و خرافات ملی و نژادی و همبستگی با بقای زحمتکشان تمام کشورها، اینها همه از صفات و خصائص یک انسان شوروی اند.



تجربه تاریخی که در بالا از آن سخن رفت حاوی دروسی است که نه فقط ارزش تئوریک بلکه ارزش عملی بلاواسطه خود را حفظ کرده اند . در عین حال درس عمده آن وجود دارد که در سبای دیگر همه از آن مشتق شده اند . این درس عبارتست از اینکه حل مسئله ملی تنها در شرایط امکان پذیر است که وظیفه عمده اجتماعی ساختمان سوسیالیسم باشد . و این مسئله تحت رهبری حزب طبقه کارگر حل میشود . این نتیجه گیری مهم مارکسیسم - لنینیسم اینک را اثر تجر به صد ها میلیون انسان تأیید کرده است .

اهمیت اصول لنینی حین مسئله ملی جهانشمول است . نیروهای پیشرو کشورهای که براه رستاخیز اجتماعی و ترقی گام نهاده اند این اصول را رهنمون خود قرار داده اند . نمایندگان بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا در سمپوزیوم بین المللی آلمان ( سال ۱۹۶۹ ) که صد مین سال تولد لنینیسم اختصاص یافته بود ، درباره گرانقدرترین مضمون اجتماعی و سیاسی ، تازگی و اهمیت کاهش نابرابری این اندیشه ها سخن گفتند .

بیست و پنجمین کنگره کمیونیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی در فوریه سال ۱۹۷۶ آغاز خواهد کرد . این کنگره وظایف ساختمان پیگیر زیربنای مادی و فنی کمونیسم و تمام جوانب ترقی اجتماعی کشورها را معین خواهد ساخت . مشی داعی حزب مابخاطر شکوفائی هر چه بیشتر ملت های سوسیالیستی و نزدیک هر چه بیشتر آنها نیز در کار کنگره منعکس خواهد شد . این پروسه عینی و پیگیر محور اصلی پیشرفت مناسبات ملی در اتحاد جماهیر شوروی است .

تمام مسائل پیشرفت مناسبات ملی را حزب کمونیست اتحاد شوروی از موضع انترناسیونالیسم - پرولتاری و سوسیالیستی حل میکند . غنی ترین تجربه های خلق های آسیای میانه و کاخستان که در راه گذار از عقبماندگی قرون به قله های پیشروترین و عادلانه ترین حوامع بدست آمده شاهد درخشان این مدعا است . تاریخ به او انکارناپذیری بر عملی بودن تمام مدعاهائی که حزب در جریان پیشرفت مداوم جامعه مابسوی کمونیسم معین کرده گواهی میدهد .

## طبقه کارگر و متحدین آن

هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" مسئله متحدین طبقه کارگر در مرحله کنونی مبارزه انقلابی را برای مباحثه میان مارکسیست‌ها مطرح میکند. این مسئله در تاکتیک و استراتژی مارکسیستی - لنینیستی یکی از مسائل مهم و مرکزی بشمار میرود. این مسئله برای همه احزاب کمونیست در هر شرایطی که فعالیت میکنند مطرح است و در کشورهای سوسیالیستی، کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و کشورهای رشد یابنده، بسته به ویژگیهای مرحله رشد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنان شکلهای خاصی بخود میگیرد.

در تریهائی که از طرف انستیتوی جنبش کارگری بین المللی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی تهیه شده و ما آنها را منتشر میکنیم مسئله متحدین طبقه کارگر را نظریات و شرایط مرحله ضد انحصاری مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته بررسی میشود.

هیئت تحریریه از خوانندگان دعوت میکند در مباحثه مربوط به مسائلی که در تریه‌ها با آن اشاره شده و همچنین مسائل مربوط به موقعیت و نقش طبقه کارگر و متحدین آن در کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد، شرکت نمایند.

لنین ضمن تعیین موقعیت مسائل مربوط به متحدین طبقه کارگر و تئوری مارکسیسم - لنینیسم خاطر نشان نمود که طبقه کارگر فقط در شرایطی میتواند رسالت تاریخی جهانی خود را اجرا نماید که از تمام امکانات حتی کوچکترین امکان برای بدست آوردن متحد توده‌ای، با وقت، مراقبت و احتیاط و کاردانی استفاده نماید. "کسی که این مطالب را درنگ نکرده از مارکسیسم - لنینیسم علمی معاصر باور کلی حتی یک ذره هم نفهمیده است" (۱)

طرح وحل مارکسیستی - لنینیستی مسئله متحدین طبقه کارگر برای تجزیه و تحلیل بعدی این مسئله در انطباق با دوران ما، مبداء اساسی تئوریک و متدولوژیک این مسئله میباشد. این مسئله بر حسب نوع و درجه تکامل ساختار اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف، موقعیت عینی و منافع طبقه کارگر، طبقات تغییر پرولتری و گروههای اجتماعی و خصوصیات و ذاتی که در برابر پرولتاریا در مراحل گوناگون رشد مبارزه طبقاتی و انقلاب قرار گرفته و نیز ویژگیهای محیط مشخص در این کشور در قیق و مشخص میشود. بدین ترتیب مسئله متحدین طبقه کارگر همیشه دارای محتوی مشخص تاریخی با اصطلاحی دقیق است که بر حسب شرایط مشخص تاریخی و اجتماعی با توجه به خصوصیات مرحله مبارزه انقلابی و نیروهای محرک آن نسبت بدان باید برخورد متفاوتی داشت.

تشدید بحران عمومی سرمایه‌داری در سالهای ۷۰ عدد توانائی تاریخی نظام بهره‌کشی را بنحویر جسته‌ای نشان میدهد. در برابر طبقه کارگر همانند نیروی عمده ترقیات اجتماعی نه تنها این

مسئله ترار گرفته است که راه برطرف ساختن بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را مشخص سازد بلکه حل این مسئله راهم برفع زحمتکشان تامین نماید .

از اینجاست که ارزیابی بر مبنای علمی در باره نیروهای اجتماعی و سیاسی که قادرند در مبارزه بخاطر تحولات اجتماعی عمیق فعالانه شرکت نمایند ، اهمیت ویژه ای کسب میکند . مهمترین بخش این ارزیابی عبارت از روشن ساختن شرایط عینی اجتماعی گسترش اتحادها و طبقاتی و سیاسی است که پیرامون طبقه کارگر و زیر رهبری آن بوجود میآید و میتواند بوجود آید .

مهمترین نکته در شرح متد ولوژیک علمی مسئله عبارت است از بررسی آن در ارتباط ناگسستگی با پیرویه هایی که در داخل خود طبقه کارگر میگذرد ، زیرا این طبقه دسته اصلی مپوستگی تمام نیروهای انقلاب و موقتاتیک است . سیر تکامل جماعتی نتیجه گیریهای مارکسیستی - لنینیستی درباره نقش فزاینده طبقه کارگر را تا به حد نمود . پرولتاریا ضمن تاثیر شدید بر حیات اجتماعی ، خود نیز تغییر مییابد . در پیرویه رشد پرولتاریا نه تفاوت خلصت کار و مهارت حرفه ای قشرها و گروههای جداگانه آن ، بلکه صفات کلی که کارگران مزدور را در یک واحد اجتماعی و در طبقه متحد میسازد ، اهمیت هر چه بیشتری کسب میکند . این صفات کلی عبارتند از موقعیت کارگران در سیستم تاریخی معین تولید اجتماعی ، در مناسبات با ابزار تولید ، نقش در زمان اجتماعی کار و این نتیجه شبهه و میزان دریافت آن سهمی از ثروت اجتماعی که آنها را اختیار دارند ( ۱ ) .

در شرایط انقلاب علمی و فنی برای شکل رده های جدید طبقه کارگر عواملی مانند نوسازی ساختار اقتصادی ، تغییر تکنولوژی تولید و توسعه دایره خدمات اهمیت ویژه ای کسب میکند . این عوامل در بسط و گسترش صفوف طبقه کارگر نقش شایان توجهی ایفا میکنند . وزن مخصوص طبقه کارگر در میان اهالی شاغل همچنان روافزایش است ( ۲ ) .

رفیق لئونید ایلچ برژنف ضمن سخنرانی خود در یانزد همین کنگره اتحادیه های شوروی چنین خاطرنشان کرد : " صفوف طبقه کارگر جهانی پیشروترین طبقه انقلابی معاصر است و نقش آن مانند نیروی عمدت تولید کننده و سیاسی و اجتماعی در آینده نیز در سراسر جهان افزوده خواهد شد . علیرغم نظریات ضد روز ضد مارکسیستی که گویا انقلاب علمی و فنی بمحدود کردن طبقه کارگر و حتی از بین بردن آن منجر خواهد شد ، واقصیات عینی کاملا برخلاف چنین نظریاتی گواهی میدهد . ترقیات علمی و فنی همهجا موجبات رشد طبقه کارگر را فراهم میکند . این رشد از جمله بحساب پیدایش حرفه های جدیدی است که تولید معاصر ایجاد میکند " ( ۳ ) .

مباحثاتی پیرامون مرزهای اجتماعی طبقه کارگر در شرایط انقلاب علمی و فنی بین مارکسیست ها در جریان است . عمومی ترین نتیجه گیری که از این مباحثات حاصل میشود عبارت از آنستکه ، اهمیت طبقه کارگر که بنا بر گفته لنین " نیروی محرکه فکری ( انطلقکتوئل ) و معنوی و مجری عملی " گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است در جهان معاصر نه تنها کاسته نمیشود بلکه افزایش مییابد . سطح مهارت حرفه ای و آموزش عمومی طبقه کارگر بالا رفته و در آن از نظریات علمی مارکسیستی - لنینیستی که

۱ - رجوع کنید به لنین ، مجموعه آثار ، جلد ۳۱ ، ص ۱۵۰ .

۲ - رجوع کنید به آثار مربوط به ساختار کار مزدوری و وزن مخصوص طبقه کارگر در تمام کارگران مزدور و جمیع افرادیکه قابلیت کار کردن دارند ؛ در مثال مراجعه شود به نشریات انستیتوی جنش بین المللی کارگری آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی " طبقه کارگر نیروی رهبر پیرویه انقلابی جماعتی " رد اکتورها ، و ، زانگلا دین ، آ ، کالگین ، ت ، نیموفیف ، مسکو ، ۱۹۷۳ ، صفحات ۵۱ - ۶۶ .

۳ - ل . برژنف ؛ باخدا ، مشی لنینی ، جلد ۳ ، ص ۴۸۶ - ۴۸۵ .

بازتاب و بیانگر منافع آنست عمیقتر شده است. تشکل پرولتاریا به میزان غیر قابل قیاسی با گذشته — بدرجات عالی تر رسیده و اشکال مبارزات اقتصادی و سیاسی واید و لولویک آن تکمیل شده است. منافع و هدفهای سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر در خطوط اساسی و عمده با عمیقترین و اساسیترین هدفها و منافع کلیه زحمتکشان مطابقت میکند. هیچ طبقه دیگری جامعه تا این درجه متشکل و نیرومند نیست. همه این عوامل طبقه کارگر را بعنوان دشمن عمده سلطه انحصارات و تلفیق دهنده خواستها و تمایلات امواج ناهمگون مبارزات ضد انحصاری و بعنوان بیانگر هدفهای عمومی ترقیات اجتماعی به پیش میکشد.

طبقه کارگر هنوز پیشتر از رسیدن بحاکمیت استعداد و قابلیت خود را برای ایفای نقش رهبری در مبارزه بخاطر ترقیات اجتماعی، پس بردن منافع واقعی گروههای اجتماعی و طبقات، در نظر گرفتن این منافع و دفاع از آنها و سهم پیوستگی متحدین خود رشد میدهد و تکامل میبخشد. بدین ترتیب برای وحدت موثر همه نیروهای مبارز در راه صلح و دموکراسی و ترقیات اجتماعی پیرامون پرولتاریا شرایط مقدماتی عینی و ذهنی بیشتری فراهم میآید.

در عین حال جنبش کارگری در بسیاری از کشورهای سرمایه داری همچنان در حالت تفرقه و جدائی است. در طرح مسئله مربوط به متحدین طبقه کارگر به این مطلب نیز باید توجه شود. رشته مسائل دیگری که به بررسی جامع نیازمند است، مسائلی است مربوط به تجزیه و تحلیل آن محیط اجتماعی که طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری رشد یافته در مرحله کنونی مبارزات عمومی و موکراتیک و ضد انحصارات متحدین خود را با مشخصات وضع عینی و ظرفیت انقلابی آنان در آن محیط پیدا میکند. بنابر مباحث پیرامون این مسائل، توجه خاصی باید مبذول شود.

بنابر ما این محیط اجتماعی از نقطه نظر طبقاتی در درجه اول عبارت از مجموعه طبقات و گروههای اجتماعی است که بین دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری یعنی طبقه کارگران و طبقه سرمایه داران در مواضع بینابینی قرار دارند. این مجموعه که "اقشار میانه" نامیده میشود بسیار متنوع است. بحقیق همان مجموعه هم شامل خرده بورژوازی روستاها و شهرها و هم بخشی از زحمتکشان مزدور است که در تولید و مکانیسم اداره امور اجتماعی و سیاسی در جامعه سرمایه داری مواضع متوسط دارند. رشد سرمایه داری دولتی — انحصاری به ورمداوم این گروههای میانه را با اینکه مابانی اقتصادی موجود بین آنان متنوع است بوجود میآورد.

گرایش مستحیل شدن گروههای میانه کفاز خصوصیات مناسبات تولیدی سرمایه داری است و مارکس آنها را خاطرنشان ساخته، طی حساب اخیر بازتاب خود را به نحوی برجسته در کاوشهای شعاع روستائیان سنتی یافته است. این گروهها در حالیکه در کشورهایی که از لحاظ میزان رشد سرمایه داری در مراحل اولیه و متوسط هستند تاکنون هم هنوز یکی از مهمترین گروههای اجتماعی را تشکیل میدهند ولی در کشورهای صنعتی رشد یافته سرمایه داری تعدادشان نسبت به اهالی شاغل بکار متوسط از یک درصد در (بریتانیا) کبیر ( تا قریب ۱۹ درصد در (ژاپن) در نوسا است.

رشد مناسبات سرمایه داری به نابودی اقتصادهای کوچک روستائیان — مالک و رموارد بسیار اقتصادهای متوسط منجر میشود. در عین حال در شرایط سلطه انحصارات در کشاورزی فرمها و روستائیان آزادی عمل و استقلال گذشته خود را از دست میدهند.

صاحبان اقتصادهای کوچک و متوسط برای اینکه بخوابند در برابر رقابت های شدید و روز افزون باید آری کنند تا گیرند ارزش فرآورده های خود را بحساب ششید کار و چشم پوشی از نعم مادی پائین بیاورند.

در عین حال صنعتی شدن تولیدات کشاورزی قشریندی روستائیان را فوق العاده تسریع میکند . روستائیان بطور مداوم و مستمر خصوصیات گروه اجتماعی واحدی را که در دوران سلطه مناسبات فئودالی شکل گرفته بود از دست میدهند . این پیروسی در کشورهای رشد یافته موجب تجزیه اهالی شاغل روستاها در تولیدات کشاورزی به سه بخش : زمینداران بزرگ ، سرمایه دار ، مالکین خرده و متوسط مستقر منجر گردیده که این بخش از لحاظ موقعیت خود در تولید و نوع فعالیت و سطح زندگی فرقشان با صاحبان صنایع کوچک که در صنایع و ادایه خدمات کار میکنند همچنین با کارگران کشاورزی که کار آنها متناسب با رشد نیروهای مولده در روستا به نزدیک شدن بکار در رشته های صنعتی گرایش پیدا میکند روز بروز کمتر میشود . قشریندی روستائیان در این سمت در یک رشته از کشورهای غربی که در آنها رشد سرمایه داری متوسط است جریان دارد . مسئله متحد بین در روستا به عقیده ما قبل از هر چیز مسئله همکاری با کشاورزان خرده پا و پیمان است که نمایندگان اقشار متوسط در کشاورزی هستند . بناسبت کاهش شدیدی تعداد و وزن مخصوص روستائیان در کشورهای سرمایه داری رشد یافته این سوال مطرح میشود : آیا در این کشورها از اهمیت روستائیان مانند متحد طبقه کارگر کاسته نشده است ؟

بنظر میرسد که تنها با در نظر گرفتن روابط متقابل بخرنج عوامل کمی و کیفی که نشان دهنده مشخصات وضع عینی روستائیان باشد به این پرسش میتوان پاسخ درست داد . مارکس و لنین بنحو قانع کننده ای خاطر نشان کرده اند که اگر قدرت انقلابی طبقه و پساگروه اجتماعی تنها بر اساس تعداد افراد آن در این کشور ارزیابی شود نادرست خواهد بود . این قدرت انقلابی قبل از هر چیز به مقام آنها در سیستم تولید اجتماعی ، نقش آنها در اقتصاد کشور ، درجه تشکلی ، آگاهی و مهارت در جلب علاقمندی و حسن نظر دیگران ، های زحمتکشان بسموی خود و غیر مشروط میباشد . اگر وضع روستائیان در سیستم سرمایه داری انحصاری از این نقطه نظر بررسی شود ، میتوان مشاهده نمود که روستائیان نخست آنکه رده کثیرالعدد زحمتکشان را تشکیل میدهند و تا آنکه دوری هم تشکیل خواهند داد . دوم آنکه روستائیان که مانند طبقه کارگر ایجاد کنندگان ثروت مادی جامعه هستند همچنان در اقتصاد جامعه پررؤی نقش مهم حیاتی ایفاء خواهند کرد . سوم آنکه سطح آگاهی بهم پیوستگی و یکپارچگی آنان رشد مییابد و یک کارهای روستائیان تسهیل دست روستائیان صاحب زمین خرده پا و متوسط علیه ستم سرمایه انحصاری به عامل مهم زندگی سیاسی داخلی بسیاری از کشورهای سرمایه داری تبدیل شده است . بدینجهت بنظر ما تلزینی در مورد استحکام اتحاد کارگران و دهقانان مانند یکی از شرایط کامیابی مبارزه علیه سلطه سرمایه داری امروز صدق میکند . در مقابل سیاست انحصارها که موجب افلاس و رواندن میلیونها روستائی از زمینهای کشاورزی میگردد و در عین حال باره ادا از اشکال کهنه زراعت را حفظ میکند ، طبقه کارگر از خواستهای روستائیان در زمینه واگذاری زمین بآنها یعنی در مورد شعار ( زمین متعلق بکسانی است که آنرا کشت و زرع میکنند ) و در مسئله اصلاحات ارضی رادیکال حمایت میکند و از تظاهرات و مبارزات آنها علیه بیعدالتی کامل و آشکار نسبت بر روستائیان در زمینه تقسیم محصول ، بیمه اجتماعی ، حقوق بازنشستگی و شرایط عمومی زندگی روستائیان پشتیبانی میکند .

در نظر گرفتن گرایشهای عمومی سرمایه داری امکان میدهد که مضمین مقتضیات وضع اقتصادی کنونی روستائیان بلکه در زمانی در گرونیهای بنیادین در سیستم مناسبات تولیدی نیز آشکار گردد . بدین مناسبت تدوین برنامه های موثر ، دموکراتیک و ضد انحصاری که نوسازی بنیادین و مدرن کردن تولید کشاورزی در آنها منظر ورشده باشد و ثبات توترفی آن و تبدیل تولید کنندگان خرده کالائی را به شرکت

کنندگان مساوی الحقوق در پروسه برقراری سوسیالیسم در آینده تامین کند ، اهمیت جدی کسب میکند .

قشرهای میانه شهری از نظر رکنی با ثبات تر از قشرهای میانه روستائی هستند . سرمایه داری انحصاری دولتی صد ها هزار تن از خرد مالکین شهری را زامه و اساس پیشین موجود پستان محروم میسازد . شیوه زندگی آنها را بر هم میزند ، با آنان زبانهای مادی جدی وارد میکند ، و آنها را ناگزیر به تغییر حرفه مینماید . آن صاحبان صنایع خرد و پانیز که موفق میشوند ، استقلال خود را حفظ نمایند مجبور میشوند دشواریهای فراوانی را بر طرف سازند . سیستم همه جانبه قراردادها بین کنسرنهای بزرگ و موسسات کوچک که بویژه در زمینه خدمات گسترش یافته اغلب موسسات کوچک را به زانده شرکتهای عظیم تبدیل میکند . در بازار گانی خرد و فروشی نیز دیده مشابهی بچشم می خورد . ولی حتی در آن کشورها هم که پروسه پیدایش قطب های طبقاتی جامعه بسیار پیشرفت نموده با وجود گرایش عمومی کاهش وزن مخصوص این گروه ، شمار مطلق آن طی ده سال اخیر نسبتاً ثابت مانده است ( و در باره ای از کشورها حتی افزایش یافته است ) . یکی از علل این امر آنستکه کاهش صاحبان صنایع کوچک در محیطه صنعتی و بازرگانی خرد فروشی با توسعه سریع دایره خدمات که سهم صاحبان صنایع کوچک در آن نسبتاً بسیار زیاد است جبران شده است .

علت شایان توجه تر آن بادگرگونی بعدی در ساختار اجتماعی قشرهای میانه شهری ارتباط دارد . طی ده سال اخیر صفوف این اقشار بحساب کارمندان دولتی و ننگاهای خصوصی و روشنفکران افزایش یافته است . در عین حال به فاصله های اجتماعی میان گروههای مختلف کارمندان افزود شده است . بخش فوقانی آنها بترکیب طبقه حاکمی پیوند و بخش پائینی که اکثریت توده آنان را بر سر میگیرد طبق بکرشته علائم اجتماعی هر چه بیشتر بکارگران صنعتی نزدیک میشوند . بخش میانه آنها پند هسته ویژه قشرهای جدید متوسط را بوجود آورده است . پدید و وجود کثرت افراد کارآمد که بسیاری از حرفه های کاتگوری متوسط کارمندان کسب میکنند موجب از دست رفتن منزلت و حیثیت اجتماعی گذشته آنها میگردد . پاهای بفرنج شدن دستگاه اداره شرکت کارمندان متوسط در انتخاب تصمیم محدود میشود و کار آنها رفته رفته بصورت مانع در میآید و خطر بکار شدن آنها افزون میشود .

تجزیه و قطب بندی کارمندان بخشی از پروسه کلی قشر بندی روشنفکران بر حسب علائم طبقاتی است . روشنفکران همان قشر اجتماعی اند که ویژگیهای کار و فعالیتشان آنها را متحد کرده است . در واقع پدیدایش سرمایه داری انحصاری روشنفکران گروه قلبی را تشکیل میدادند که با طبقه حاکمه یعنی طبقه ای که با آن خدمت میکردند و بیشتر از همه بدان وابسته بودند ، پیوند نزدیکی داشتند . اما حتی در آن شرایط روشنفکران از لحاظ طبقاتی همگون نبودند ( ۱ ) . با تبدیل شدن روشنفکران بیکوازا نبوه ترین گروههای اجتماعی جامعه سرمایه داری ناهمگونی طبقاتی آنان آشکارتر پدید میگردد .

این پروسه از روی نمونه تحول اجتماعی گروهی از افراد که " حرفه آزاد " دارند بخوبی ملاحظه میشود . سرمایه داری کردن فرآورد ه های معنوی و دایره خدمات منجر به از دست رفتن بخش اصلی روشنفکران - دارندگان پیشین حرفه آزاد ( حقوقدانان ، پزشکان ، معلمان و روزنامه نگاران ) و مواضع اجتماعی پیشین آنها میگردد و آنان را به کارمندان مزد بگیر تبدیل میکند که بخشی از آنها به قشر های جدید متوسط میگردند و بخش دیگر به گروهی هم مرتباً طبقه کارگر مبدل میشوند . متخصصان دارای شغل آزاد ، کارفرمایان کوچک رشته فرآورد ه های معنوی و خدمات توپیدا اشت و آموزش به قشرهای



جدید متوسط می پیوندند .

بخش اساسی روشنفکران بد رجات بیشتری از کارمندان متوسط در نتیجه تنزل ارزش و اعتبار و اهمیت اجتماعی حرفه‌های ویژه روشنفکران در رضیقه قرار میگیرند و در نتیجه مقدار زیادی از امتیازات مادی و امتیازات مربوط به اعتبار و موقعیت اجتماعی خود را از دست میدهند . روشنفکران هر چه بیشتر با خود سری اداره روائی ( بوروکراتیسم ) و مداخلات بی صلاحیت دستگاه دولت انحصاری در محیط فعالیت خود روبرو میشوند و در وضع تحقیرآمیز و وابسته به انحصارات سرمایه داری قرار میگیرند .

از این بعد اختلاف بین روشنفکران و بورژوازی هر چه بیشتر همانند اعتراضات در آنگاه ناشی از علل اخلاقی و یاد رک قوانین پیرویه تاریخی بروز میکند . این اختلافات بخاطر اعتراضات گروهبان کارگری را شامل میشود و با ارتقا سطح آگاهی آنان نسبت به منافع اساسی و وظیفه اجتماعی خویشتر شده با نیازمندی های الیگارشی دولتی و انحصاری در تضاد است پدید می آید . در نتیجه بخش قابل توجهی از روشنفکران در صف متحدین طبقه کارگر در می آیند .

بدین ترتیب از اهمیت قشرهای میانه شهرها و روستاها با پیشرفت هائیکه در ساختار آنها پدید می آید ، کاستن میشود . بطور کلی قشرهای میانه در جامعه سرمایه داری همچنان گروهبان انبوه اجتماعی را تشکیل داده امید دهند . در عین حال توجه مخصوص طبقه کارگر برای همکاری با این قشرها به افزایش تعداد ، وزن مخصوص و نفوذ گروهبان روشنفکران که به اقشار متوسط میگردند مشروط میباشد . تاثیر سیستم دولتی انحصاری بر مواضع قشرهای متوسط متضاد است . عدم توافق کاملا آشکار

منافع قشرهای متوسط با سیاست سرمایه انحصاری و تمام سیستم دولت انحصاری ، برخورد منفی روز افزون این قشرها را نسبت به نظام سرمایه داری و نامتنتوهای آن از قبل تعیین میکند . در عین حال هنوز پندارهائی در مورد امکانات " تنظیم " دولت انحصاری و " درونهای مساعد " برای صاحبان صنایع کوچک وجود دارد . این پندارهاتو با عدم اعتماد ( و در مواردی دشمنی علنی )

نسبت به طبقه کارگر و جنبش انقلابی کارگری که از خصوصیات بخشی از خرده بورژوازی است ، در این قشر آرزوی " حکومت مقتدر " را پدید می آورد که بتواند آنها را از فشار کارگران " مصون " بدارد . در یک سلسله از کشورها گروهبان متنفذ روشنفکران هنوز هم مواضع محافظه کارانه آن دارند که پایتان پیوند های اجتماعی و روائی آنها با طبقه حاکمه محدودیت نسبی و وضع مادی نسبتاً مرتفع آنهاست . خصوصیت نسبت به سرمایه دولتی انحصاری با اضافه فردگرایی گروهبان از روشنفکران و جوانان دانشجویی را برآیند تاریخی و ماوراء انقلابی میکشاند .

در شرایط معینی گروهبان غیر پرولتری که جزو اقشار میانه نیستند ( بورژوازی متوسط و غیره ) و منافع آنها با منافع بورژوازی انحصاری در تضاد قرار میگیرد میتوانند به متحدین پرولتاریا تبدیل شوند . اما در چنین مواردی پایه های عینی برای اقدامات مشترک طبقه کارگر با آنها معمولاً بسیار محدود است . برای اتحاد قشرهای وسیع خلق پیرامون طبقه کارگر علاوه بر منافع اجتماعی و طبقاتی منافع هدف های دیگری نیز که جنبه دموکراتیک عمومی دارند - یعنی علاقمندی به دموکراتیزه کردن سیستم سیاسی ، سرنگونی رژیم های استعرفاشیستی و ملیتاریستی ، جلوگیری از جنگ و استقرار صلح پایدار کمک میکنند .

جنبشهای دموکراتیک که نیروهای گوناگون سیاسی و اجتماعی را بر پایه مشترک بودن منافع مشخص آنها و سمت گیریهای ضد امپریالیستی و مظاهر استبداد متحد میسازند ، شکلهای عملی اقدامات مشترک طبقه کارگر با دیگر قشرهای اجتماعی میباشد . پرولتاریا با بطور مستقیم مانند یک طبقه در این جنبشها ( مبارزه دموکراتیک بطور کلی ، مبارزه ضد فاشیستی و ضد جنگ ) شرکت مینماید و با بوسیله

پاره ای از گروههای خود ( جنبش جوانان ، جنبش زنان ) در آنها شرکت دارد و یا از این جنبشها پشتیبانی میکند . مثلاً لنین با توجه به مقاومتی که نسبت به ستیم ویی قانونی در میان گروههای مذهبی مشاهده میشود نوشت : " ما سوسیالیست ها موافقم از این جنبش پشتیبانی کنیم و خواستههای عناصر شرافتمند و صدیقی روحانیون را با انجام برسانیم " ( ۱ ) .

در تمام کشورهای طبقه کارگر متکربیشنها در های جامعه ای است که مضمون آنها میتواند جوانان ، زنان و زحمتکشان مذهبی را متحد سازد و برای شرکت فعال تمام قشرهای جامعه در مبارزه ضد انحصارها امکانا تسهیمی بوجود آورد .

بنابراین بررسی این مسئله که پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی که در جامعه جریان دارد چگونه در مواضع و رفتار گروههای گوناگون ارتشیان تاثیر میکند سود مند و صلاح میباشد . ارتش یشارگان اجتماعی و تضییقی در دست طبقه حاکم میباشد . علاوه بر این نیروهای مسلح بویژه در مواردی که سخن از ارتش های مزدور حرفه ای در میان نیست گروه اجتماعی متشکل و ویژه ای را تشکیل میدهد که منعکس کننده ساختار اجتماعی و سمبکیری سیاسی کشور خود میباشد . و این مطلب تنها مربوط به ترکیب و خدمت وظیفه در ارتش نبود و شامل کار رنات ارتش و از آنجمله توده های وسیع کار رافسری آن میباشد . در مواردی که مقام و درجات افسری توده سوسیالیست از ارتشیان را شامل میشود ، این حرفه اجتماعی جنبه اختصاص داشتن به قشر ممتاز خود را از دست میدهد و بطور عمده از افراد بی تشکیل میگردد که منشأ اجتماعی آنها از قشرهای میانه جامعه است ؛ و در نتیجه مواضع و نظریات خاص این قشرهای میانه در نظریات شورفتر کار رافسری ارتش تاثیر خود را باقی میگذارد . استواری اتحاد با قشرهای میانه جامعه ، برای گسترش دامنه این اتحاد با بخش شایان توجهی از نیروهای مسلح امکانات بیشتری بوجود میآورد ؛ و از طرف دیگر همکاری با این بخش از نیروهای مسلح میتواند به بسط دامنه اتحاد طبقه کارگر با قشرهای میانه جامعه مساعدت نماید .

در بررسی و تحلیل ترکیب و موقعیت متحدین طبقه کارگر در نظریات گرفتن خصوصیات عمومی و ویژه مرحله مبارزه دموکراتیک و ضد انحصاری و نیز ویژگیهای اقتصادی و اوضاع سیاسی داخلی و اوضاع بین المللی در هر لحظه معین حائز اهمیت است . تبادل نظر را اینمورد که روند و خاتم زدائی در اوضاع بین المللی و شدت کنونی پدیده های بحرانی در کشورهای سرمایه داری بر مواضع سیاسی قشرهای میانه چه تاثیر میگذارد از نکات سود مند میباشد . کاهش خدمات نظامی و رکنی به گسترش پایه های اجتماعی و تشدید مبارزات ضد انحصارها مساعدت میکند . در زمانی خرد و بورژوازی بمنزله گروهی بود که بهتر از همه تحت تاثیر تبلیغات شوونیستی و ملیتاریستی قرار میگرفت . و این امر از جمله موجب آن گردید که در بحبوحه "جنگ سرد" این گروه بمنصربم تکیه گاه اجتماعی و استراتژیک امپریالیستی و مقابله نظامی و سیاسی امپریالیسم با کشورهای سوسیالیستی تبدیل شود . خرد و بورژوازی کانون اشاعه تبلیغات آنتی کمونیسم و ضد شوروی بود و این امر همکاری طبقه کارگر با این گروه اجتماعی را دشوار میکرد .

کامیابیها تکیه در اجرای برنامه صلح پیشنهاد شده در کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی بدست آمد پاره ای از موانع در راه این همکاری را از میان برداشت .

بدیهی است که پروسه تحول پسکولوژی توده ها امری است بفرنج و دیرپا . تسلط ایدئولوژی ملتگرایی و شوونیستی بفرز و اندیشه قشرهای خرد و بورژوازی کشورهای عمده سرمایه دارن بهمیچوجه از بین نرفته است . کاهش و خدمات اوضاع بین المللی باشد شبیهشتری در آن قشرهایی تاثیر من بخشد که

ازین آمده‌های احتمالی حادث شدن درگیری مستقیم سیاسی و نظامی دول دارای نظامهای اجتماعی متفاوت و همچنین از درونهای مساعد همزیستی مسالمت‌آمیز تصورروشنی دارند .

بحرانی که سراسرجهان سرمایه داری رافرا گرفته نیز بهشدید تظاهرات و اقدامات ضد انحصاری کمک میکند . بحران کموجیب و خیم تر شدن وضع زندگی مادی توده های عمده زحمتکشان گردیده برای قشرهای میانه جامعه نیز مشکلاتی بوجود آورده است . کاهش حجم فروش کالا های تولیدی و همچنین کاهش سفارشات برای تهیه کالا ( که حتی شرکت های بزرگ از آن زیان میکنند ) موجب ورشکستگی بسیاری ازبنگاه های کوچک گردیده است . برای بنگاه های کوچک در رشته خدمات مانند سرویس حمل و نقل ، مهمانخانه ، رستوران که سهم سرمایه داران کوچک در آنها تاکنون نسبتاً زیاد بوده نیز مشکلات فراوانی پدید آمده است . تدابیر فوق العاده به اصطلاح بحران زدائی که در موارد بسیاری با افزایش تعداد کارمندان اخراجی ازبنگاه های دولتی و شهرداری همراه است شامل نفعتمنا کارمندان جزئی بلکه کارمندان متوسط نیز میشود . بیکاری پرم دامنه نخستین بار در سالهای اخیر بطور جدی پاره ای از متخصصان و مدیران بنگاه های تولیدی صنعتی را دربر گرفته است . کاهش اعتبارات دولت در زمینه نیازمندی های اجتماعی و فرهنگی برای بسیاری از کارشناسانی که در رشته های غیرتولیدی بکارها ویژه روشنفکران مشغولند مشکلا زیاد ی تولید کرده است . نتیجه مستقیم همه این عوامل نارضایتی نسبت به محافل حاکمه را بین اقشار متوسط جامعه پیش از پیش بسط و گسترش میدهد .

این عدم رضایت در چه مسیری پیش خواهد رفت ؟

در کشورهاییکه دولتهای بورژوازی رفرومیستی بر سر کارند این ناپسندانیهای اقتصادی میتواند بخشی از قشرهای میانه راه جناح راست و در برخی موارد حتی به جناح پشتیبان مستقیم نیروهای ارتجاعی و افراطی راست بکشد . ولی بطور کلی خصلت دگرگونی در روحیات سیاسی قشرهای میانه بد رجعات زیادی بستگی به باثباتی موضعی دارد که نیروهای دموکراتیک و مترقی بدست آورده اند . اگر این نفوذ بحد کافی موثر باشد نفعتمنا میتوان از گرایش قشرهای میانه بر راست جلوگیری نمود بلکه میتوان شرکت آنها را در مبارزات ضد انحصارات افزایش داد .

برای ارزیابی ظرفیت انقلابی متحدین طبقه کارگر علاوه بر عوامل عینی اجتماعی و اقتصادی وسیع<sup>می</sup> که در بالا بررسی گردید عوامل ذهنی نیز اهمیت فراوان دارد . سطح آگاهی ، تشکل پذیری و بیکارجویی خود طبقه کارگر و متحدین آن ارزشته مسائلی هستند که بنظر ما شایان بررسی همه جانبه میباشد .

عوامل بسیاری گواه آنستکه آگاهی سیاسی بسیاری از گروههای قشرهای میانه در حال رشد است . گروههای قابل ملاحظه ای از کارمندان و کارکنان پیش از پیش شیوه های مبارزه ویژه طبقه کارگر را بکار میگیرند : معمول کردن " حدهای متفیسر " دستمزد ، حداقل تضمین شده دستمزد ، تغییر مقررات و معیارهای دستمزد در سمت افزایش مقدار اصلی آن و حذف مزایاییکه تابع هد فهای تشدید کار میباشد و جلوگیری از تبعیض نسبت به زحمتکشانیکه در امور سیاسی فعالانه شرکت میکنند و غیره . مبارزه در راه این خواستهها نفعتمنا بطور عینی بلکه بطور ذهنی نیز شرکت کنندگان در این مبارزه را با طبقه کارگر نزدیک میکند .

کارمندان هرچه فعال تر در پی پرولتاریای صنعتی حق تشکیل و شناسایی مجامع حرفه ای خود و حق فعالیت های سیاسی و حرفه ای در محل کار و حق نظارت بر شرایط کار را بدست میآورند . آنها در بنگاه های صنعتی شیوه های مبارزات آزموده شده ، نوعهای گوناگون اعتصاب ، تحریم ، و تظاهرات گوناگون و غیره را بکار می برند . استفاده از تراکت ، بلندگو ، برگزاری جلسات و مجامع علنی برای

برقراری ارتباط با محافل اجتماعی ، کوشش برای جلب پشتیبانی و همبستگی از طرف وسیع‌ترین تشریح‌ها و اهالی بین‌انها عمومیت پیدا کرده است . همه این اقدامات به برقراری مناسبات همکاری با جنبش متشکل کارگری کمک میکند .

طبقه کارگزار توسط قشرهای میانه به شیوه‌های مبارزه پرولتاریا فعالانه پشتیبانی میکند و از خواسته‌های ویژه این قشرها و نیز خواسته‌های عمومی آنها که از طرف گروه‌های دیگر تحت‌تأثیر مطرح میشود ( مبارزه علیه خطر بیگاری ، فشارهای مالیاتی و تنزل سطح زندگی ) دفاع مینماید . محتوی مشخص مساوی مربوط به متحدین طبقه کارگر بطوریکه در بالا خاطر نشان شد با خصوصیات و ظایفی که در مسرا حل گوناگون مبارزه در برابر پرولتاریا قرار میگیرد و پیوند های عینی منافع طبقه کارگر با منافع گروه‌های اجتماعی غیر پرولتری تعیین میشود . روشن است که گذار از مرحله مبارزه در موکراتیک و ضد انحصارات به مرحله مبارزه در راه تحولات سیاسی موجب تغییر ماهوی صورت بندی نیروهای طبقاتی میگردد و مسئله متحدین طبقه کارگر را از جهات بسیاری بصورت تازه ای مطرح میسازد . تجارب مبارزه طبقاتی پرولتاریا نشان میدهد که در مرحله مبارزه در راه تحولات سوسیالیستی مسئله حفظ پشتیبانی از طرف قشرهای میانه اهمیت شگرفی کسب میکند . لنین منذ کر گردیده که مهارت در پیش بینی سمت های عمده گروه بندی‌های نیروهای طبقاتی در دوران گذار از این مرحله مبارزه به مرحله دیگر و مهارت در تشخیص و تمیز دادن متحدین گذار از متحدین پابرجا و متحدین باثبات از قشرهای متزلزل و سازشکار اهمیت بویژه فراوانی دارد .

تعیین و تشخیص درست محتوی مبارزه ضد انحصارها تنها با در نظر گرفتن دورنمای سوسیالیستی امکان پذیر است . این سنگبری استراتژیکی بهم پیوستگی بعدی نیروهای مترقی و موکراتیک گسترش و تعمیق پیوند با توده های غیر پرولتری و بالا بردن ظرفیت پیکار جوشی آنان را بر حسب رشد و تعمیق پیوندها تحولات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی در جامعه ، تأمین مینماید . این بود یکرشته از سائلی که ما میخواستیم بناسبت بررسی مسائل مربوط به متحدین طبقه کارگر در مرحله کنونی مبارزه در موکراتیک و ضد انحصاری بران بحث و بررسی مطرح سازیم .

# پیروزی در ویتنام و اهمیت بیت المللی آن

مردم ویتنام به پیروزی تاریخی دست یافتند. سالهای دراز محرومیت و از خود گذشتگی سی سال مبارزه قهرمانانه بر علیه امپریالیسم فرانسه و دنبال آن امپریالیسم امریکا و اعمال و دست نشانده گانشان پشت سر نهاده شده است.

کمونیست ها و نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی سراسر جهان در شادی پیروزی افتخار آمیز میهن پرستان دلیرویتنام جنوبی و همهمردم ویتنام خود را شریک میدانند. آنان این پیروزی را بمنزله پیروزی سوسیالیسم، استقلال ملی، دموکراسی و صلح تلقی میکنند.

جنبش کمونیستی و کارگری کم کم مبارزان ویتنام را همواره وظیفه بسیار مهم و حیاتی خود بشمار میآورد. در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۶۹ خطاب به همه مردم جهان، به همه مخالفان امپریالیسم گفته شده بود: " وحدت عمل و پشتیبانی همه جانبه از مردم قهرمان ویتنام هدفی است که در درجه اول اهمیت قرار دارد " (۱). کنفرانس برنامه حل مسئله ویتنام جنوبی را که آنوقت از طرف کمیته مرکزی جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی ارائه شده بود بی چون و چرا مورد پشتیبانی قرار داد و شعار " استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام " را پذیرفت احزاب برادر پیروزی نهائی میهن پرستان ویتنام را پیش بینی میکردند و این نکته را تاکید میکردند که این پیروزی " برای تحکیم مواضع خلقهای مبارزه بر علیه سیاست تحمیلی و خود کامگی امپریالیستی اهمیت اصولی خواهد داشت " (۲).

زندگی درستی تجزیه و تحلیل عمیق رویداد های ویتنام و در زمانی مبارزه مردم آنکشور را که احزاب برادر بدست داده بودند با ثبات رساند. در پرتو این ارزیابی ها است که میتوان گفت: آنچه در بهار ۱۹۷۵ در ویتنام رویداد از نظر تاریخی منطقی است. سقوط و اضمحلال رژیم پوسیده ضد خلقی و خائنی که به سر نیزه بیگانگان و ترور سیاسی متکی بود و موافقتنامه های پاریس را با خشونت پایمال میکرد اجتناب ناپذیر بود. اما پیروزی بدست آمده از اهمیت بسیار زیاد تری برخوردار است. ویتنام یکی از حلقه های زنجیر شکست های سیستم امپریالیسم در جریان مقابله جهانی و سیستم است. ویتنام حلقه ای از زنجیر شکست های تاریخی اجتناب ناپذیر استراتژی استعمار نو بر علیه جنبش آزادی ملی است.

امپریالیسم با مدخله مسلحانه یکی از رزهای مقدم سوسیالیسم را در آسیا از بین ببرد و راه صلح، آزادی و ترقی را بروی مردم ویتنام و تمام خلقهای هند و چین ببندد، به جنبش انقلابی در راه آزادی ملی ضربه وارد سازد و میزان استحکام همبستگی کشورهای سوسیالیستی و جمیع نیروها ضد امپریالیستی را آزمایش کند.

۲۹۱ - " کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری. مسکو ۱۹۶۹ ". پراگ، اداره نشریات  
" صلح و سوسیالیسم " ۱۹۶۹، ص ۳۲ ( بزبان روسی ) .

مقاصد اقتصادی تجاوز ایالات متحده امریکا طی سالهای اخیر هر چه بیشتر آشکار می‌شود . امکان استخراج نفت در سواحل ویتنام و وجود نیروی کار ارزان و فراوان عواملی است که تشدید فعالیت انحصارهای امریکارا در ویتنام جنوبی روشن می‌سازد . آنها میکوشیدند ویتنام جنوبی را به منطقه قرق استثمار و نامتعماری مبدل کنند .

تمام این نقشه‌ها با شکست کامل روبرو گردید . نه جنگ دراز مدت استعمارگران فرانسه که میکوشیدند سلطه از دست رفته خود را بر سرزمین ویتنام برقرار سازند ، نه مداخله مستقیم ایالات متحده امریکا و عمال آن در کشورهای دیگر و نه " ویتنامی کردن " کذافی جنگ ویا استراتژی نژاد پرستانه بجان هم انداختن آسمانی ها برای امپریالیسم موفقیتهی ببارنیاورد و نمیتوانست ببار آورد .

امپریالیسم امریکا تدمم قدرتشماشین جنگی خود را بر علیه ویتنام بکار انداخت . طبق آمار رسمی امریکا ، تنها مخارج مستقیم ایالات متحده امریکا در جنگ ویتنام به ۱۴۱ میلیارد دلار بالغ گردید . هواپیماهای امریکا ۷ میلیون تن بمب ، یعنی ۳۵۰ برابر بیشتر از آنچه متفقین غربی در تمام صحنه های نبرد جنگ جهانی دوم فرورویخته بودند ، برویتنام ، لاوس و کامبوج فرورویختند و ۱۰۰ هزار تن مواد سمی گوناگون بر این سرزمین ها پاشیدند . تعداد افراد سپاه ما مورعطلیات امریکاد ویتنام در پایان سال ۱۹۶۸ به ۵۸۵ هزار تن رسید . تلفات تجاوزکاران امریکایی بیش از ۵۶ هزار کشته و ۳۰۰ هزار زخمی بود و بیش از ۸ هزار هواپیما و هلیکوپتر از دست دادند .

پهروزی در ویتنام بیشتر از هر چیز پهروزی قهرمانی و دلیری ، از خود گذشتگی و مردانگی مردم ویتنام است که بالهام گرفتن از آرمانهای فرزند بزرگ خود هوشی مینه توانستند مبارزه را با مهارت در سبب جبهه نظامی ، سیاسی و دیپلماتیک تلفیق کنند . امروز حتی کسانی که چوچه مشترکی با مارکسیسم ندارند اعتراف میکنند که هرگاه انقلابیون ویتنام از گسترده ترین پشتیبانی ها در میان توده ها برخوردار نبوده و اگر مبارزه آنان در روح و اندیشه هم پیمان نشان مثل اراده قوی ملی نبود تنها با مبارزه مسلحانه کاری از پیش نمی بردند . آزادی نهائی ویتنام جنوبی در نتیجه این عامل که هجوم و تعرض ارتش آزاد بیختر با عصیان اهالی ویتنام جنوبی بر علیه رژیم دست نشانده تپو و اربابان امریکائیش تلفیق میگردد تسریع شد . در عرصه جهانی شناسائی دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی از جانب جبهه کشورهای تپا پتتر از پهروزی به موفقیته مپهن پرستان کمک کرد و این هود واقعیت بی نظیری در تاریخ جهان بشمار میآید . فعالیت های متعدد و گوناگون دیپلماتیک این دولت و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام نیز به این موفقیته یاری رساندند .

وحدت خلل ناپذیر شمال و جنوب و این واقعیت که مپهن پرستان ویتنام جنوبی در مبارزه رهائی بخش خود به دولت سوسیالیستی ویتنام در شمال متکی بودند نقش بزرگی در کمپپهروزی ایفا کرد . شعار تمام اهالی جمهوری دموکراتیک ویتنام ساختان سوسیالیسم در شمال و کمک بهید ریغ به مپهن پرستان جنوب بود . " همه چیز برای جنوب ، همه چیز برای پهروزی " شعاری بود که به فرد فرد اهالی الهام می بخشید . روشن است که تحقق چنین شعاری با صرف چند پهروزی همراه بود . ولی مردم جمهوری دموکراتیک ویتنام بر رهبری حزب پرافتخار زحمتکشان ویتنام از عهد ه آن برآمدند و نظام سوسیالیستی پایگاه چنین پهروزی شد .

همه اینها این حقیقت بزرگ را تپید میکنند که در دوران مانه امپریالیسم بلکه سوسیالیسم در جریان تاریخ تاثیر قاطع دارد و مساعی نیروهای امپریالیسم و ارتجاع برای سرکوب جنبش خلقها در راه آزادی ملی و شرقی اجتماعی در آخرین تحلیل محکوم بشکست است . پهروزی در ویتنام نشانه پهروزی افتخار آمیز همستگي مورش و سلحشورانه کشورهای سوسیالیستی



با آنست . پشتیبانی عظیمی که خلق رزمند ویتنام از این کشورها و در رجه اول از اتحاد شوروی دید بر همگان روشن است و همه بر آن اعتراف دارند . این پشتیبانی از خاطره خلقهای جهان هیچگاه سترده نمیشود . چنانکه در پیام های تهریکی که رهبران جمهوری دموکراتیک ویتنام و حزب زحمتکشان ویتنام ، جنبه توده ای آزاد بخش ویتنام جنوبی و دولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی بنحایت سنگین سال پیروزی بر فاشیسم برای رهبران شوروی فرستاده اند تأکید گردیده ، مردم ویتنام این موضوع را عمیقاً درک میکنند که پیروزی انقلاب ویتنام از کمک و پشتیبانی عظیم ، موثر و همه جیا نه اتحاد شوروی ، دیگر کشورهای سوسیالیستی و تمام بشریت مشرقی جدائی ناپذیر است . مردم ویتنام و رهبران آن کشور با ابراز حقیقتی خود بنحایت این کمک و پشتیبانی آنرا نشانه همبستگی طبقاتی میدانند که در مبارزه برای آینده ای بهتر بر آنها الهام می بخشد . هوش مین رهبر مردم ویتنام بارها یاد آور میشود که منشأ تمام پیروزیها و موفقیت های مردم ویتنام انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و پیروزی مردم شوروی در جنگ جهانی دوم است . او برای نقش سهمین جهانی سوسیالیسم که پیدایش و استواری آن در نتیجه سرکوب فاشیسم آلمان و امپریالیسم زاپه امکان پذیر گردید ، ارج فراوان قائل بود .

پیروزی در ویتنام نیروی و تمرین بخشی و اهمیت اخلاقی - سیاسی فراوان همبستگی جوامع مترقی سراسر جهان با خلق رزمند آنرا تأیید نمود . نام رایج و نودین وهانری مارتن را که نشانه مخالفت مردم فرانسه با " جنگ پلید " ویتنام است همه بخاطر دارند . مقیاس جنبش ضد جنگ در ایالات متحده امریکا که تاثر کمتری در زیوستن بخشی از محافل حاکنه این کشور به نظریات واقع بینانانه نداشت ، فراموش شدنی نیست . مجامع عظیم جهانی همبستگی با ویتنام در استکهلم ، برلین و پاریس و بسیاری از اقدامات مشخص کمک و پشتیبانی از صیبهن پرستان ویتنام در شمار رویداد های تاریخی در آمده اند . جنبش پشتیبانی از مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام به توده ای ترین جنبش دوران صلح بدل شد و تمام کشورها و اطراف و اکناف کره زمین را فرا گرفت و عامل مهمی در زندگی سیاسی شد . دعوت کنفرانس جهانی احزاب برادر در سال ۱۹۶۹ از مردم جهان بدین شکل بطور مشخص جامه عمل پوشید . هسته اصلی این اقدامات و نیروی محرکه این کار سازمانی را در همه جا کمونیست ها تشکیل میدادند . بار دیگر با ثبات رسید که هیچ جنبش اجتماعی که آرمانهای صلح و ترقی الهام بخش آن باشد در جهان امروز بدون کمونیست ها و با بر علیه کمونیست ها سر نمیگردد . " هر قدر احزاب کمونیستی و کارگری پرچم دفاع از آزادی خلقها را با قاطعیت بیشتری برافرازند و با قاطعیت بیشتری در پیشاپیش مبارزه بر علیه سیاست امپریالیستی تجاوز قرار گیرند همانقدر رجنبش ضد امپریالیستی توده های مردم گسترده تر و موثر تر خواهد بود " ( ۱ ) .

بدین ترتیب انجا موفقیت آمیز مبارزه مسلحانه مردم ویتنام با زتاب تغییرات بنیادی در تناسب نیروها بسود سوسیالیسم ، دموکراسی و آزادی ملی و ترقی اجتماعی است و منبوه خود موجب پیدایش تغییرات تازه ای در این جهت خواهد شد . اهمیت بین المللی پیروزی صیبهن پرستان ویتنام هم پیش از هر چیز با همین سنجید میشود که برای جهان چه رآوردی دارد !

بیشتر روند انقلابی جهانی تزلزل ناپذیری حق خلقها را در مالک سر نوشت خویش بودن ، یعنی حق راکه کمونیست ها همواره از آن دفاع و پشتیبانی میکنند ، تأیید میکند . این خواست هسته اصلی هدف مبارزات مردم ویتنام ، کابوچ ولائوس را تشکیل میداد و همین خواست پایسه مبارزات پیگیر و چند جانبه ایست که خلقهای بیتر از صد کشور آسیا ، افریقا و امریکا ی لاتین بر علیه

۱ - " کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری . مسکو ۱۹۶۹ ، ص ۵۰ ( بزبان روسی ) .

امپریالیسم دنبال میکنند . پیروزی میهن پرستان ویتنام و شکست مداخله مسلحانه نیرومند ترین کشور امپریالیستی جهان سهم عظیم عملی در تثبیت حقی است که اصل لنینی تعیین سرنوشت خلقها را مجسم میکند .

آزادی کامل ویتنام ، علاوه بر این ، اهمیت فوق العاده ای برای امر ترقی اجتماعی در کشورهای واقع در منطقه آزادی ملی و بویژه در آسیای جنوب شرقی دارد . طی سی سال اخیر و در جریان جنگ خونین ویتنام ، بطوریکه رهبران آن کشور بارها تاکید کردند ، روند های انقلابی قطع نشد و دو انقلاب گسترش و تکامل پیدا میکرد ، یکی انقلاب آزاد بخش ملی و سوسیالیستی در شمال و دیگری آزاد بخش ملی و دموکراتیک در جنوب . همین امر خلعت توده ای ملی واقعی مبارزه میهن پرستان ویتنام را تعیین کرد . این نکته را استراتژی های امپریالیست ایالات متحده امریکا که میکوشیدند مناسبات سرمایه داری را بطور مصنوعی در ویتنام جنوبی برقرار کنند و در آنجا از روی الگوی " شیوه زندگی امریکائی " قشر طفیلی بوجود میآوردند که ارتباط خود را با مردم کاملاً قطع کرده بود ، پیش بینی نکردند و تفهیدند .

سرانجام جنگ ویتنام در ستاورد گراندی در آن پیروسی های جنبش آزادی ملی است که اینک با ورود آنها به مرحله نوین گذار از جنبش آزادی ملی به آزادی اجتماعی مشخص میگردد .

این نیز بویژه خود حائز اهمیت است که پیروزی نهایی مردم ویتنام در شرایط کاهش تشنج بین المللی که ارتباط نزدیک با موفقیت های تعرض صلح اتحاد شوروی و کشورهای ارد و کاشوسیا<sup>۱</sup> لیم دارد بدست آمده است . این پیروزی موجد آنست که محیط اجتماعی - سیاسی که بر اصول همزیستی مسالمت آمیز و اقدامات جمعی و متحد خلقها بخاطر صلح استوار باشد بموفقیت مبارزه در راه استقلال و تشکل ملی کشورهایی که میخواهند در گزینش سرنوشت خویش آزاد باشند کمک میکند .

از همین بردن کانون جنگ در هند و چین شرایط مساعدی برای سالم تر کردن محیط بین المللی بوجود میآورد . آزادی سایگون بمعنی پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز و شکست مخالفان آنست و نیروی کسانی را که در راه کاهش تشنج و صلح مبارزه میکنند افزایش میدهد . تغییر و تحولات تاریخی هند و چین که شرایط تازه ای برای استحکام امنیت بمقیار تمام قاره آسیا ایجاد میکنند سهم بزرگی در این مبارزه است .

امکان وارد ساختن شکست به سیاست امپریالیستی که بر اعمال فشار نظامی بنیاد نهاده شده در سر میهن ویتنام است . مردم جهان این در سر را بخوبی در خاطر خواهند داشت . این درس را در محافل حاکم کشورهای امپریالیستی نیز دارند بتدریج درک میکنند ، اگرچه بین آنها افسردگی " اصلاح نشدنی " هم وجود دارد که تمایل دارند حساب و کتاب های سیاسی را بر نیروی نظامی بنانند . با اظهار تاسف از اینکه مداخله نظامی در ویتنام گویا " بحد کفایت نبود " آنها بی میل نیستند با کوچکترین بهانه از نیروی خود را هم در این منطقه وهم در دیگر مناطق کره زمین بهازمایند . عملیات مسلحانه امریکا بر علیه کامبوج آزاد در اواسط ماه مه ۱۹۷۵ این نکته را به شوت میسرساند که این پدیده فتنه تهدید ساده نیست و این افراد آماده اند در هر لحظه وارد عمل شوند .

اما بنظر می رسد که در مناسبات بین المللی بتدریج ولی بطور یقین واقع بینی غلبه خواهد کرد . وضعی که در هند و چین پیش آمده نیز تاثیر کمی در این جریان ندارد .

میهن پرستان ویتنام پیروزی را ساده و آسان بدست نمیآوردند . بیش از ۲ میلیون کشته و میلیونها ناقص و علیول ، یتیم و آواره ، شهرهای ویران ، دشت ها و جنگلهای تباه شده و اراضی زیر و رو شده ، بهای گرانی است که مردم ویتنام در ازای این پیروزی پرداخته اند .

استواری ، قهرمانی و ایمان راسخ مرد مویتنام به پیروزی نهائی همواره سرمشقی در مبارزه  
 ضد امپریالیسم ، بخاطر حفظ صلح و آزادی خلقها از استثمار و ستم خواهد بود .  
 اکنون در زندگی مرد مویتنام صفحه تازه ای باز شده است . بطوریکه رهبران جمهوری دموکراتیک  
 ویتنام و دولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی در مینگ هائی که ۱۰ ماهه بافتخار آزادی  
 کامل میهن درهانوی و سایرگون ( که اینک شهر هوستی مین نامیده میشود ) تشکیل یافت تا کبد  
 کردند در مقابل مرد مویتنام اینک وظائفی بهمان اندازه عظیم ولی صلح آمیز و الهام بخش ترسرسر  
 قرار گرفته است . فان وان دوتنگ عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام و نخست  
 وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام اشاره کرد که " اینک وضع جدید و وظایف تازه پیشرفت خیلی سریع  
 کشور ما ایجاد میکند که سهم ارزنده ای در ساختمان سوسیالیسم در شمال داشته باشیم ، جمهوری  
 دموکراتیک ویتنام را نیرومند کنیم و به ادای دین مقدس خود نسبت به مردم قهرمان ویتنام جنوبی ادامه  
 دهیم تا بدین ترتیب شایسته نام پایگاه انقلابی تمام کشور باشیم " . روزنامه " سایگون آزاد شده " در یکی  
 از شماره های ماهه نوشت : " سیاست دولت انقلابی موقت در ویتنام جنوبی . . . هدف  
 ساختمان زندگی نو و ایجاد و تحکیم حکومتی را دنبال میکنند که توده ای بوده و در خدمت مردم  
 باشد " . اینک اقدامات عملی برای ایجاد مقدمات تحقق آرزوی بزرگ هوشی مین یعنی ساختمان  
 ویتنام واحد ، مستقل ، دموکراتیک و شکوفان بدست مرد مویتنام ، انجام میشود .

احزاب کمونیست و کارگری و تمام نیروهای مترقی جهان در این راه موفقیت های فراوان برای  
 مرد مویتنام آرزو میکنند . نمایندگان احزاب کمونیست و کارگران اروپا و آمریکا و آفریقا و آسیا ، اعضای شورای  
 تحریریه مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " هم با شور و شوق باین اشتیاق و آرزوی پیوندند .  
 انجام موفقیت آمیز مردم مویتنام در محاسن غرور و خوشبختی بر میانگیزد . ما برای میهن پرستان  
 ویتنام جنوبی تجدید حیات کشور بر مبنای نو و دموکراتیک را آرزو میکنیم . برای تمام مردم مویتنام  
 ادامه راه موفقیت آمیز و جدت ملی و صلح و ترقی اجتماعی فی‌اللیهم . میدانیم مردم ویتنام حالا در  
 عصر صلح نیز مانند زمان گذشته و در سالهای جنگ میتوانند به پشتیبانی خلل ناپذیر و کوهک موثر  
 برادرانه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش جهانی کمونیستی و کارگری ، جنبش آزاد بیختر ملی و تمام  
 نیروهای مترقی و ضد امپریالیست جهان اطمینان داشته باشند .

# وضع زنان معیار ترقی اجتماعی است

هلنالا گادینوا

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست  
بلغارستان  
صدر کمیته زنان بلغارستان

تصمیم سازمان ملل متحد به اعلام سال ۱۹۷۵، سال زنان بمعنی اعتراف همگان به نقش آنان در ترقی جامعه بشری است. هدف از این تصمیم تحکیم وحدت نیروهای مترقی کره زمین در مبارزه برای حقوق کسانی است که زندگی آفرین اند و پرورش نسل آینده بشر را بر عهده دارند. چه چیز دولت ها، رجال سیاسی و اجتماعی و سازمانهای بین المللی را وادار میکند به بحث و مذاکره و اخذ تصمیمات عقلی برای حل مسائل مربوط به وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - حقوقی زنان بپردازند؟ شرح این مطلب را پیش از هر چیز باید در افزایش فراوان فعالیت اجتماعی زنان طی سالهای اخیر در زندگی کشورهای جداگانه و سراسر جهان جستجو کرد. جامعه بشری بدون شرکت زنان که اینک يك سوم پدید آورندگان ارزشهای مادی و معنوی روی زمین را تشکیل میدهند به محل معضلات اقتصادی و اجتماعی که با آنها روبرو است قادر نیست. نقش آنان در پاسداری و استوار نگه داشتن نیز بسیار مهم است. مادران شنه صلح اند و در راه آن مبارزه میکنند، و این امر بهمان اندازه طبیعی است که محبت مادرین بر فرزند خود و به تمام کودکان روی زمین.

ولی وضع واقعی زنان در بسیاری از کشورهای جهان بهیچوجه با اعتراف همگان به این حقایق مطابقت نمیکند. صرفنظر از انجام يك سلسله اقدامات حقوقی بمنظور رفع تبعیضات جنسی، نابرابری واقعی زنان با مردان بمنزله یکی از دردهای درمان ناپذیر سرمایه داری بحال خود باقی است. مارگر نوشت: "ترقی اجتماعی را میتوان بنا به وضع اجتماعی جنس لطیف بدقت اندازه گرفت" (۱). مزد نابرابر در قبال کار یکسان، تبعیض بهنگام پذیرفتن بکار و سهمین سبب وجود درصد بیشتر بیکاری میان زنان نسبت به مردان، واگذاری کارهای باتخصص ناچیز و کم مزد بزنان و وضع نابرابر در خانواده اینها فهرست بسیار ناقصی از واقعیاتی است که زنان را در کشورهای سرمایه داری وادار به مبارزه پیگیر در راه برابری حقوق و آزادی واقعی میکند. راهنمای زنان در این مبارزه موقعیت و وضع زن در سوسیالیسم است که هر نوع تبعیض و نابرابری را مردود میداند.

کشورهای سوسیالیستی طبعاً اندیشه سال بین المللی زن را تهنیت میگویند. آنها با اتصاف سیاست اجتماعی و اقدامات خویش درستی بنیادی موضع مارکسیسم - لنینیسم در "مسئله زن" را تأیید میکنند و با ثباتی تمیز میکنند که سوسیالیسم یگانه در زمانی تاریخی واقعی آزادی زنان و پیشرفت همه جانبه و موزون آنان است.

جمهوری توده ای بلغارستان با جمع بندی پیشرفت سوسیالیستی سی ساله خویشتر کمقیاس آن نه فقط بارشد سریع اقتصادی ، دستاوردهای زندگی اجتماعی وموقیبت های علمی وفرهنگی بلکه باموقیبت زنان که از لحاظ کیفی موقیبت نوبنی است اندازه گیری میشود بمال بین المللی زن گام نهاد .

حزب کمونیست بلغارستان همواره براین حکم مارکسیستی متکی بود که طبقه کارگر ، در صورتیکه زنان کارگرد ر مبارز آزاد بیخش شرکت نکنند ، قادر به انجام رسالت تاریخی خویش یعنی رهائی خود و جامعه بشری از یوغ سرمایه داری نخواهد بود . زنان بلغارستان برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی خواه با اشتراک در جنبش آزاد بیخش ، خواه با پرورش نسل مبارزان انقلابی خدمات بزرگی انجام داده اند .

بهمین سبب هم یکی از نخستین اقدامات انقلابی حقوقی حکومت خلق صد و فرمان برابری حقوق افراد هر دو جنس زن و مرد است که ۱۶ اکتبر ۱۹۴۴ یعنی فقط ۳۷ روز پیر از بدست آوردن آزادی جامعه عمل پوشید . در یگانه ماده این فرمان گفته میشود افراد هر دو جنس در تمام رشته های اقتصادی ، دولتی ، فرهنگی واجتماعی - سیاسی از حقوق برابر برخوردارند . این سند مختصر برای زنان بلغارستان اهمیت بسیار زیادی داشت . زیرا بآنان امکان داد فعلا نه در ساختمان سوسیالیسم شرکت جویند ، بکسلسله اقدامات وقوانین دیگر مانند قانون ازدواج سال ۱۹۴۵ ، قانون اساسی بنام دیمیتروف ( سال ۱۹۴۷ ) وقانون اساسی جمهوری توده ای بلغارستان ( سال ۱۹۷۱ ) برابری حقوق زنان را در کشور ما از نظر قضائی بطور قاطع تثبیت کردند .

ولی میان برابری حقوق قضائی و واقعی راه دراز و دشواری قرار دارد که مهبایست در جریان پیشرفت کلی جامعه سوسیالیستی ماطی شود . تحقق برابری واقعی پیش از هر چیز ایجاب شرایط اقتصادی معینی را برای جلب زنان به تولید اجتماعی بمقیاس گسترده لازم دارد . لنین تاکید میکرد که : " برای آزادی کامل زنان و برای برابری واقعی آنها با مردان ، وجود اقتصاد اجتماعی ضروری است و زن هم باید در کار تولیدی همگانی شرکت کند " ( ۱ ) .

اگر نهم سپتامبر ۱۹۴۴ روزی بود که راه نوی بزوی زنان بلغارستان گشود و بانان برابری ومقام شایسته ای در جامعه بخشید ، پلنوم تاریخی آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ( سال ۱۹۵۶ ) رابحق میتوان نقطه چرخشی در رسیدن زنان به برابری واقعی واصیل بشمار آورد .

قرارهای پلنوم آوریل تسریع کننده نیرومند ترقی اجتماعی ، تحقق ابتکار خلاق مردم بمقیاس گسترده و پیشرفت سریع نیروهای تولیدی اجتماعی بودند وجلب دسته جمعی زنان در تولید مادی ومعنوی را امکان پذیر ساختند . از سال ۱۹۵۶ تا پایان سال ۱۹۷۲ تعداد زنان کارگروکارمند دولت سه برابر ونیم افزایش یافته واز ۳۸۲ هزاره یک میلیون وسیصد و سی و هفت هزار رسید ما ست . در سال ۱۹۷۳ زنان ۴۷٪ تمام کارگران وکارمندان و ۴۶٫۹٪ شاغلین در کشاورزی راتشکیل میدادند . از هر ۱۰۰ نفر زنی که به سن کار کردن رسیده وقادر بکارند ۶۸ تن بکار مفید اجتماعی اشتغال دارند و ۱۴ نفر بقیه تحصیل میکنند . زنان ۲۷٪ مهندسی ، ۴۱٫۸٪ پزشکان ، و ۵۸٪ اقتصاد شناسان راتشکیل میدهند . برای مقایسه یاد آور میشوم که در ایالات متحد امریکا فقط ۱۲٫۶٪ مهندسان و ۶٫۷٪ پزشکان رازنان تشکیل میدهند . زن در کشور ما باستثنای کارهای که برای تند رستی وانجام وظیفه مادری وی زبان بخشانند

هر کار دیگری را می‌تواند انجام دهد . بمنظور راهنمایی حرفه ای دوشیزگان از جدول های ویژه — اساسا برعلی استفاده میشود که بدقت شرایط و مطالبات هر نوع کاری را تعیین و توصیف کرده و کار و حرفه شایسته زنان را از لحاظ پزشکی ، اجتماعی — روانشناسی و سوسیولوژیکی تعیین و تنظی می‌کنند . بهبود مداوم محل و محیط کار و شرایط زندگی ، برقراری رژیم کار مناسب برای کار و توجه به خواسته های زنان ( نظایر کارهای موسمی ، کار نصف روز و غیره ) امکان میدهد که تعداد هر چه بیشتری از زنان به سنین مختلف بکار اجتماعی جلب شوند .

اما جامعه ما فقط خواستار رشد کمی و اشتراک زنان در تولید اجتماعی نیست . ما علاقمند به بهبود کیفی شرایط اجتماعی زنان هم هستیم زیرا با افزایش شمرخصی کارآنان کمک خواهد کرد . بدین جهت است که حزب کمونیست بلغارستان برای بالا بردن تخصص زنان کارگرا اهمیت فراوان قائل است . تعداد زنانی که در تولید غیرمادی و همچنین در رشته های که ارتباط نزدیک با ترقی تکنیک دارند ( مانند ماشین سازی ، صنایع الکترونیک و تولیدات شیمیائی ) بکار مشغول اند در سالهای اخیر با سرعت هر چه بیشتری افزایش مییابد . از کار آنها بقیه را هر چه گسترده تر در کارهای تولیدی مکانیزه و اتوماتیزه در سطح بالا استفاده میشود و این امر سطح تخصص حرفه ای زنان کارگرا ارتقا داده و با افزایش چشمگیر دستمزدهای آنان من انجامد . در سال ۱۹۷۳ ، ۵۰٫۳٪ متخصصین با تحصیلات حرفه ای و ۳۸٫۸٪ متخصصین با تحصیلات عالی را زنان تشکیل میدادند . کار اجتماعی و تاثیر محیط کار دسته جمعی دایره دایره آثار آن را وسعت میدهد ، به ارضای خواسته ها و دلچسپی های آنان که خارج از چارچوب کارهای خانه و خانواده است کمک میکند و بدانان استقلال اقتصادی میدهد .

اینها همه یکجا شرایط مساعدی برای تکامل فکری حرفه ای و اخلاقی و گسترش آزادی فردی ایجاد میکنند . بهمین سبب انگیزه اشتراک زنان بلغارستان در تولید اجتماعی دیگر تنها اجزای و پاداش در قبال کار نبوده خواست عمیق و روشی سازنده جامعه نبودن را نیز شامل میگردد . در سال ۱۹۶۹ بررسی سوسیولوژیکی پرداخته شده تحت عنوان " زن در زندگی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و در خانواده " بعمل آمد . در پاسخ این پرسش که آیا آنها مایل اند در صورت داشتن تامین کامل مادی برای خود و خانواده شان با زهم کار کنند ، زنان شوهرداری که بکارهای اجتماعی اشتغال دارند چنین گفتند :

— تا نهرو و امکان کار کردن دارم کار میکنم — ۵۶٫۷٪

— تا زمانیکه برای بازنشسته شدن سابقه خدمت کافی پیدا کنیم کار نخواهم کرد — ۲۹٫۹٪

— میخواهم کار کنم ولی نه تمام وقت و نه برای گرفتن حقوق تمام وقت — ۱٫۹٪

— همینکه بچه ها بزرگ شوند شروع بکار میکنم — ۱٫۶٪

— گاه گذاری کار نخواهم کرد — ۱٫۵٪

— تا وقتی که بچه دار نشده ام کار نخواهم کرد — ۰٫۲٪

— کار نخواهم کرد — ۱٫۵٪

طبق آمار بررسی سوسیولوژی دیگری که در سال ۱۹۷۳ انجام شد در مقابل این پرسش که :

" اگر حقوق شوهر شما و برابر شود کار خود را رها خواهید کرد " ، ۹۶٪ از مخاطبین جواب دادند " خیر "

این بدان معنی است که زنان بلغارستان مناسبت خود را به سیستم ارزشهای اجتماعی از بیخ و بن تغییر داده اند . کار برای آنها به مفهوم و مضمون زندگی تبدیل شده و زندگی دیگری برای آنها قابل تصور نیست .

دسترسی زنان به فرهنگ سوسیالیستی و ارزشهای تمدن ملی و جهانی از عوامل مهم آزادی زنان



است . ماهنوز زمانی را با خاطره داریم که پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی لازم بود بیسواد ی و کم سواد ی زنان بویژه زنان روستائین را بر طرف ساخت . حال آن وضع را با امروز مقایسه میکنیم : در سال تحصیلی ۷۴-۱۹۷۳ تنها در آموزشگاههای عالی دختران ۵۱۸٪ دانشجویان را تشکیل میدادند . اما این فقط يك جنبه اشتراك زنان در امور فرهنگی است . زنان بلغارستان با فرا گرفتن معلومات عمیق ، خود در سلك پیشرفت دهندگان قدراول و برابر حقوق دانش ، ادبیات و هنر کشور ما درآمدند .

لنین معتقد بود که هرگاه زنان از دسترسی به سیستم اداره امور اجتماعی همانند مردان سر خوردار نباشند برابری اجتماعی کامل زنان را نمیتوان عملی کرد ( ۱ ) . امروز ۲۶۸٪ اعضای حزب کمونیست بلغارستان و ۵۰٫۶٪ اعضای اتحادیه کمونیستی جوانان دیمیستروفی را زنان تشکیل میدهند . در ارگانهای نمایندگی محلی حکومت خلق ۳۷٪ و در مجلس خلق ۱۸٫۷٪ مجموع نمایندگان را زنان بوجود آورده اند ، در حالیکه در پارلمان فرانسه ۱۷٫۲٪ ، در پارلمان بلژیک ۲۸٪ و در پارلمان انگلستان فقط ۲۹٪ نمایندگان را زنان تشکیل میدهند . در سالهای ساختمان سوسیالیستی مناسبات میان اعضای خانواده بطور جدی تغییر کرده است . بر تعدد خانواده هائی که در آنها زنان تحصیلات عالی تری از شوهران خود دارند افزوده میشود ( نزدیک به ۱۴٪ خانواده ها ) . بتعداد خانواده هائی هم که در آنها درآمد زنان برابر مردان و یا حتی از آنها هم بیشتر است ( ۳۵٪ خانواده ها ) نیز افزوده میگردد . با آوری این نکته جالب است که بخش مهمی از زنان در این قبیل خانواده ها سطح معلومات و تخصص خود را پس از آنکه شوهر اختیار کرده اند و با کمک جدی مادی و معنوی شوهر خود بالا برده اند . این امر گواه موفقیت های فراوان در بر طرف ساختن نابرابری سنتی و استواری مناسبات خانوادگی با کیفیتش نوین است که با احترام متقابل و برابری کامل زن و شوهر بنا نهاده شده است .

در همین کنگره حزب کمونیست بلغارستان ضروری دانست که \* بر پایه نظریات علمی در پاره مقابله نقش زن در جامعه سوسیالیستی ، شروع بانجام برنامه گسترده ای ، مشتمل بر اقداماتی شود که به ایجاد بهترین شرایط برای زنانی که وظیفه والای مادری را انجام میدهند کمک میکند ؛ برای اشتراك زنان در کار ، افزایش تخصص و رشد روحی آنان امکان فراهم میآورند و زنان در تثبیت مقام خود در امر اداره امور اجتماع یاری میسرانند \* ( ۲ ) .

برای تحقق این وظیفه حزبی جمعی از کارمندان علمی ، متخصصین ، رجال اجتماع ی و سیاستمداران بوجود آورده شد . این مجمع برهبری کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان طرحی را تدارک دید که در آن بهترین شرایط ممکن برای آنکه زنان بتوانند نقش های اجتماعی خود یعنی وظیفه مادری و انجام کار و فعالیت اجتماعی را بطور هماهنگ تلفیق کنند در نظر گرفته شده است . بخشی از این طرح در برنامه دسامبر ۱۹۷۲ حزب کمونیست بلغارستان یعنی برنامه بالا بسردن سطح زندگی مردم گنجانده شده است . مواد گوناگون این طرح بشکل کاملتری در قرارهای پیرویی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ( ۶ مارس ۱۹۷۳ ) درباره افزایش نقش زن در ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی منعکس گردیده است .

مضمون این اسناد نشان دهنده ویژگی پراهمیت و ممتاز بر خورد جامعه سوسیالیستی به وضع حقوقی زنان است : توضیح اینکه تنها برابری آنان را در حقوق با مردان کافی نمیداند . جامعه

۱ - رجوع کنید به مجموعه کامل آثار لنین ، جلد ۴۰ ، صفحات ۱۵۸-۱۵۷ .

۲ - در همین کنگره حزب کمونیست بلغارستان ( بزبان روسی ) مسکو ، ۱۹۷۲ ، ص ۹۰ .

با توجه به نقش خاص زن که با وظیفه مادری بستگی دارد وظایف جدی تربیت کودکان و بارآوردن افراد از هر لحاظ پرورش یافته را بعهد آنان می نهد و به همین سبب هم حقوق بیشتری نسبت به مردان بحفظ و انجام این وظایف بآنان واگذار میکند .

به حجم این حقوق در بلغارستان بطور مستمر افزود میگرد . بطور مثال مرخصی دردوران بار داری و پسران که چهار، پنج و یا شش ماه ( بسته به اینکه نخستین یا دومین و سومین کودک بدنیا آمده باشد ) طول میکشد و طی آن مدت حقوق کامل پرداخت میشود . از اول نوامبر ۱۹۷۳ با مرخصی برای نگهداری و پرورش کودک به ترتیب با مدت شش، هفت و یا هشت ماه اضافی تکمیل گردید . طی مدت این مرخصی مادر کمک حقوقی همیزان حداقل حقوق یعنی ۸۰ لوان دریافت میکند . علاوه بر این بباران مرخصی بدون حقوق تا رسیدن کودک به سه سالگی داد میشود و این مرخصی جزو دوران خدمت بشمار میآید . این حقوق بظور کامل بزنان روستایی نیز تعلق میگیرد . مادرانی که در آموزشگاههای عالی به تحصیل مشغولند حق استفاده از کمک خرج و ۸۰ لوان حقوق ثابت دارند . هرگاه مادر جوانی نخواهد برای مدت درازی از کار خود دست بکشد و ترجیح دهد که پیش از پایان مرخصی تکمیلی با حقوق بکار برگردد علاوه بر حقوق ماهانه کمک خرجی همیزان نصف حداقل حقوق نیز دریافت خواهد کرد . حق کارزنانی که در آستانه مادر شدن قرار دارند طبق قوانین ویژه حفظ میگردد . اگر چنین افرادی در کارهای تولیدی زبان بخشی مشغول بکار باشند پس از چهارمین ماه با رداری و در برخی موارد از همان آغاز بارداری کار دیگری بآنها داده میشود . صورت کارهایی که برای تندرستی بطور غیرعادی زبان بخش است مرتباً وارسی شده و تکمیل میگردد . زنان رانها پس از چهارمین ماه بارداری و یا پیش از آنکه کودک به سن ۸ ماهگی برسد از کار بیکار کرد . دردوران مرخصی بملت بارداری و یا مرخصی بدون حقوق هم نمیتوان زنی را بیکار کرد و یا در شرایط قرار داد کاری که با او بسته شده تغییر بوجود آورد . آن ماده از مجموعه قوانین کار کشور ماکه امتناع از انعقاد قرار داد کار با زنان را بملت بارداری غدن کرده از دستاوردهای مهم قانونگذاری و قانون کار است . زنان در ایام سالخوردگی در شرایط بهتری از مردان بازنشسته میشوند . نسبت بدشواری و سنگینی کار، زنان کارگردرسین ۴۵ ، ۵۰ و ۵۵ سالگی با سابقه خدمت ۱۵ یا ۲۰ سال حق دارند بازنشسته شوند . در این زمینه برای مادرانی که پنج کودک تا ۸ ساله و یا بیشتر از این تعداد داشته باشند امتیازهای بیشتری در نظر گرفته شده است .

شبهه گسترده بنگاههای بهداشتی ویژه و رایگان در حفظ تندرستی بزنان بیاری میسرانند . ۲۲۸ واحد بهداشتی ویژه کودکان شیرخوار در شهرها و ۲۰۶۶ واحد در روستاهای کشور تندرستی و بهداشت کودکان را زیر نظر دارند . به تعداد کودکان کستانها بظور مداوم افزود میشود و به بهبود وضع آنها توجه بیشتری مبذول میگردد .

تحقق تدابیر عظیم اجتماعی نظیر حل مشکل مسکن جوانان و خانوادههای کثیرالاولاد ، گسترش تولید لباس ارزان بچگانه و مواد غذایی و ساختن مجتمع های خدمات عمومی و غیره در بلغارستان کمک بزرگی به زنان و خانوادهها است . ولی بنظر ما هر قدر هم این توجه از طرف اجتماع شمر بخش باشد برابر اجتماعی زنان و مردان تا هنگامیکه در نخستین باخته اجتماع یعنی خانواده تحقق نیافته و محیط اخلاقی لازم و تقسیم کار عادلانه میان اعضای آن برقرار نگردیده کامل نخواهد بود . در واقع سخن بر سر تشکیل خانواده نویسیه سوسیالیستی است . اینکه آرمان و امید آل پدر و مادر چیست ، سطح آگاهی آنان بمنزله اعضای جامعه سوسیالیستی از چه قرار است و بجه نوع مسائل علمی و فرهنگی علاقمندان اهمیت فوق العاده ای کسب میکند . زیرا اینها همه اهمیت قاطع برای پرورش نسل جوان دارد .

تمام اینها اجزای سیاستی هستند که هدف آن این است که وظیفه اساسی توجه و مراقبت نسبت به نسل جوان را بتدریج جامعه عهده دار گردد . بدین ترتیب بدون وابستگی به وضع مادی خانواده بهترین پیشرفت جسمی و روحی کودکان تامین میگردد و وظیفه پدر و مادر بطور کلی عبارت از تربیت و پرورش معنوی فرزندانشان خواهد بود . این هم بنویسه خود یکی دیگر از شرایط پیشرفت همه جانبه والدین و بویژه مادران خواهد شد .

برنامه ای که حزب تهیه کرده ضامن انجام وظائف بفرنجی است که بر شمرده ایم . شورای دولتی جمهوری توده ای بلغارستان این برنامه را بمنزله پایه سیاست دولت در رشته اجتماعی بتصویب رساند . در سال جاری بانوجها مکانات کشور گامها تازه ای در راه تحقق این برنامه برداشته خواهد شد . بدین ترتیب حزب ما و دولت بلغارستان یار دیگر بجهانیان نشان خواهند داد که کشوری کوچک که چندی پیش کشوری عقب مانده بود اگر در راه سوسیالیسم گامهای قاطع بردارد در دوران تاریخی نسبتا کوتاهی برای پیشرفت همه جانبه زنان کارهایی انجام دهد که فنی ترین کشورهای سرمایه داری در طول تاریخ موجودیت خود نتوانسته اند انجام دهند . سخنانی که رفیق ژبوفک ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان و صد رشورای دولتی جمهوری توده ای بلغارستان هنگام امضای اعلامیه ای بمناسبت سال بین الطلی زن در حضور رهبران دولتهای ۳۵ کشور دیگر ایراد کرد ( در ۳۰ مارس ۱۹۷۴ ) این اعلامیه به دبیرکل سازمان ملل متحد داد شد ( دارای چنین مضمونی بود . رفیق ژبوفک گفت : " نظریات من و سیاستی که کشور ما از آن پیروی میکند با روح و اندیشه این اعلامیه مطابقت میکنند . شورای دولتی و دولت جمهوری توده ای بلغارستان بطور پیگیر برنامه ای را پیاده میکنند که هدف از آن برابری واقعی حقوق زنان و مردان ، پیشرفت هماهنگ زنان ، افزایش نقش آنان در زندگی سیاسی ، در رشته ترقیات اقتصادی و اجتماعی کشور و در امر تامین سعادت مادی و معنوی و فرهنگی مردم است " ( ۱ ) .

البته اگر بلغارستان در جرگه کشورهای اردوگاه سوسیالیستی نبود ، اگر به همکاری و کمک دیگر کشورهای سوسیالیستی و بویژه کمکهای برادرانه ، همه جانبه و بی شائبه اتحاد شوروی بزرگ و حزب کمونیست اتحاد شوروی اتکا نمیگردد پیشروی کشور ما در راه سوسیالیسم که موجبات حل سریع و یکجای مسائل برابری اجتماعی و پیشرفت زنان بلغارستان را فراهم آورده ، امکان پذیر نبود .

زنان بلغارستان تعلق خود را به جامعه ای که در آن احترام به زن زحمتکش و کارگر ، به مادر و گرداننده امور اجتماعی حکمرواستانج فراوان میبندند . آنان میکوشند از برگزاری سال بین الطلی زن برای ابراز همبستگی عمیق خود با زنان سراسر جهان که در راه برابری حقوق ، صلح و ترقی اجتماعی مبارزه میکنند استفاده کنند . مایقین داریم که جامعه بشری با استفاده از تجاربی که اندوخته و مضایع مادی که در اختیار دارد و با اتکا به آرمانهای آساندوست های بزرگ ، هم اکنون قادر است حل کلی معضلات اجتماعی مهم تاریخی را کفآزادی و پیشرفت زنان را نیز شامل میشود ، آغاز کند .

# نبرد اساسی در رشته اقتصاد

کارلوش کشتا

عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی  
حزب کمونیست پرتغال

قانونمندی

جریان انقلاب پرتغال این قانونمندی کلی را که از مختصات روند انقلابی است تأیید میکند که :  
انقلاب بهر طریقی که پیشرفت کند ، مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز ، مسلحانه یا غیر مسلحانه ، در هر  
حال در راه مبارزه طبقاتی و در راه جلب ثوده ها به انقلاب سیر میکند .

انقلاب پرتغال در شرایط احترام به آزادیهای فردی و وجود احزاب مختلف ضد فاشیست جریان  
دارد . اما در کشور در جنبه های متعدد نبردهای شدیدی در گرفته است که بیرحمانه ترین آنها  
نبرد در جنبه اقتصادی است . علت این امر آنست که حاکمیت سیاسی و اقتصادی پس از ۲۵ آوریل  
۱۹۷۴ تا چندی پیش بموجب قرارهای دولت در دستهای مختلفی متمرکز گردیده بود . حاکمیت  
سیاسی در دست کسانی بود که میکوشند پرتغال را به راه ترقی اجتماعی سوق دهند و حاکمیت اقتصادی  
در دست انحصارها . به عبارت دیگر تضاد آشکار میان رویینای سیاسی و زیرینای اقتصادی پدید  
آمد . در عین حال کاملاً روشن است که طبقه ای که وضع حاکم در ساختار اقتصادی کشور دارد در سیر  
بازود سلطه سیاسی خود رانیز برقرار میکند . معلوم است که وضع نمیتوانست مدت درازی بدون  
منوال باقی بماند : یا انحصارها از نو حاکمیت سیاسی را بدست میگیرند و دیکتاتوری جدیدی را بکشور  
تحمیل میکنند و یا دولت دموکراتیک ناچار است بر علیه حاکمیت اقتصادی انحصارها به نبرد برخیزد  
و آنها را تا انحلال کامل این حاکمیت ادامه دهد . این تنها راه موجود است .

حزب ما در این تردیدی ندارد که برقراری رژیم دموکراتیک اصیل در کشور ما تا حد زیادی وابسته  
به حل درست مسائل اقتصادی است . این مسائل بدون انجام تدابیر فوری که بطرز قاطع امتیازها  
و قدرت اقتصادی انحصارها را متزلزل سازد غیر قابل حل است . این نظر لنین که : " حاکمیت  
بورژوازی با آنجه در حقیقت انقلابی و در حقیقت دموکراتیک است سازگار نیست " ( ۱ ) در اوضاع و  
احوال پرتغال امروز نیز صادق است .

آزادی برای ما کمونیستها تنها بمعنی حق بیان خواستها و آرزوهای خود ، تشکیل سازمانهای  
خود و آزادی اجتماعات و غیره نیست . آزادی عبارتست از زندگی زحمتکشان بدون استثمار ، بدون  
آنکه کسی برای دیگری کار کند . " دموکراسی برای همه " در جامعه ای که مالکیت خصوصی بر وسائل  
تولید حکمفرماست عبارت از برابری ظاهری است که برابری واقعی بنیان نهاده شده است .

موضع حزب کمونیست پرتغال در مسئله مربوط به راه‌های تحکیم و خاورهای انقلابی و پیشرفت موفقیت‌آمیز پرومسه نوسازی اجتماعی با تفاهم و پشتیبانی احزاب برادرو برورگریده است. مثلاً کمونیست‌های فرانسه که با علاقه و وقت حوادش را که در کشور ما میگذرد تعقیب میکنند در صفحات روزنامه خود "اومانیته" اینطور مینویسند: "د موکراسی بخاطر رچی ۲ برای کی ۲ آیا این فقط تظاهر بد موکراسی خواهد بود که ساختارهای موجود گذشته را دست نخورده نگه میدارد و فقط در باغ سبزی برای حفظ سیستم اقتصادی خواهد بود که از سال ۱۹۷۵ زاریارثت رسید بود ارای جنان خصلتی است که همانند جستگناه (ترامپلن) از آن برای بازگشت به عقب استفاده خواهد شد؟ یا اینکه د موکراسی واقعی خواهد بود که از اعماق جنبشش ثوده‌دامنشا\* ونیرومیکیرد، د موکراسی که با کمک و تشویک مساعی کارگران ونیروهای خلق و با همکاری نزدیک با جنبش نیروهای مسلح پی ریزی شده و تحقق یافته است ۲۰۰" (۱)

تد ابیرا انقلابی که دولت بید رنگ پمرازی ۱۱ مارس ۱۹۷۵ اتخاذ کرد این هدف را تعقیب میکند که با فرم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که پرتغال از گذشته بارشبرده قطع ارتباط گردد و بپایه های مادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نوی ایجاد شود. این بمعنی طرد سرمایه داری و ساختن سیستم اجتماعی مترقی تر و انسانی تر است. در اعلامیه نهایی شورای انقلاب مورخ ۲۱ ژوئن سال جاری این وظیفه با مدت بیشتری فرمول بندی شده است: هدف انقلاب پرتغال ساختن جامعه سوسیالیستی، جامعه بدون طبقات است که بتواند از طریق اجتماعی کردن وسائل تولید و برانداختن استثمار انسان از انسان بنا کرد.

جمع د موکراتهای پرتغال بر این عقیده اند که همانا راه پیشرفت سوسیالیستی برای پرتغال یگانه راهی است که امکان میدهد بر مشکلات اقتصادی غلبه کند و پیشرفت د موکراتیک و آزادی را که مردم طی ۵۰ سال از آن محروم بودند تضمین نماید و سطح زندگی زحمتکشان را بالا ببرد. در راه انجام این وظایف از آزمونیهای متعدد دای باید با موفقیت بیرون آمد زیرا در هم شکستن انقلاب تمام سیستم مناسبات سیاسی و اقتصادی نمیتواند بدون رنج و زحمت باشد.

جری بحث سیاسی کنونی هم درباره شیوه های انجام این وظایف و حل این مشکلات است و در آن تعداد هر چه بیشتری از مردم که وابسته به احزاب سیاسی مختلف و طبقات و قشرهای اجتماعی گوناگون جامعه پرتغال اند و تأثیرات ایدئولوژیک متفاوتی دارند بد واسطه شرکت میکنند.

تجربه تاریخی گواه بر این است که نظام سوسیالیستی میتواند اشکال مختلفی بخود بگیرد و بسته باوضاع و احوال هر کشور دارای خصوصیات گوناگونی باشد. شکلی که نظام سوسیالیستی در پرتغال بخود خواهد گرفت به سیستم اتحاد های پرولتاریا، تناسب نیروهای طبقاتی، درجه پیشرفت انقلاب ملی د موکراتیک، اوضاع بین المللی و بدان راه انقلابی وابسته خواهد بود که برگزیده خواهد شد. با در نظر گرفتن ترکیب طبقاتی جامعه پرتغال و وزنه سنگین پرولتاریای صنعتی و کشاورزی تحقق انقلاب ملی د موکراتیک برای گذار مسالمت آمیز سوسیالیسم میتواند شرایط مطلوب را فراهم آورد. جامعه منور انامیدگان تمام طبقات و قشرهای اجتماعی کشور دوش بد و شر زحمتکشان بنا خواهند کرد. در این جامعه جایی برای نمایندگان سرمایه انحصاری و استثمارگران نخواهد بود. برای تامین شرایط لازم برای این شکل پیشرفت انقلاب ما، سیاست انقلابی درستی ضروری است که پاسخگوی نیازمندیهای مبرم توده های انبوه مردم باشد و حل و فصل سریع معضلات اقتصادی



که کشورهای آنها روبرو است نیز ضرورت دارد . این نکات را رهبران کشورهای جنبش نیروهای مسلح بخوبی درک میکنند . هرگاه مسئله را در زمینه سیاسی و با اقداماتی که با توسل بزور ممکن است بعمل آید مطرح کنیم بنظر ما احتمال وقوع هرگونه جنبش ارتجاعی که بتواند پیروسه انقلابی را بخطا براندازد ضعیف است . آینده این جنبش اینک پیش از هر چیز وابسته به وضع اقتصاد کشور است که در همین حال ضعیف ترین نقطه آن میباشد .

بدین مناسبت میخواهم درباره وژائفی که مردم پرتغال امروز با انجام آنها مشغولند و درباره دورنماهایی که در برابر آنها گشوده میشود صحبت کنم و تا اندازه ممکن وضعی را که فعالیت حزب ما در زمینه آن جریان دارد نشان دهم .

#### شدیدترین نقطه ضعف

مشکلات اقتصادی جدی که اینک کشورهای آنها روبرو است نتیجه عوامل عینی و ذهنی گوناگون است . از آن جمله است : میراث و خامت باری که از دوران دیکتاتوری فاشیستی بجای مانده ، وضع نامساعد اقتصادی کنونی در جهان سرمایه داری ، خرابکاری که از طرف انحصارهای داخلی و خارجی بمنظور متوقف ساختن روند دموکراتیک سازمان داده میشود . تعویض ساختار سرمایه داری دولتی - انحصاری با ساختار سوسیالیستی هیچگاه کار ساده و آسانی نبوده است . پرتغال هم از این قاعده مستثنی نیست .

اینک ۲۵۰ هزار تن بیکار در کشور وجود دارد ، در حالیکه تعداد کلی افراد قادر بکار کمی بیش از سه میلیون نفر است . وضع متشنج کنونی در بازار کار در صورتیکه دهها هزار تن مهاجران از اروپای غربی و بخشی از آنانکه به آفریقا مهاجرت کرده اند بازگردند میتواند وضع مخاطره آمیزی پیدا کند . در همین حال در مرحله معینی نیز ترخیص بخشی از افراد ارتش ضرورت پیدا خواهد کرد .

سرمایه داران پرتغالی و خارجی از میزان سرمایه گذاری میکاهند و خروج سرمایه از کشور افزایش می یابد . کسری موازنه پرداختها که بطور عمده نتیجه افزایش سریع کسری موازنه بازرگانی است روز بروز بیشتر میشود . از حواله های پولی کسانیکه در کشورهای خارجی کار میکنند کاسته نشده است ، ولی در عوض تعداد توریمت ها در سال گذشته تقریباً ۲۰٪ کاهش یافته است . شاخص تورم پائین آمده ولی هنوز در همان سطح ۱۸٪ است ( مارس ۱۹۷۴ - مارس ۱۹۷۵ ) .

در خایرطلا و ارز کشور کاهش مییابد ولی مجموع پولی که در گردش است ۵۹٪ افزوده شده است میزان پرداختهای مردم در بانکهای پرتغال هم کمتر شده است .

مخارج کشور پیش از مداخله آنست و کسری موازنه بازرگانی تقریباً پنجاه درصد محصول ملی است . واردات از خارج بحساب قرضه های خارجی و یا از خایرطلا و ارز کشور است که با سرعت کنونی صادرات دیربازود میتواند پایان پذیرد . بمنظور کاهش واردات و افزایش تولید کالاها می توان در خود کشور تولید کرد تصمیم گرفته شده است بین ۲۰ تا ۳۰ درصد به مالیاتهای گمرکی یکسلسله از کالا های وارداتی و خارجی افزوده شود .

در ضمن بسیاری از رشته های صنایع تولید کاهش مییابد و این امر اغلب نتیجه خرابکاری اقتصادی است . اعتصابهایی که از طرف مرتجعین یا چپ روهاراه انداخته میشود در اغلب مهمترین موسسات را از کار میاندازد و بدین مناسبت اعتصابهای تحریک آمیزی بخاطر میرسد که در شیلی در دوران حکومت وحدت خلق تشکیل میشد و هدف از آنها نیز ایجاد هرج و مرج اقتصادی در کشور بود .

انحصارهای کشورهای غربی نیز " سهم خود را داد میکنند . آنها از تعداد محلهای کار



در موسسات شعبه‌های خود می‌کهند و در میزان سرمایه گذاری در برترقال تجدید نظر میکنند . برخی از کمپانی‌های چندملتی با وجود تضعیفی که از طرف دولت برترقال و شورای انقلاب بدانها داده شد از کار و فعالیت دست کشیدند . معلوم است که بانکهای بین‌المللی مانند بانک عمران و توسعه که در خدمت منافع امپریالیسم اند با متوقف ساختن پرداخت قرضه‌ها و پیش کشیدن شرایط و تقاضاهای غیرقابل قبول مشکلات گوناگونی برای ما فراهم میکنند .

مشکلاتی که ما امروز با آنها روبرو هستیم تا حد و زیادی معلول ساختار اقتصادی قدیمی است که از فاشیسم و استعمار برجای مانده است ( ۱ ) . کشور بدون پیروی از سیاست ضد انحصاری و ضد لاتیفوندی و بدون جلب زحمتمندان به اداره اقتصاد کشور قادر به حل معضلات اقتصادی خود نیست و بقیه تجدید ساختار اقتصاد در جریان گذار به سوسیالیسم امروز بمنزله حکم و خواست زمان است .

### یک ۲۵ آوریل دیگر

دولت موقت بسرنامه گسترده ملی کردن را تصویب رساند و شروع به انجام آن کرد . برخی از سکتورها را استراتژیک اقتصاد بسود مصالح ملی از حوضه کنترل سرمایه بزرگ بدراورد می‌شود . این یک ضرورت حیاتی است . برطرف ساختن خطرات حای رژیمن ارتجاعی ، ایجاد اقتصاد ملی مستقل و تحکیم دموکراسی بدون انحلال قدرت اقتصادی انحصارها غیر ممکن است . میدانیم که در گذشته همین مالکان بزرگ صنایع و سرمایه داران کلان ولاتیفوندیست‌ها در داخل کشور تکیه گاه عمده در پیکتاتور فاشیستی را تشکیل میدادند . سررشته توطئه‌ها و مساعی شورشیان ارتجاعی هم که هدفشان احیای رژیم فاشیستی در برترقال است بهمین انحصارها متصل میشود . ۱۳ بانک خصوصی که از بزرگترین بانک‌های کشور بودند تقریباً ۹۰٪ تمام سپرده‌ها را در اختیار داشتند ملی شد مانند بدین ترتیب باند مالی که از قدرت اقتصادی خود بمنزله جنگ افزار سیاسی استفاده میکرد حاکمیت خود را از دست داده است . مثلاً بطوریکه از اسناد برمی‌آید " بانک‌های اسپریتی سانتری کومرسیال دل لیسربوا " مخارج بسیاری از گروه‌های سیاسی محافظه کار و راستگرا را که ژنرال اسپینولا میکوشید تا بکنک آنها در رسپتا میرسال گذشته کودتا کند تا مین می‌کرد است . بدست نزدیک او اوزورویو ، دبیرکل حزب دموکرات مسیحی این بانک در فوریه امسال چکی بمبلغ ۲۲۵ هزار اسکود و پرداخت کرد . این یکی از انترکسیون‌های نقدی متعدد در پشتیبانی از کودتای ۱۱ مارس بود .

ملی کردن بانکها به دولت امکان میدهد اعتبارهای لازم را به صاحبکاران کوچک و متوسط که بیشتر از ۹۰٪ تمام محافظان بازرگانی را تشکیل میدهند واگذار کند . رهبری کشور و نظارت بر آن در تمام اقتصاد کشور را ملی کند و با ابتکارهای مشخصی مخالفت ندارد ( بهمین سبب است که کمپانی‌های خارجی و کمپانی‌های مشترک با خارجی‌ها ( که در حقیقت مقام قابل توجهی در سکتورهای ما نبرده ندارند ) شامل ملی شدن نگردیدند ) . اگر سیاست جدید اعتباری دولت به مرحله اجرا در آید و بد رستی عطفی گردد یکی از مسائلی میدان میشود که بکنک آن میتوان اقدامات ارتجاع را که هدف آن‌ها ایجاد ناراضی در قشرهای متوسط شهروروستا است خنثی کرد .

۱ - از ثروت‌های طبیعی کشور به‌رکامل استفاده نمیشود و میلیون نفر از افراد زحمتکش کشور ناگزیرند در خارج از کشور برای خود کار بیدانند . هزارها هکتار زمین بدون استفاده مانده است و نیاز کشور به ذرت تا دو سوم مقدار لازم از طریق وارد کردن آن برآورده میشود . در کشوری که محصول سرانه ملی آن در سال ۱۹۷۲ فقط ۸۸۰ دالار بود ۲۲ کارخانه مونتاژ وجود دارد که در همان مدل مختلف اتومبیل بیرون میدهند . متأسفانه فهرست این ناهنجاریها را میتوان باز ادامه داد .

تمام کمپانیهای بیمه نیز با استثنای آنهاست که سهم سرمایه خارجی در آنها زیاد است و چهارده موسسه تولید و توزیع نیروی برق، کارخانه های تصفیه و بهره برداری از نفت و اکثر موسسات فروشنده نفت و مواد استخراجی از آن و صنایع توتون، سیمان و سلولز هم بتصرف دولت درآمده است. راههای آهن، دو کمپانی بزرگ کشتیرانی، صنایع ذوب فلز و کمپانی هواپیمائی تاپ ( Tap ) نیز زیر نظارت دولت قرار گرفته اند. این يك اقدام تاریخی است. تاثیر و اهمیت آن در زندگی کشور از طرف مطبوعات پرتغال بدرستی بمنزله " يك ۲۵ آوریل دیگر " ارزیابی گردید.

حزب کمونیست در عین پشتیبانی از برنامه گسترده ملی کردن هستند اما امید هده که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال دشواریکه در نتیجه اقدامات انحصارها پیش آمده نباید منتظر نتایج شگرف و همچنان انگیزشی مدت زمان کوتاهی بود. بسیاری از موسساتی که ملی شده اند از طرف صاحبان قبلشان بحال ورشکستگی افتاده اند و در بسیاری از موارد قروضی ببار آورده اند که برای پرداخت آنها زمان لازم است.

حزب کمونیست همچنین تاکید میکند که ملی کردن بخودی خود معضلات اقتصادی را حل نمیکند و همه چیز وابسته بدین است که ملی کردن را کی و چگونه انجام دهد. اگر ملی کردن با اشتراک فعال کارگران در رهبری موسسات ملی شده توأم نباشد در گرونیهای عمیق اقتصادی و احتمالی را که اوضاع و احوال کشور بدانها نیازمند است تا مین نخواهند کرد.

حزب کمونیست در ارزیابی ملی کردن با حکام ثوری مارکسیستی - لنینیستی و تجربه تاریخی متکی است. اهمیت سیاسی عینی ملی کردن در این است که اصل مالکیت خصوصی را متزلزل میسازد. بهمین سبب حزب کمونیست ملی کردن را نه فقط همانند يك تدبیر مشخص ضد انحصاری بلکه مانند گامی در راه مبارزه ضد سرمایه داری بطور کلی و بمنزله مرحله مقدماتی در مبارزه بخاطر سوسیالیسم ارزیابی میکند. لنین به این نکته ( در شرایط تاریخی دیگری ) توجه داشت که نوشت : " تدابیری از قبیل ملی کردن بانکها و انحصارهای سرمایه داران و یا حداقل برقراری بید رنگ نظارت کارگری بر آنان " بدون قید و شرط باید قابل دفاع و در حد و امکان از طریق انقلابی تحقق پذیر باشد " ( ۱ ) .

با تغییر بخصلت طبقاتی حکومت بختر دولتی صنایع به بختر سوسیالیستی " از پیشتر آماده شده " برای دولت جدید مبدل خواهد شد. کمونیست های پرتغال حساب این موضوع را بخوبی دارند. همچنانکه آنها درک میکنند که موسسات ملی شده در دست دولت ضد مکرراتیک، نقشر دستیار انحصار های خصوصی را ایفا میکند و به تبدیل شدن دولت به " انحصارگر دسته جمعی " که از همان شیوه های استثمار کارفرمای نظیر سرمایه خصوصی استفاده میکند، کمک مینماید ( از این لحاظ نوع بورژوازی - رفرمیستی ملی کردن در انگلستان قابل توجه است ) . از این رو است که حزب کارگرا را به شرکت فعال نه فقط در کوششهایی که برای افزایش بهره دهی موسسات ملی شده بعمل می آید، بلکه برای برقراری چنان مناسباتی در تولید دعوت میکند که امکان ایفای نقش مهمی در روند گذار بسوسیالیسم را برای زحمتکشان تا مین کند.

ملی کردن به زحمتکشان پرتغال حقوق تازه ای میدهد اما در عین حال وظائف جدیدی هم به آنها محول میکند. اگر زحمتکشان علاقه فراوانی در کار این موسسات از خود نشان ندهند، اثر درک نکنند که سخن بر سر این است که تولید در آن رشته های اقتصاد را که از زیر سلطه سرمایه بدر آورده شده تا همگان تعلق گیرند باید به سطح عالیتری ارتقا دهند آنوقت نتایج لازم را نه در افزایش

سطح تولیدونه در بهیودن شرایط زندگی زحمتکشان نمیتوان بدست آورد.  
نبرد در راه تولید

در یکی از آخرین شماره های بولتن جنبش نیروهای مسلح گفته میشود: "بیدرنگ، باید دست بکار شد. ما باید یکنه با هم باشیم: برای دست یافتن به افزایش تولید در رشته های اصلی صنایع و کشاورزی باید بهتر کار کرد". \* "نبرد در راه تولید" دارای اهمیت حیاتی فراوان و انقلابی عمیق است. \* این نبرد بطور مستقیم با پاسخ دادن پرسش مربوط است که آیا دولت قادر است دیگرگونیهایی لازم در ساختار را بدون اخلاف جدی در جریان تولید عملی کند یا خیر. شکست در این نبرد بمعنی شکست در نبردهای اساسی در زمینه های اقتصادی و سیاسی است.

وظیفه انقلابی فوق العاده مهم جلب زحمتکشان به شرکت فعال در رهبری و اداره امور موسسات بخش ملی شده با "نبرد در راه تولید" ارتباط دارد. این وظیفه کاملاً روشن است زیرا اغلب و ثمر بخشی کار کارگران تا حدود زیادی وابسته به مناسبت تازه آنان بکار خود و اوضاع واحوال جدید است.

مسئله شرکت در اداره امور ارتباط بسیار با مسئله حاکمیت دارد. سوسیالیسم با انتقال ساده مالکیت بروسائل تولید از مالکان خصوصی به دولت بدست نمی آید. لنین نوشت: "بدون تصرف بانگه، بدون الفای مالکیت خصوصی بروسائل تولید، به سرمایه داری نمیتوان غلبه کرد. اما بدون سازمان دادن اداره امور بروسائل تولیدی که از بورژوازی گرفته شده به شیوه دموکراتیک و توسط تمام مردم و بدون جلب توده های زحمتکش و پرولتاریا و نیمه پرولترها و دهقانان خرده با به سازمان دادن صفوف خویش و نیروهای خویش و بدون شرکت آنها در دولت بطرز دموکراتیک این تدابیر انقلابی را نمیتوان عملی کرد" (۱) \*

حزب ما برای برقراری نظارت کارگران بر تولید بمنزله تدبیر مقدماتی در راه تجدید سازمان کامل تولید در جهت تولید سوسیالیستی اهمیت فراوان قائل است. \* همانطور که لنین بارها تاکید کرده است مبارزه در راه برقراری نظارت کارگران و تحقق آن بکار کارگران تجربه فعالیت اقتصادی می آموزد، ابتدا کار توده های زحمتکش را افزایش میدهد، به بالا رفتن در آنها آنها کمک میکند و تمام باید کارها شکل و شیوه های مبارزه طبقاتی آنان را به وظیفه بنیادی نو سازی انقلابی یعنی ساختمان سوسیالیسم نزدیک میکند.

مرکز و احسن دیکائی "انترسندیکال" و کمیسیون های زحمتکشان نقش مهمی در انجام برنامه اقتصادی دولت ایفا میکنند. نظارت کارگران بر تولید و مصرف محصولات در موسسات مبارزه بر ضد خرابکاری اقتصادی مبارزه در راه بالا بردن بازدهی کار و کمک در تجدید سازمان صنایع بر پایه ملی کردن آنها تنها برخی از جهات فعالیت "انترسندیکال" است که ۳۳۷ اتحادیه کارگری را که دو میلیون نفر را در صفوف خود متشکل کرده متحد ساخته است.

در عرصه اصلاحات ارضی هم گامهای نخستین برداشته شده است. طبق قانون در جنوب کشور ارضی مالکان بزرگ: بیش از ۵۰ هکتار برای زمین های آبی و بیش از ۵۰۰ هکتار برای زمین های دیمی صادره خواهند شد.

با این ترتیب در حدود یک میلیارد هکتار ارضی صادره شده با اختیار تعاونی های روستائی و کارگران روستاها و همچنین با اختیار بخش های کشاورزی دولتی گذاشته میشود. در هفت مقاله کشور که در آنها مالکیت بزرگ بر ارضی حاکم است "نوراهای مناقه ای اصلاحات ارضی" برای

رهبری روندنوسازی کما و روزی در نقاط مختلف ایجاد میگردد. در ترکیب این عواریها نمایندگان اتحادیه‌های خرده‌مالکان و مالکان متوسط و سندیکی کارگران کما و روزی هر منطقه و نمایندگان جنبش نیروهای مسلح و برخی از وزارتخانه‌های کشور داخل میشوند.

در شمال کشور که اوضاع و شرایط آن با جنوب فرق میکند فعالیت‌های بی‌ری که بقوان آنرا اصلاحات ارضی نامیدند انجام نخواهد یافت. ولی در اینجا نیز سیستم اجاره بها و کمک به دهقانان خرده با متوسط بدون شك از طرف دهقانان با حسن استقبال فراوان روبرو خواهد شد.

تداوم اعلام عهده از طرف دولت موقت دورنمای واقعی تجدید ساختار عمیق جامعه ما با روح دموکراتیک را نمایان میکند. و اسکوگونسالوش نخست‌وزیر در سخنرانی رادیویی خود گفت: «اقدامات دولت موقت و شورای انقلاب بروشنی نشان میدهد که ما میخواهیم انقلابمان را در چه جهتی پیشرفت دهیم. ما میخواهیم دموکراسی را در برقرار آوریم و با پایه‌های سرنه‌اندن مرحله گذار بسوی سوسیالیسم که ساختمان آن هدف غائی ما است پیش رویم.»

موضع حزب بروشن است و ما ننند همیشه با اطلاع همه زحمتکشان رسانده شده است. «لیقبه کارگریا بدتوانائی خود را برای اداره کردن موسسات بزرگ با ثبات رساند و تولید را سودآور کند. باید در کمترین مدت سطح کنونی تولید را با لایبردا موسسات دولتی نه فقط ضرورت کند بلکه نفعشان آنقدر باشد که از آن بتوان برای سرمایه گذارهای تازه و بالابردن سطح زندگی زحمتکشان استفاده کرد. درباره اراضی مصادره شده ای هم که با اختیار دهقانان گذاشته شده همین را میتوان گفت. کاری را که لاتیفوندیست‌ها از عهده انجامش برنیا مندند تا مین سطح لازم تولید کما و روزی (دهقانان یا پیدانجام دهند»

#### مبارزه آسان نخواهد بود

شهبه زندگی که طی اعصار و قرون پدید آمده بیش چشمان همگان در هم فرو میریزد. این دگرگونی یا مبارزه ای نشو و روید همراه است.

زحمتکشان اداره موسسات را بنسب خود میگیرند. زحمتکشان کارخانه تهیه فلز م. ا. و در شهر آلورکا و کارگران کارخانه شیشه سازی «کونیا» از نخستین افرادی بودند که بر تولید و فروش فرآورده‌های کارخانه نظارت برقرار کردند. کارگران کنتی سازی «لیشرناوه» (نزدیک به ۸ هزار نفر) به رهبری اتحادیه خود تصمیم گرفتند تراکتورها را برای دهقانان بطور رایگان و بی‌ازساعات کار تعمیر کنند. زحمتکشان چهار کارخانه تولید بسته بندیهای فلزی گروه «ارمیش» مدیران سرمایه دار را که میکوشیدند کارخانه‌ها را هزلور شده بسه ورشکستگی بکشانند بیرون کردند. خرابکارهای آنها کار را بجائی رساندند که کسری بوجه موسسه به ۴۵ میلیون اسکوگورسید و تولید تا نصف میزان معمولی کاهش یافت. حال اوضاع روبه بهبودی است. به تعداد فاکت‌هایی که کواهی میدهند زحمتکشان و در درجه اول لایقبه کارگران آمده اند دگرگونیهای ژرف انقلابی را در اقتصاد بنسب خود انجام نهند و افزوده میگردد. ما در این جریان جلوه انرژی انقلابی را می بینیم که توده‌های مردم طی زمانی نزدیک به یکسال پیشرفت دموکراتیک گرد آورده اند.

دولت ب مردم هشدار میدهد که مبارزه سهل و آسان نخواهد بود و همگان باید برای برخی محرومیت‌های مادی آماده باشند. باید بیشتر و بهتر کار کرد تا از قدرت تولید حداکثر استفاده نمود. دولت در عین حال برای کاستن از بارهای اقتصادی که بدوش زحمتکشان است کارهای زیادی انجام میدهد و هدف این است که قبل از همه ثروتمندان متحمل این مخارج شوند. حد

اقل دستمزد مردم زحمتکش با فاصله ۲۵ آوریل ۳۳۰۰ اسکودوم تعیین گردید. این نسبتاً مبلغ مختصری است ولی برای بیش از نیمی از کارگران برتقال یعنی صددرصد افزایش درآمد در مقایسه با دستمزد ناچیز گذشته بود. همین چندی بیش حداقل دستمزد تا ۴ هزار اسکودوم بالا برده شد. علاوه بر این مدت کار در هفته در اکثر موارد تا ۴۵ ساعت تقلیل یافته و مدت مرخصی تا ۱۲ روز که حداقل است افزایش داده شده است. با وجود مشکلات اقتصادی که کشور با آنها روبرو است مبالغ مهمی برای ساختمان مسکن اهالی اختصاص داده شده است. به منظور ایجاد سیستم رفاه اجتماعی که در گذشته عملاً در کشور وجود نداشت اقداماتی صورت گرفته است.

فناهیست‌ها ارنیه ناگوارای برای ما بجا گذاردند. ما فقیرترین کشور اروپا هستیم.

زحمتکشان کشور ماحق دارند بیش از آنچه دارند بخوانند و وظیفه ای که بر ما است این است که راهی برای برآوردن خواسته‌های عادلانه آنها بیابیم. لنین نوشت تمام میل هر فرد معمولی از جرگه زحمتکشان و توده‌های استثمارشونده باینکه "منفی تازه کنده قدر است نمایده، چرخ می‌زنند و آنچه را از نعم مادی که در دسترس است و استثمار کنندگان سرنگون شده بدو نمیدانند بردارند قابل درک است. این نیز قابل فهم است که تا فردی از افراد مادی نه تنها خوش ببیند، نه فقط متقاعدتر و بد بلکه حس کند که نمی‌شود بهمین سادگی " برداشت " جا بید و تصاحب کرده، زیرا این شیوه به تشدید خرابی و نابودی می انجامد، زمان مهمی لازم است. (۱) از این رو است که حزب میگوید: " تشدید مصنوعی شکل مبارزه، سعی در دادن زدن به موج گسترده‌ای از اعتصاب‌هایی که در اوضاع کنونی نه بر علیه اربابان نه بر ضد ارتجاع بلکه بر علیه تدابیر ترقی خواهانه، بر ضد نیروهای دموکراتیک و بر علیه دولت موقت و جنبش نیروهای مسلح است، نه بسوی زحمتکشان و نه بسوی روسه دیگر گونیهای اجتماعی خواهد بود. رفیق کونیا ل نریکی از سخنرانها خود تا کید کرد که " پشتیبانی از خواسته‌های مربوط به افزایش دستمزد که اقتصاد ما نمیتواند برآورده سازد و با تقاضای گاهی هفته کار تا ۳۵ ساعت تمام اینها ممکن است بتواند بدست آوردن آرا، بیشتر کمک کند ولی با توجه به وضع اقتصاد کشور اینها همه عوامل بیبی است و میتواند به‌نا بودی ما انجامد " (۲).

کمونست‌ها باینکه اعتماد را اصلاح ضروری و بی نظیر زحمتکشان میدانند نمیتوانند استفاداً از آنرا در اوضاع کنونی جایز بنامند مگر اینکه از تمام وسائل دیگر استفاده شده باند اعتماد برآستی بسوی زحمتکشان باشد. آنها از اینکه این مطلب را آشکارا بیان کنند بی‌نی ندارند اگر چه میدانند که نمیتوانند مرسوم استفاده کمائی قرار گیرند که بنام نیازهای زحمتکشان زدوبند میکنند. شمارهای ظاهر فریب‌ولی از لحاظ ماعت زیان بخش بیش میکنند و با توجه به منافع سیاسی امروز خود مصالح نهائی مردم و کشور را زیر پا میگذارند.

هنگام تشریح حوادثی که در کشور ما میگذرد در مطبوعات برتقال و کشورهای خارجی اغلب به تجربه شیلی اتخا ذمیکندند. حزب کمونیست بر این عقیده است که انقلاب برتقال که در شرایط ویژه ای جریان دارد با بدر جستجوی راه حل‌های ویژه ای باغد و جنبین راه حل‌هایی را بیابد، ولی در عین حال با بد تجربه دیگر خلقها را نیز در نظر داشت و از آنها در مر گرفت. تجربه شیلی برای ما کمونیست‌های برتقال در درجه اول همانند دنیا دآوری این نکته مهم است که طبقات روبرو و اول دا و طلبانه حاکمیت را بکسی واگذار نمیکنند و بگفته لنین " آنها " با انرژی برابری

۱ - لنین مجموعه آثار ۵ ( بزبان روسی ) ، جلد ۳۶ ، ص ۲۰۱ .

۲ - روزنامه " لوموند " ۲۹ مه ۱۹۷۵ .



بیشتر با شور و هوس سیعانه و با تنفیری که صدا را فریاد یا فته برای بازگرداندن " بهت " از دست رفته می‌جنگند... (۱) • این تجربه از لحاظ دیگر نیز آموزنده است: از لحاظ اینکه طبقه کارگر و مردم اداره امور کشور را بنیست می‌گیرند تا نهایت آنها در رشته اقتصاد برای موثقت سیاست آنها اهمیتی قاطع پیدا میکند.

خود ویژگی انقلاب ما برخلاف خیلی عبارت از این است که خود ارتش در آن نقش اصلی را ایفا میکند و جنبش انقلابی درون ارتش آنرا همراهی میکند. در تمام رشته های زندگی سیاسی کشور، تغییر و تحول روی میدهد. ماهیت این تحول درون جنبش نیروهای مسلح این است که هنگامیکه عناصر مترجم و محافظه کار ارتش سعی داشتند از دمokra تیزه کردن کشور جلوگیری کنند و مانع اصلاحات اقتصادی و اجتماعی گردند، هنگامیکه این عناصر با روند انقلابی مخالفت می‌ورزیدند و میکوشیدند به جنبش انقلابی نیروهای مسلح، جنبش کارگری و حزب کمونیست ضربه وارد کنند افسران مترقی بر آنان چیره شدند. سرکوب این عناصر و خنثی کردن اقدامات ارتجاعی آنان در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۴ و ۱۱ مارس سال جاری امکانات تازه ای برای جنبش نیروهای مسلح بوجود آورد و بدان امکان داد تا دیکتاتور را دیکتاتور تری اتخاذ کند.

یکی دیگر از ویژگیهای انقلاب برتقال هم این است که نظام میان مترقی نه تنها خود را از مردم جدا نمیداند بلکه بقول نخست وزیر جنبش نیروهای مسلح را بمنزله " اتحاد نظامی طبقه کارگر و قشرهای ضدا نصراها و ضد لائیتونیست ها " میداند. " جنبش نیروهای مسلح نیروی محرکه و مانع انقلاب ما است... با بیای تحکیم اقتصاد و تولید ما انقلابیان را مستحکم میکنیم... با استحکام تمام نیروهای انقلابی متوقف ساختن بروسه انقلابی روز بروز برای ارتجاع دشوارتر میشود " •

جنبش نیروهای مسلح با رها تا کید کرده است که هدفش بهیچوجه دیکتاتوری نیست و مصمم است یکمکه همه نیروهای مترقی بروسه انقلابی را تضمین نماید. کونوا اوش به روزنامه آمریکا میگوید " تایم " گفت: " میهن پرستی ما دلیل رسیدن ما بحکومت است... ما میدانیم که اگر جابله سر با زخانه ها بازگردیم احزاب بخودی خود نخواهند توانست کشور را بسوی ترقی سوق دهند. ما امیدواریم که پس از ۳ تا ۵ سال اوضاع تغییر کند و در آن هنگام مردم برتقال دیگر آنطور که حالا بمانیاز منداندهما احتیاجی بمانداشته باشند " (۲) •

حزب کمونیست همواره اتحاد میان جنبش خلق و جنبش نیروهای مسلح را عامل ضروری و قاطع ایجاد رژیم دمokra تیک و مهمترین ضامن پیشرفت بروسه انقلابی بمانا آورده و بشما رمیا آورد. حزب برای اصل لنینی متکی است که بیروزی انقلاب خلق و تحکیم آن بدون ارتعی که از زحمات کسان طرفداری کند غیر قابل تصور است. حزب در عین حال تا کید میکند که هیچ چیزی بدون شرکت حزب کمونیست در پیشروی کشور ما به پیش نمیتواند تحقق یابد. کسانیکه میکوشند حزب کمونیست را منفرد کنند با این خطر مواجه اند که عاقبت خود منفرد گردند، چنانکه رعبری را، تگرای حزب سوسیالیست هم بچنین وضعی دچار شده است. قشرهای انبوه مردم برتقال به حزب کمونیست برتقال اطمینان دارند و در آن میکندند که چه نقش مهمی در ساختمان برتقال نویعبده دارد. تمام راهی که حزب ما همواره بپیموده نشان میدهد که کمونیست ها بیکبیرترین و قاطع ترین مدافعان آزادی و دمokra سی اند.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی )، جلد ۳۷، ص ۲۶۴ •

۲ - " تایم " ۵ مه ۱۹۷۵، ص ۷ •



چنین بودم‌نگا می‌که کمور زیرجکمه های فاشیست‌ها می‌نالیده. بر از سرنگونی دیکتا توری هم هروقت که ارتجاع کوشیده است چرخ تاریخ را بعقب برگرداند خواه ۲۸ سپتامبر یا ۱۱ مارس حزب کمونیست پیشا پیش نیروهای قرار داشت که بدفاع از دموکراسی و دستاوردهای انقلاب بیاخته بودند.

حزب ما تصمیم جدی قاطع دارد در راه سازندگی پرتقال دموکراتیک، و سوسیالیستی که بر اصلاحات ژرف اقتصادی و اجتماعی را با گسترده ترین آزادیها بهم بیوندند، بطور خستگی‌ناپذیر مبارزه کند.

# گرایش در جهت تغییر و تحول در فیلیپین

فرانسیسکو بلاگناس

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست  
فیلیپین

در اکتبر سال ۱۹۷۶ یعنی دو سال و اندی پس از آنکه در فیلیپین حکومت نظامی برقرار شد و جنبش‌های جمعی وتوده ای که حزب کمونیست رهبری میکرد دغدغه گردید و رهبران آنها بازداشت شدند رژیم دیکتاتوری ناجا رشد مناسب خود را نسبت به کمونیست‌ها تغییر ندهد. رهبران جنبش مخفی کمونیستی در پاسخ به بیانیه برزیدنت ما رکومر که برای تجهیز نیروهای کشور و مردم بطا طرح معضلات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی همه را بوحده ملی‌نوعت میکرد با رئیس دولت ملاقات کردند. در نتیجه این ملاقات درباره یک سلسله از مسائل مهم توافقی حاصل گردید. عفو عمومی بدون قید و شرط اعلام گردیده و زندانیان سیاسی آزاد شده اند و جنبش‌های توده ای علنی شده است. حزب کمونیست فیلیپین که از هنگام تاسیس خود (در سال ۱۹۳۰) کمتر از ۸ سال فعالیت علنی داشته بکار مخفی با آن داد و علنی شد (۱). در میتینگ ۵۰ هزار نفری روستاییان که کمونیست‌ها تشکیل دادند رهبران حزب کمونیست فیلیپین و دبیر کل کمیته مرکزی فلیپین سی‌سی‌امو ما کا با گان سخنرانی کردند. برزیدنت ما رکومر خطاب به شرکت کنندگان در میتینگ نطقی ایراد کرد و اعلام داشت که دستور داده است. انجام اصلاحات رضی که اقدام بسیار مهمی در شرایط فیلیپین است تسریع کنند (۲). رژیم در سالهای اخیر در راه پیشرفت همکاری مفید با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گام‌هایی برداشته است. تماس‌های فیلیپین با کشورهای غیر متعهد آسیا و آفریقا هم منظم تر میشود. این تغییرات در نتیجه چیست؟ کمونیست‌ها با ارزیابی بین‌اوضاع میکوشند از ساده کردن مسائل، قضاوت‌های ذهنی و احساسات بیش از اندازه بهره‌مند. آنان با پیروی از یک تاکتیک قابل انعطاف آمادگی خود را برای استفاده از امکاناتی که وضع تازه بوجود آورده نشان میدهند ولی مخاطرات موجود را هم فراموش نمیکنند. هنگام ارزیابی اوضاع کنونی حزب کمونیست در مواضع اصولی خود باقی است و برخورد شیطانی را که امکان میدهد عمیق‌تر به ماهیت تغییرات کنونی بی‌بهره در آنها خود قرار میدهد. این تغییرات تحت تاثیر یک سلسله عوامل داخلی و خارجی که خصلت تحولات دیکتاتوری را تعیین میکنند بوجود آمده است.

- ۱ - از آنجا که حکومت نظامی هنوز برقرار است و فعالیت آشکارا حزب راجا یز نمیداند حزب کمونیست فیلیپین هنوز بمنزله یک سازمان علنی سیاسی به ثبت نرسیده است.
- ۲ - این اصلاحات از جمله تعیین "حداصل" مالکیت زمین در مزارع برنج و ذرت تا هفت هکتار را در نظر میگیرد.

بایه اجتماعی رژیم که در درجه اول از طبقات استثما رگر تشکیل میگردد مانند گذشته بسیارنا استواراست. اگرچه سرمایه داران محلی از رژیم پشتیبانی میکنند اما همگان در این پشتیبانی بهیچوجه ثابت قدم نیستند و ترجیح میدهند که درانتظاروقایع آینده بمانند. دولت اینک حتی تمایل و علاقه آنسته از بورژوازی را که تا همین چندی پیش باغوروشوق آنرا میستودند ازست میدهد. آنها بویژه از تصمیم مارکوس برای انجام اصلاحات ارضی رادیکال، سایر تغییرات و تحولات و افزایش همکاری با کشورهای سوسیالیستی نگران اند.

خود گروه هیئت حاکمه نیز یکدست و یکپارچه نیست. جناح چپ آنرا بورژوازی اصلاح طلبی که با سرمایه انحصاری خارجی وابستگی ندارد تشکیل میدهد و جناح راست را محافظان هوا دارانحصارها که در این نسته بندی فعلا اکثریت دارند. گروه میانه (مرکز) هم که نمایندگانش با با بیزنس کلان خارجی ارتباطی ندارد و دنیا از شرایط مشارکت آنان ناراضی اند به نعل و به میخ میزنند. این گروه مرکز بین جناحهای چپ و راست بورژوازی و میان طبقه حاکمه بلور کلی وتوده های زحمتکش منام درنوسان است. ولی گروه مرکز در تمام مسائل مربوط به مناسبات میان کاروسرمایه، هنگامیکه جنبش کارگری و جناح چپ بورژوازی ضعیف است، گرایش بر است دارند. مشکل اساسی اتحاد میان طرفداران دگرگونیهای عمیق مترقی و نیروهای مرکز برای غنشی کردن مرتجعین نیز در همین است.

وجودا پوزسیون چشمگیری خارج ازستگاه حاکمه هم از "چپ" وهم از راست وضع رژیم را دشوارتر میکند.

الیکارشی مالکان که بر ازان ۱۹۷۲ از حاکمیت بعقب رانده شده است نسبت به دیکتاتور جنبه تعرض آمیزتری دارند. متفق سنتی آن یعنی نستگاه هیرواشی کاتولیک ها هم از مارکوس پشتیبانی نکرد. روحانیون را اصلاحات ارضی وتهدید دولت با اینکه از مذاوم خصوصی کاتولیک ها مالیات خواهد گرفت بویژه هراسان ساخت.

بخش معینی از بورژوازی محلی بدین نظر هر میکند که با حاکمیت "ست نیرومند" ساخته است. ولی عملا این محافظان خود را برای وارساختن ضربه متقابل بدولت فعالانه آماده میکنند. ماثوئیست های فیلیپین که موفق بتبولاندن اعلام حکومت نظامی شده اند و اینطور تصور میکنند که در اوضاع و احوال جدیدنا نرا آنها برای مبارزه مسلحانه افزایش خواهد یافت، می کوشند جنبه مخالفان رژیم را بوجود آورند (۱). آنان آماده اند با ارتجاعی ترین نیروهای فئودالی و امپریالیستی متحد گردند. ماثوئیست ها همچنین سعی دارند میان سازمانهای کاتولیک ها، مسلمانان وغیره بسودمشی خود یعنی سرنگون ساختن رژیم از طریق مبارزه مسلحانه به تبلیغ و فعالیت بپردازند.

کدیشان و روحانیون جوان فیلیپین که قشر زیرین کلیسای کاتولیک را تشکیل میدهند در مواضع ضد دولتی قرار دارند. بسیاری از آنها به خانواده های زحمتکشان تعلق دارند و خواست ها و آرزوهای مردم را درک میکنند. در عین حال بی تجربگی و گواهی به اقدامات ماجراجویانه از خصوصیات جوانان کاتولیک است. با آنکه با رژیم مخالفت میورزند، بی اختیار با روحانیون

۱ - رجوع کنید به ف. بالاگام، ماثوئیست ها در فیلیپین، مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۶ سال ۱۹۷۳.

ارتجاعی که خود بر علیه آنها مبارزه میکنند دریا، صف قرار گرفته اند.

بی ثباتی و دودلی، بورژوازی، اقدامات مخالفان و از جمله خواست بازگشت به نظام پارلمانتاریسم بورژوازی و محدودیت با به اجتماعی رژیم بلشویکی دولت را و در برارجه مردم میکند. دولت در صد جلب پشتیبانی نهانانی است که در تعانیها و بارانگاریها (۱) و متحد شده اند و میکوشد تا از حمایت کارگران یعنی اعضای مرکز واحد اتحادیه‌های کارگری که سندیکاها و رشته‌های مختلف را متحد میکند و بستور دولت ایجا دگر دیده برخوردار شود. رژیم با بیروی از این سیاست قدر نیست بیباهند؟ توده‌های زحمتکش یعنی حزب کمونیست را که به کالمترین و بیکبترترین وجهی اراده آنها را منعکس میکند بحساب فیا ورد. اینک به کمونیست ها اجازه داده شده است در زمانهایی که تحت نظارت دولت است فعالیت کنند و اگر چه بعلمت وجود حکومت نظامی این فعالیت با محدودیت‌هایی توأم است.

رژیم مجبور است برخوردار قبلی خود را نسبت بیک سلسله از دیگر مسائل خاص سیاست داخلی و در درجه اول نسبت به معضل اقلیت مسلمان جنوب کشور که خواستار خود مختاری است تغییر نهد. دولت پسر از کوششهای نا فرجایی برای سرکوب جنبش مسلمانان با نیروی اسلحه ایتک از مشی حل و فصل سیاسی این مسئله بیروی میکند و برخی از خواهشهای مسلمانان را بر آورده کرده است (۲). مسلمانان فیلیپین حق نرتد به سب‌های آزا دیخواهانه بر افتخار خویش بیبا لنده زیرا نه استعمارگران اسپانیایی و نه امریکایی و نه ژاپنی موفق نشدند آنها را بزبانودر آورند. دولت در سیاست خود ناچار است خواستهای مردم مسلمان و عذقه آنها را به بیشتر فآزاد و ترفی فرهنگ ویژه خویش بحساب آورده در ضمن برنامه‌های ویژه‌ای برای مبارزه با عقب ماندگی بحرحله اجرا در آورده. تنها در این صورت است که مناسبات دوستی و همکاری میان فیلیپینی‌های ن مسلمان با برادران کاتولیکشان برقرار میشود. با این هدف بر بیا به وحدت ملی دموکراتیک میتوا رسیده و وحدتی نه بر اساس زور بلکه بر بیا به اعتقاد به ضرورت و هدف مندی اتحاد مسلمانان و مسیحیان در چهار چوب یک کشور واحد و چون چنین وحدتی میتواست عامل مهمی بمنظور غلبه بر گرایشها و نظریات تجزیه طلبانه‌ای باشد که در میان افراد و عناصر افراطی جنبش مسلمانان وجود دارد.

عوامل خارجی در شکل مشی سیاسی رژیم ما رکوس تا شهر زیاد می‌بخشد. بحران جهانی اقتصاد سرمایه داری که بر زرفای آن افزوده میشود درس عبرتی آموزنده داده است. هیئت حاکمه فیلیپین مدتی میکوشید افکار عمومی را متقاعد کند که پسر از برقراری حکومت نظامی در کشور «معجزه اقتصادی» بوقوع می‌پیوندد و چنین معجزه‌ای در پرتواستواری ارتبساط بسیار نزدیک رژیم با سرمایه انحصاری خارجی امکان پذیر میگردد. گروهی از مشا و ران رژیم در ژوئن ۱۹۷۴ آماری پسر و صادر در باره نکلایر از خاری، محصول سرانه ملی و سرعت رشد

۱ - بارانگاری - جلسه اهالی در نقاط مسکونی که با بتکار دولت در نواهی مختلف شهرها و روستاها ایجا دگر دیده است. هنگام انجام همه بررسی و دیگر اقدامات جمعی از طرف دولت برای تجهیز مردم مورد استفاده قرار میگردد.

۲ - در آوریل سال ۱۹۷۵ میان برزیدنت ما رکوس و رهبران گروههای عصیان کننده جزایر سولو و مینداناو ملاقاتی انجام گرفت که بطی آن تصمیم گرفته شدند بندگان اقلیت مسلمان در پست های حصار ادارات محلی منصوب شوند. مسلمانها را هم به صفوف نیروهای مسلح فیلیپین داخل کنند و برای پیشرفت جزیره مینداناو بوجه اختصاص نهند.

درآمد ملی سرانه و افزایش صادرات تا حدی که امکان داد برای نخستین بار تجارت خارجی ملی ده سال اخیر بیلان مثبتی را نشان دهد. انتشار داد.

ولی تشدید بحران جهانی اقتصادی سرمایه داری و بی ثباتی های سیاسی و اجتماعی در کشورهای سرمایه داری نشان داد که اتکا به سرمایه انحصاری بین المللی تا چه اندازه قابل اطمینان است. در همان سال ۱۹۷۴ در فیلیپین از سرعت و رغبت با صنعت به شدت آسته عدوا این رشد با مقایسه با ۱۲٪ سال ۱۹۷۳ به ۳۰٪ رسید. یک سلسله از رشته های اقتصاد کشور اینک در حال رکود و تنزل است و تورم افزایش یافته و قیمت ها به شدت بالا رفته است. حتی محافل رسمی نیز مجبورند به وفاق وضع اقتصاد کشور بعلت بحران انرژی اعتراف کنند. همه اینها گواه بر بی ثباتی سیاسی کوششهایی است که برای از میان بردن معضلات حاصل اجتماعی و اقتصادی از طریق اتحاد با انحصارهای امپریالیستی و در درجه اول انحصارهای آمریکائی و ژاپنی بعمل می آید. این نکته گویائی است که برزیدنت ما رکوس در سخنرانی خود بمناسبت دومین سال برقراری حکومت نظامی (سپتامبر سال ۱۹۷۴) حتی یک کلمه هم از "معجزه اقتصادی" که چند ماه پیش از آن در باره اش آنقدر سروصداهای انداخته بودند بر زبان نیاورد. بعکس این سخنرانی گواه آنست که رژیم ناچار شده است واقع بینانه تر به حل دشواریهای موجود برخورد کند و اینک میکوشد پیش از هر چیز به نیروها و منابع داخلی توجه کند.

موفقیت های کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در مقایسه با بحران و بی ثباتی های سیستم سرمایه داری تا کنون خاصی می بخشد. همکاری با کشورهای در حال رشد سال بسال گسترش می یابد و این امر بنوبه خود بکشورهای اخیر امکان میدهد استقلال ملی خویش را استحکام بخشد و از مشی پیشرفت مستقلی پیروی کنند. طبیعی است که محافل حاکمه طرفداران دیکتاتوری و از جمله قشر تکنوکراتها تمام این نکات را در مدنظر دارند.

سیاست ضد امپریالیستی کشورهای در حال رشد هم که مالکیت خود را بر منابع طبیعی کشور احیا میکنند و برای تضعیف وابستگی سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری و شرکتها و چندملتی در عرصه بین المللی دست با اقدامات جمعی میزنند در محافل حاکمه تاثیر می بخشد. سیاست خارجی فعال این کشورها به استوار آرزوهای فیلیپین کمک میکند که از سمتگیری مستقل دفاع میکنند. در این جرگه هم اصلاح طلبان بورژوازی و هم دموکراتهای انقلابی دیده میشوند. بالاخره پیروزی چندی پیشی مردم ویتنام و مین برستان کامبوج نیز در شمار رویدادهایی است که اهمیت فراوان دارند. این پیروزی بمعنی تحول عظیمی در منطقه ما بسود نیروهای آزادی ملی و ترقی و صلح بود. کشورهای عضو مجمع کشورهای آسیای جنوب شرقی که فیلیپین هم جزو آنان است در ماه آوریل سال ۱۹۷۵ تصمیم گرفتند دولت کامبوج آزاد را برسمیت بشناسند. در زمینه رویدادهای هندوچین اطلاع داده شد که ما روس با مشاوران خود مسئله تجدید نظر در قرارداد های نظامی با ایالات متحده آمریکا را مورد مذاکره قرار داد و حتی مسئله الفای آنها را نیز بررسی کرده است. دولت فیلیپین از ایالات متحده آمریکا میخواهد درباره آینده این قراردادها و از جمله درباره سرخوش یا یگاها های نظامی آمریکا در سرزمینهای ما بمشورت بپردازد.

بدین ترتیب جریان عینی بروندهای درون کشور و عرصه بین المللی دیکتاتوری مشروطه نیم بند و رفورمیست های بورژوازی را که در خدمت آنها اند و نامیکند اینک نسبت بگذشته از پیشرفت مستقل تری طرفدار می کنند و در عین حفظ سمتگیری سرمایه داری از سیاست اتکا به نیروها و منابع خویش دم زنند. اگرچه این مشی هنوز بمعنی گسستن فیلیپین از انحصارهای چندملتی نیست و

امتناع و دوری جستن از سیاست طرفداری کورکورانه از آمریکا که تا چند سال پیش از آن بی‌روی می‌شد معنی می‌دهد.

کمونیست‌های فیلیپین با گسترش فعالیت خود میان توده‌ها به بفرنجی‌هایی که زائیده اوضاع جدید است توجه دارند و محدودیت‌های موجود را بحساب می‌آورند. تصمیم‌ها دایره‌بر صرف نظر کردن از مبارزه مسلحانه بسودمبارزه سیاسی دارای خصلت اصولی عمیقی است. شمعین گذر حزب کمونیست فیلیپین (فوریه سال ۱۹۷۳) که در شرایط کار مخفی تشکیل گردید کمونیست‌ها را دعوت به مبارزه در راه علنی شدن حزب کرد و مشی بی‌روی از سیاست اتحاد سابق را که تحکیم و جنبه بلقیه ارگ، اتحادیان با همکاران و محافظ‌چپ و دموکرات و همه میهن‌پرستان از آنستفاد می‌کرد برگزید. این مشی بر علیه استعمار بورژوازی و ممالکان وستم انحصارهای خارجی است. حزب که بر علیه سیاست ضد ملی و ضد خلقی، سلطه امپریالیسم و سیاست ثابت نگهداشتن دستمزدها، محدود ساختن فعالیت اتحادیه‌های کارگری و دیگر اقدامات ضد دموکراتیک مبارزه می‌کند بطور قاطع از بی‌وستان به عوا اتحادیه غیر اصولی و فاقدر بنا می‌نهد و با توطئه بر علیه شخصیت‌های مختلف و نظیر بلوک مخالفان مارکوس که راستگرایان و چپ‌روهای افراطی در آن گرد آمده اند برهیز می‌کند. کمونیست‌ها نه فقط اقدامات ماجراجویانه و سکتاریستی و شورش طلبی توطئه جینی و انقلاب‌بگری ماجراجویانه تروریستی را افشا می‌کنند بلکه آشتی‌ناپذیری خود را با دشمن طبقه‌ای آن‌ها را بیان کرده و تسلیم طلبی و مشی سازشکارانه به طبقات استعمارگر را محکوم می‌کنند. در برنامه حزب کمونیست فیلیپین که در شمعین گذر آن بتصویب رسیده گفته می‌شود که اعضای حزب باید همیشه پرایم‌فایله با مساعی که بقصد واداشتن مردم به انحراف از طریق تحول و دگرگونی انقلابی مسالمت‌آمیز جامعه را بعمل می‌آید آماده باشند. این وظیفه امروزه که حزب کمونیست از وضع غیر علنی خارج گردیده بقوت خود باقی است.

پیشاهنگ طبقه کارگر فیلیپین بطور بی‌گرا زتدا بی‌ری که با سخگوی منافع توده‌ها است بختیانی می‌کند. اصلاحات ارضی و اقداماتی که بمنظور ایجاد شغل بعمل می‌آید، روش مستقل تر در عرصه بین‌المللی و در درجه اول گسترش روابط و همکاری‌ها و مندبری طرفین با کشورهای سوسیالیستی و غیر متعهد از جمله این تدا بی‌است. اینک وظیفه بخصوص دشواری در مقابل کمونیست‌ها قرار گرفته است. آنها باید با مهارت و تمام و کمال از امکان‌ناستی که برای تحکیم روابط خود با زحمتکشان دارند استفاده کنند و مبارزه در راه برآورده شدن نیازمندیهای حادثه‌ها را تشدید نمایند. در عین حال دانه با دید متوجه خواستها و تقاضاهای بی‌پایه و اساس که از طرف افراطیون عنوان می‌شود باشند.

کمونیست‌ها در شرایط کنونی مهمترین هدف خویش را تمام ساختن کوششهای خود با مساعی دیگر نیروهای چپ و دموکراتیک و میهن‌پرست و از جمله عناصر چپ و میانه رود داخل گردانندگان رژیم میدانند. تا بدین ترتیب به منفر ساختن محافظان افراطی راست و انحصارهای خارجی که آنها را مورد حمایت خود قرار داده اند موفق گردند.

تحقق سیاست اتحادیه‌ای طبقه‌ای در شهر و روستا خصوصیات ویژه‌ای دارد. اصلاح طلبان بورژوازی در روستاها تا حدود معینی در اصلاحات ارضی ذینفع اند و در مبارزه خود بر علیه مالکان بزرگ که در صف مخالف رژیم قرار گرفته اند خواهند کوشید. بختیانی همکاران و از جمله از بختیانی سازمان‌های طبقه‌ای مستقل آنان برخوردار گردند. حزب میتواند دوبه‌از این جریان بسودمبارزه مشترک استفاده کند.

در مراکز صنعتی شهرها که قشر با لاشی بورژوازی اصلاح طلب ارتباط نزدیکی با سرمایه خارجی



دارد به میزان دشواری کار ما افزوده می‌گردد. کمونیست‌ها با وفا داری به هدف‌های پرولتری خودی و در دفاع از حقوقی زحمتکشان درآینده نیز خواستار شرایطی غایب‌نماید که روزندگی برای آنان خواهند بود تا بدین ترتیب به تشدید مبارزات مردم بر علیه انحصارهای امپریالیستی و شرکای کوچک تر فیلیپینی آنان کمک کنند. کمونیست‌ها در عین حال این نکته را نیز کاملاً در نظر دارند که اعتدالی‌جنس مردم میتواند طبقاً تا آنجا که را که از یک طرف و تا حدی تمام قدرت دستگا‌های دولتی بر علیه کارگران مضافاً نخواهند کرده بیمانک سازد.

بدین ترتیب مبارزه در راه وحدت جمیع نیروهای میهن پرست بهیچوجه کارآسان و ساده‌ای نیست. بویژه اگر در نظر گرفته شود که این وحدت در شرایطی در حال پدیدایش است که حکومت نظامی هنوز برقرار است و نفوذ شدید امپریالیسم امریکا که نمیتوانند با تضعیف مواضع خود در کشور سازگار کرد بقوت خود باقی است و جنبش چپ در فیلیپین هنوز هدف‌ناتمام‌انسانها بگرا نه ما ثویت‌ها است. گذشته از این یخچال از نیروهای چپ، دموکراتیک و میهن پرست هنوز با ارزیابی که حزب کمونیست فیلیپین از اوضاع کنونی بدست داده موافق نیستند. این محافل هنگام تعیین مناسب خود نسبت بدولت ارتباط متقابل دیا لکتیکی رویدادها را نمی‌بینند و توجه خود را بیشتر به گذشته سیاسی نیروها تکیه با برقراری حکومت نظامی در سال ۱۹۷۲ روی کار آمده اند مملوف میکنند نه به تغییراتی که رویداده است.

البته گذشته را نمیتوان نادیده گرفت. هر انقلابی آگاهی باید متوجه این موضوع باشد که با وجود دور ساختن ارتجاعی ترین قشر طبقات ثروتمند یعنی الیگارشی مالکان از حاکمیت این قشر هنوز نفوذ فراوان دارد و می‌کوشد از نا همگونی گروه‌هایی که در حکومت شرکت دارند بسوی خود استفاده کند تا با عناصر راستی که درون آنهاست تماس و ارتباط برقرار کند. در عین حال کاملاً اعتبار بودا نسبت به گرایش‌هایی که در حال حاضر درون رژیم عمل میکنند و همچنین نسبت به آلترنا تیف‌های تاریخی که رژیم در برابر آنها قرار گرفته بی اعتنا بوده و آنها را در نظر نمی‌گیرد. حزب کمونیست فیلیپین با ارزیابی آینده پیشرفت اوضاع کنونی، بویژه عامل جهانی پیکار میان سوسیالیسم و امپریالیسم را که در جریان آن تناسب نیروها هر چه بیشتر بسوسیالیسم در تغییر است در نظر می‌گیرد.

آلترنا تیف عمده با انتخاب راهی که کشور طی خواهد کرد ارتباط دارد. در مرحله کنونی یعنی در شرایطی که نیروهای طبقاتی صفوف خود را مشخص کرده اند دورنمای پیشرفت مستقل ملی در برابر فیلیپین گفده می‌گردد. پیشرفت مستقل برخلاف راه امروزی سرمایه داری که هنوز هم هدف عمده بخش بزرگی اصلی محافل حاکمه است، سمت خدا نصاری دارد و میتواند مرحله گذار به راه غیر سرمایه داری باشد. مهمترین شرط پیشرفت مستقل ایجاد سیستم موثر برنامه ریزی و بخش اقتصاد دولتی استواری است که در خدمت مصالح ملی باشد.

پیروی از مشی پیشرفت مستقل فقط هنگامی تحقق پیدا میکند که شرایط معین عینی و ذهنی وجود داشته باشد. یکی از این شرایط عبارتست از: تغییر تناسب نیروها بسود عناصر دموکرات و میهن پرست از جمله درار دوگانه هیئت حاکمه کشور. اگرچه در حال حاضر چنین شرایطی فراهم نیست، مبارزه در راه تحقق این مشی هم امروز میتواند عملاً هدف سیاسی واقعی باشد. نیروهای مترقی که سعی در تحقق این هدف دارند این نکته را در نظر می‌گیرند که اینک خود رئیس جمهوری فیلیپینی‌ها را در پیشرفت ملی دعوت با تکیه به پیروی خودشان میکنند.

در اوضاع کنونی تشدید فعالیت "ازبائین" میان توده‌های دهقانانی که در بارانگ‌های

روستائی و تمامه‌ها متحد گردیده اند و مهمتر از این تشدید فعالیت کارگران در اتحادیه‌های کارگری که زیر نظر دولت است بویژه ضرورت دارد. ما باید بدون درنگ نسبت بکارشویم زیرا انصارهای خارجی و متفکین محلی آنها از قبیل ملاکان و بورژوازی برای تبدیل این سازمانها به سلاح تسلط اقتصادی و سیاسی خویش شتاب میکنند. حزب در عین انضام و جمعیت راست باید با اقدامات چپ‌گرایان که خود را درص نقاب باصلاح‌علاقه به رفاه و آسایش مردم پنهان میکنند و می‌گویند توده‌ها را با خواسته‌های عملی نمدنی منحرف سازند نیز بمقایسه برخیزد. چنین اقداماتی فقط آب با سیاه دشمنان ما میریزد و نمیتواند بی‌آمندها و فاجعه آمیزی برای طبقه کارگر، جنبش مترقی و تمام زحمتکشان داشته باشد.

کمونیست‌های فیلیپین خیال‌نادرند و وقت خود را برای آزمونها و تجربه‌های تخیلی تلف کنند، و آنهم در شرایطی که انصارگران خارجی هنوز نفوذ بیشتری در دستگاه دولت دارند. آنچه امروز مهم است تمرکز و عطف توجه به کارهای سازمانی و استحکام صفوف طبقه کارگر و برقرار کردن آن با یقینان و نیروهای چپ دموکراتیک و میهن پرست کشور و از جمله گروههای چپ و مرکز (میان‌روها) در داخل رژیم است. حزب کمونیست با کوشش در راه تشدید تاثیر فعالیت‌های توده‌ای انقلابی خویش باید با زحمتکشان که در سازمانهای توده‌ای که زیر نظر دولت اند در ارتباط دائم باشد. کمونیست‌ها با پیروی از این شیئی استقلال سازمانی سیاسی خود را در جنبه گسترده ملی دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی حفظ خواهند کرد.

# موفقیت های کاهش تشنج

## و مانور های مخالفان آن

بان پراژسکی

یکی از دست آوردهای جامعه بشری در آستانه سیزدهمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم پدید آمدن تغییرات بنیادی در خصلت مناسبات میان کشورها است. چرخشی که در سالهای اخیر در برتوا بتکار و کوششهای خستگی ناپذیر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و پشیمانان تمام نیروهای صلح دوست و موکراتیک از "جنگ سرد" به کاهش تشنج، از درگیریهای نظامی به تحکیم امنیت کشورها و همکاری مسالمت آمیز حاصل شده است. تغییر و تبدل جدی مناسبات بین المللی منجر گردید. از آلودگی محیط سیاسی جهان بطور بارزی کاسته شد. اعتقاد به امکان و ضرورت همزیستی مسالمت آمیز کشورهای بانظام های اجتماعی گوناگون در اندیشه توده های انبوه مردم و هیئت های حاکمه اکثریت کشورها هر چه بیشتر تثبیت میشود. اصول همزیستی مسالمت آمیز به بخش جدائی ناپذیر حقوق بین المللی مبدل میگردد. این اصول در بسیاری از اسناد رسمی در وجانبه و چند جانبه تثبیت شده اند. بی آمدن یک و ثمر بخش تمام این ها را میلیونها و میلیونها تن از انسانها در زندگی روزانه خویش احساس میکنند. عادی شدن مناسبات بین المللی بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز بطور قابل لمس بویژه در اروپا پیش رفته است. تشکیل مجمع ۳۰ کشور اروپایی برای تهیه پایه های سیستم امنیت جمعی و همکاری مسالمت آمیز که در نوع خود به سابقه است مرحله تاریخی در راه صلح استوار در این بخش از جهان شده است. همان بخشی از جهان که در بار منشاء جنگهای جهانی گردید.

هنگامیکه کشورهای سوسیالیستی برای نخستین بار مبتکر کنفرانس تمام کشورهای اروپا گردیدند انجام این وظیفه بنظر بسیاری از مردم چه مسئله دشوار و تقریباً سر آوری میآمد. در همان دوره کار کنفرانس چند بار محافل ارتجاعی این کوشش را امری غیر قابل تحقق قلمداد کردند و سعی برای هم آهنگ کردن نظریات و همکار کشورهای مختلف را تقریباً سیاسی دان کیشوتی بنظر میآوردند. ولی اراده مردم اروپا بحفظ صلح از آنهایی که نهنها تخم بد بین می پراکنند بلکه از آنهایی هم که میکوشیدند مانع از موفقیت کنفرانس گردند، نیرومند تر بود. در نتیجه کارهایی که انجام گرفته زیربنای سیاسی مناسبات نوین بین المللی در این قاره بی ریزی شده است. هرگاه این زیربنای تداوم بیبری برای کاهش تشنجات نظامی نیز تکمیل و مستحکم شود در تاریخ این بخش از جهان میتواند صفحه تازه ای گشوده گردد.

بنسبیت پیروزیهای سیاست کاهش تشنج این مسئله که چه شرایط عینی این سیاست را عطفی و تحقق پذیر کردند اهمیت اصولی و عملی فراوان پیدا میکند. تبلیغات بورژوازی این تعبیر و تفسیر را بطور گسترده اشاعه میدهد که کاهش تشنج در اثر فشار عواملی نظیر "قدرت روزافزون ناتو" "استحکام وحدت غرب"، "برتری نظامی ایالات متحده آمریکا" و نظایر اینها امکان پذیر شده. از اینجاست نتیجه گرفته میشود که سرنوشت کاهش تشنج در آینده نیز گویا به افزایش قدرت نظامی کشورهای سرمایه داری و اتحادیه های آنها وابسته است. در حقیقت بتوده های مردم نوعی

نظریه " کاهش تشنج تحت فشار زور " بانوع تازه تئوری های ورشکست شده سابق " سیاست توسل بزور " عرضه میگردد .

ولی این نظریه ، میتوان گفت ، تحت فشاری پایگی خود ازهم پاشیده میشود . حتی از نقطه نظر توجه به واقعیت نیز مخترعین این نظریه در چارمن بخت میگردند . زیرا برهمگان روشن است که سالیهای اخیر در واقع امر با بحران عمیق ناتوونه با تقویت این بلوک نظامی ، از سالیهای پیش متمایز میگرددند . در سراسر غرب سرمایه داری نه کاهش بلکه تشدید فراوان مناقشات و رقابت های میان امپریالیست ها بحشم میخورد . محافل امپریالیست ایالات متحده امریکا با ناگامی نظامی و سیاسی جدی در آسیای جنوب شرقی مواجه شدند .

آیا نظریه " کاهش تشنج تحت فشار زور " با این فاکت های بی چون و چرا هیچ توافقی دارد ؟ اگر کار واقعاً وابسته بدان عواملی بود که تبلیغات بورژوازی بدان استناد میکند امروز سیاست کاهش تشنج بین المللی در وضع اسف آوری بود و گامی بجلو بر نمیداشت . از کمی پنهان نیست که ناتو هیچ وقت تمهید کاهش تشنج نبوده است . بعکس قدرت نظامی این بلوک همواره نقشه دستگاه مولد تشنج و ایجاد درگیری و اختلاف را همواره داشته است . بر راستی چگونه میتوانست غیر از این باشد ؟ در محیط تشنج و " جنگ سرد " آسانتر میتوان از " وحدت غرب " کذائی ، یعنی وحدتی که عملاً عبارت از تابع ساختن مصالح اکثریت کشورهای عضو همدفهای استراتژیک تجار و کارکنان محافل بلوک آتلانتیک شمالی است ، پشتیبانی کرد .

فرمول " کاهش تشنج تحت فشار زور " از بدگاه عقل سلیم بطور کلی بوجهی معنی است . اتکا به نیروی اسلحه بدرستی با کاهش تشنج ناسازگار است . بطوریکه تجربه گذشته نشان میدهد حصول کاهش تشنج واقعی و دراز مدت بر این پایه هیچگاه میسر نشده است ، ابتدائی ترین اعتماد متقابل میان کشورهای بانظام اجتماعی مختلف هم بر این پایه بدست نیامده است . نمونه مناصبات شوروی و امریکا از این نقطه نظر جالب توجه است . تا زمانیکه رهبران امریکا میکوشیدند با اتحاد شوروی " از موضع توسل بزور " مذاکره کنند هیچ گفتگویی سر نمیگرفت و مناسبات میان دو کشور از نقطه انجامد جلوتر نصرفت . ولی همینقدر کافی بود که واشنگتن گامی بسوی واقع بینی بردارد و برابری طرفین را با برابری حقوقشان در امنیت بپذیرد ، آنوقت چنان توافقی هائی میسر گردید که در گذشته خیلی ها خواب آنرا هم نمیتوانستند ببینند .

خیر ، بنظر میرسد کاهش تشنج مشروط به علل دیگری غیر از عللی است که " سیاست شناسان " مرتجمی که گذشته از هر چیز میکوشند ضرورت جنگ افزار نوع جدیدی را مدلل سازند ، بدانها استناد میکنند . آرامش محیط بین المللی بدان سبب امکان پذیر شد که تناسب نیروهای جدیدی در عرصه جهانی برقرار گردید . طبیعی است که کمونیست ها هنگام گفتگو تناسب ، تمهانی نیروی نظامی را در نظر ندارند ، بلکه مجموعه عوامل اقتصادی ، علمی و فنی ، فرهنگی و غیره را هم که قدرت کشورهای معاصر بدانها بستگی دارد بحساب میآورند . آنها نقشه سیاسی جدید جهان را هم که در نتیجه پیروزیهای سوسیالیسم و موفقیت های جنبش کارگری و آزاد بخش بدیده آمده در نظر میگیرند . حال همانطور که ل . برژنف در میرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سخنرانی خود در برابر انتخاب کنندگان ۱۳ ژوئن در مسکو اشاره کرد " رهبران جهان بورژوازی قادر نیستند بطور جدی با این فکر باشند که جدال تاریخی میان سرمایه داری و سوسیالیسم را با نیروی اسلحه حل کنند . نامعقولی و خدای رشد بد تشنج ساختن محیط در حالیکه هر دو طرف جنگ افزار هائی با

قد رتختخریبی عظیم در اختیار دارند هرچه بیشتر آشکار میگرد " ( ۱ ) .

مبارزه اولی و پیگیر کشورهای سوسیالیستی برای خلع سلاح نیز با درک همین خطر ارتباط دارد . در پرتو کاهش تشنج همین حالا امکان حاصل شد که در این راه نتایج معینی حاصل شود و در برخی از جهات مسابقه تسلیحاتی محدود گردد . با اینهمه مسابقه تسلیحاتی هنوز متوقف نشده است و ذخایر اسلحه بدون وقفه با جنگ افزارهای تازه تکمیل میشود و میلیاردهائی که در غیر این صورت میتوانست در راه هدفهای سازنده بمصرف برسد ، برای تولید آنها خرج میشود . فقط کشورهای ناتو و آنها هم فقط طی سال گذشته ۱۳۲ میلیارد دلار صرف تسلیحات کرده اند .

ادامه مسابقه تسلیحاتی با روح کاهش تشنج در تضاد است ، اعتماد بین المللی را متزلزل میکند و اثر زیر خاکستر " جنگ سرد " را دامن میزند . وجود ذخایر عظیم انواع اسلحه در جهان علاوه بر آنچه گفته شد ، خود منبع دائمی ایجاد وسوسه در آن محافل امپریالیستی است که میخواهند این اسلحه را بمنزله " دلیل و برهان " در مشاجره های بین المللی بکار برند . اینکه در یک ضرب المثل قدیمی گفته میشود وقتی توپ بشمارد بیشتر از اندازه انبار میشود گویا " توپ ها خودشان شروع به تیراندازی میکنند " حرف عبث و بیهوده ای نیست . حال تصور کنید در عصر ما یعنی در دوران که سخن تفهیم از توپ نبوده بلکه از صب های اتمی و نیدرژنی سخن میروند چنین امکانی تا چه اندازه نگرانی آوراست . انزجار شدیدی که " اخبار " پنتاگون به کشورهای عربی استخراج کننده نفت و تهدیدهای آن در برابر بکار بردن سلاح هسته ای در علیه جمهوری توده ای و موکراتیک کره برانگیخت تصادفی نیست .

بدین سبب است که مردم جهان بعلمت ابتکار مد اوام کشورهای سوسیالیستی در مبارزه بخاطر خلع سلاح و کاهش هزینه های نظامی تا این حد نسبت بدانها بسیار میگذارند و مساعی ترانسزول نا پذیر آنان را در این راه تا این اندازه ارج می نهند . از پیشنهاد تازه اتحاد شوروی که در سخنرانی ۱۳ ژوئن سال جاری ل . برژنف آمده نیز استقبال فراوان شده است . این پیشنهاد حاکی از آنست که تمام کشورها و در درجه اول کشورهای بزرگ قرارداد د در باره غدغن ساختن ایجاد انواع جدید جنگ افزار کشتار دسته جمعی " که جنگ افزارهای د هشت زاتری از سلاح هسته ای میتواند باشد " با ماضی " رسانند .

اخبار و اطلاعاتی که از آنروز تا کنون در مطبوعات جهان انتشار یافته نشان میدهد که خطر پیدایش چنین جنگ افزار جدیدی بعلمت ترقی سریع علم و تکنیک ( اگرچه بکار بردن کلمه " ترقی " در این مورد چندان مطلوب نیست ) کاملاً وجود دارد . تا دیر نشده باید مانع لازم را بر سر راه پیدایش چنین جنگ افزاری ایجاد کرد . نوع برخورد به ابتکار جدید اتحاد جماهیر شوروی خود آزمونی برای نیات دولتها و رجال سیاسی خواهد بود . تصور میکنیم آنها که صمیمانه در راه کاهش تشنج ، صلح و امنیت گام بر میدارند هرچه زودتر باین دعوت دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پاسخ مثبت خواهند داد تا هرچه سریعتر قرارداد لازم میان کشورها منعقد گردد .

با خورساندن مذاکرات وین در باره کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی و مذاکرات شوروی و آمریکا در باره امضای قرارداد د بر پایه توافق و لا دی وستوک بمنظور محدود ساختن سلاح استراتژیک نیز کاملاً ضروری است . این امری است که ملا انجام شدنی بشرطیکه کشورهای ناتو با برخورد بمنزله مذاکرات در باره خلع سلاح بمنزله وسیله ای برای بدست آوردن برتری نظامی یکجانبه برای خود دست بردارند .

مردم در تمام کشورهای جهان بر پایه نمونه‌های متعدد در سالهای اخیر به تأثیر نیک و مریخشی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی یقین حاصل میکنند. سهم قاطع در کاهش تنشج، استواری صلح و امنیت همگانی بدین سیاست متعلق دارد. یکی از خدمات پراچ مارکسیسم - لنینیسم این است که مناسبات بین المللی معاصر را ابتدا در رثووری و سپرد رعل باد کترین همزیستی مسالمت آمیز کشورهای با ساختان اجتماعی متفاوت غنی کرد. بدین ترتیب برای آنکه در دوران عظیمترین تغییرات اجتماعی در تاریخ جامعه بشری از برخورد های نظامی ناپود کنند میان کشورهای دو سیستم متضاد اجتماعی اجتناب شود، راههای واقعی گشوده شد. اصل همزیستی مسالمت آمیز که برای نخستین بار از جانب لنین عنوان گردید با همان ژرف به امکانات سازنده سوسیالیسم - اعتقاد راسخ بدین واقعیت گفته شده است که در اقتصاد، علم و فرهنگ هیچ نقطه غائی پیشرفتسی وجود ندارد که سوسیالیسم در شرایط ساختان صلح آمیز جامعه و مسابقه مسالمت آمیز دو سیستم نتواند بدانها دست یابد.

سیاست خارجی سوسیالیسم صلح دوستی ساده نیست، بلکه سیاست طبقاتی است که از سرشت جامعه نوناشی میشود. خصلت طبقاتی آن در این امر جلوه میکند که این سیاست تا همین شرایط مسالمت آمیز مساعدی را برای پیشرفت آتی و شکوفائی سیستم سوسیالیستی که عده تهرین دست آورد طبقه کارگر بین المللی است نخستین وظیفه خود بشمار میآورد. این سیاست در عین دفاع از صلح در سراسر جهان از مصالح و منافع برادران طبقاتی خود در پایگاههای سرمایه داری نیز دفاع میکند و مبارزه آنان را در راه بدست آوردن حقوق و نیازهای اقتصادی و سیاسیشان تسهیل مینماید. بالاخره این سیاست در برخورد به جنبش آزاد پیشرو ملی در سراسر جهان از مشی طبقاتی پیگیری پیروی میکند و کمک به این جنبش هارا وظیفه بین المللی خود بشمار میآورد.

این موضوع مانع آن نمیشود که سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مورد قبول و پشتیبانی گسترده نمایندگان طبقه ها و قشرهای گوناگون و از جمله قشرهای غیر پرولتری قرار گیرد. این موضوع را چگونه میتوان تشریح کرد؟ با این واقعیت که منافع سیاست خارجی طبقه کارگر و هدف های احزاب کمونیستی آن در اصل و بطور عمدت با منافع توده های انبوه مردم تطبیق میکند. خلقها در همه جا از جنگ به تنگ آمده اند و بدان نیازی ندارند، میخواهند در شرایط صلح و همکاری بسر ببرند و از دلتهای خود انتظار دارند از سیاستی موافق با این خواستها پیروی کنند.

ولی البته ساده لوحی بهبود اگر تصور شود که کاهش تنشج مخالفان بانفوذی ندارد و که مانده های "جنگ سرد" و آثار غیر ارادی آن در فکرو اندیشه مردم کاملاً از بین رفته و که میتوان از بازگشت و خامت در اوضاع بین المللی بیبهره راسی بخود راه نداد. متأسفانه زندگی نشان میدهد که هر چه بیشتر موقعیت طرفداران "توسل بزور" متزلزل میگردد مخالفت آنان با کاهش تنشج بین المللی شد بدتر میشود و شکایت آنان از مگر و حیلله سیاستگاهش تنشج بیشتر بگوش میرسد.

برای نشان دادن نمونه نیازی نیست که براه دوری برویم.

ژنرال دیوین فرمانده نیروهای آمریکا در اروپا در آستانه بازنشسته شدن خود در تابستان امسال کنگره را از این کار بر حذر داشت که میاد "مه کاهش تنشج" جلوی چشمش را بگیرد. سناتور مشهور گلد واترهم که گوئی سخنان ژنرال را تکرار میکند صد اصدای ژنرال میدهد، کاهش تنشج را "آرزوی زیبای باطلی" مینامد. روزنامه "نیویورک تایمز" حتی برای لکه در ساختن خود مفهوم "کاهش تنشج" بفقرو بررسی در زبان شناسی میپردازد. بدو اینکه معلوم است معنی لغوی کلمه فرانسوی "Détente" که در بسیاری از کشورها و از جمله در ایالات متحده آمریکا از آن برای بیان



کاهش تشنج استفاد میکنند ، ملایم کردن وخامت است . ولی روزنامه امریکائی باشماحت وزهرخند  
 یادآور میشود که این کلمه در لغت نامه‌ها " دستگاه برتاب ( ماشه ) " ( در تپانچه ، تفنگ و غیره )  
 نیز معنی میشود ، و از این جا است که نتیجه گیری سیاسی ژرف اندیشانه ای بدید میگردد :

" کاهش تشنج به صلح می انجامد و با اینکه بالاخره محرک درگیری‌های تازه میشود - این است آن  
 مسئله عمده ای که پس از دوران ویتنام در برابر تمام جهان قرار گرفته است . "

آیا لازم باثبات است که در حقیقت امر چنین مسئله ای بهیچوجه وجود ندارد ؟ سیاست حفظ  
 تشنج منشا درگیری‌هاست و نه کاهش تشنج .  
 اظهارات بی‌درین برخی از معافان که گویا کاهش تشنج سود یکجانبه برای اتحاد شوروی و دیگر  
 کشورهای سوسیالیستی دارد در عین حال بکشورهای سرمایه داری فقط زبان و ناملاطیات آن عاید  
 میگردد و نیز دست کمی از آنچه گفته شدن ندارد . حتی بسیاری از سیاستمداران برجسته بورژوازی نیز با  
 این نظر مخالفت میکنند . با وجود این مائوئیست ها که در مبارزه بر علیه استحکام صلح نقش تفتیش و  
 در پی همزنی را آشکارا بعهده گرفته اند با اشتیاق باین نظریه پیوسته اند و آنرا تبلیغ میکنند . ولی آنها  
 فکرایین راه نمی‌توانند بکنند که جقد برای مردم شگفت و بیگانه است وقتی میشود که کسی در این  
 باره بحث میکند که کاهش تشنج سودمند است یا زبان آوروپا بعبارت دیگر زندگی کردن در شرایط  
 استوار سازنده صلح و کاهش خطر جنگ سودمند یا زبان بختر است .

در ضمن منافعی که کاهش تشنج تاکنون در برداشته و در آینده نیز خواهد داشت چنان  
 روشن و آشکار است که اینکار آنها تنها موجب رسوائی مخالفان آن میگردد . بخصوص که آنها در واقع  
 پیشنهاد دیگری غیر از بازگشت بدوران " جنگ سرد " ، تشدید نابسامانیهای اقتصادی و احیای  
 خطرهای جنگ جدید جهانی ندارند .

معلوم است که از سیاست کاهش تشنج نباید انتظار معجزه داشت . این عسای جاد و گری  
 نیست که بکمک آن بتوان جمع تضادهای جهان کنونی را حل کرد . کسانی که میگویند کاهش تشنج  
 گویا باید باقراری " متارکه جنگ " در عرصه اجتماعی ، تضعیف مبارزه طبقاتی و حتی برطرف شدن  
 تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری همراه باشد با خودشان و با دیگران را گول میزنند . کمونیست  
 ها هیچوقت پنهان نمیکنند که همزیستی مسالمت آمیزانه بمنزله دوران زندگی آرام و سعادت مند  
 بلکه بمنزله مبارزه از طریق مسالمت آمیز در تمام رشته‌ها درک میکنند . اما در جهان تقسیم شده مابعد  
 از همزیستی چاره دیگری نیست . زیرا بر این پایه است که میتوان خطر یک درگیری جهانی را مرتفع  
 ساخت و زندگی در شرایط صلح و همکاری بین المللی برای مردم تأمین کرد .

جامعه بشری در مرحله پرمسئولیتی رامیکند راند ، چون در این مرحله است که وظیفه تحقق اصول  
 همزیستی مسالمت آمیز و همکاری سودمند برای هر دو طرف در کارهای زندگی روزمره به پیش کشیده  
 میشود . کسانی که سرنوشت کشورها و خلقها بد آنها سپرده شده باید نشان دهند که حرف وعطشان  
 با هم تضاد ندارد و توافق آنها با این اصول نه مانور و باعقب نشینی موقتی در برابر افکار عمومی بلکه  
 پذیرش شرافتدانه واقعیت دوران ما است .

## پس از پایان گرفتن کار مخفی

یکی از مشخصات دوران مائتفیبیر و تحول سریع و اغلب غیرمنتظره شرایط مبارزه احزاب برادر در کشورهای سرمایه داری و در حال رشد است. این امر کمونیست ها را با این ضرورت روبرو میکند که برای مقابله با تفیبیرات ناگهانی حوادث آماده باشند. یکسال پیش رژیم فاشیستی در یونان واژگون شد و حزب کمونیست یونان امکان یافت فعالیت خود را علنی کند. چگونه حزب از عهد این کار برآمد؟ بطور مشخص کمونیست ها بجه اقداماتی دست زدند که نه فقط انتقال بحارزه و کار در شرایط نوین رابط و مرتبط شکل تامین کنند، بلکه به نخستین موفقیت های جدی در جریان فعالیت علنی هم دست یابند؟

هیئت تحریریه مجله از واسیلیس و نتمانوپولوس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان خواهش کرد باین پرسش ها جواب بدهد.

— حزب کمونیست یونان ۲۷ سال در شرایط مخفی مبارزه کرد، ولی ما این راه همیشه در نظر داشتیم که روزی خواهد رسید که باید بکار غیر علنی پایان دهیم و خود را برای چنین روزی آماده می کردیم. نهمین کنگره حزب کمونیست یونان که چند ماه پیش از سقوط خوننا تشکیل یافت و برنامه و اساسنامه جدید حزب را بتصویب رساند تمام کارهای حزبی و تمام کمونیست ها را با آنچه در صورت تفیبیر اوضاع کشور باید بدانند آشنا کرد. کنگره برای حزب این وظایف را تعیین کرد که بسرعت شیوه های کار احزاب پر جمعیت را در جلب پشتیبانی گسترده توده ها فراگیرد. نتایج نخستین کار درستی این دستورها به ثبوت رسانید.

بلافاصله پیر از سرنگونی رژیم خوننا اعضای حزب و هواداران فعال آن با انرژی کامل واخود گذشتگی شروع بکار کردند. آنها بدون آنکه در انتظار علنی شدن رسمی حزب بمانند شروع به انتشار روزنامه "نه آلا را" کردند. نخستین شماره با تیراژ بسیار زیادی بفروش رفت. مردم تشنه حرف حق بودند. در همین حال کمونیست ها شای که از زندان و تبعید می آمدند در کمیته های غیر علنی که آن هنگام در آتن، پیره و دیگر شهرها و مراکز صنعتی وجود داشت گرد آمده مشغول فعالیت میشدند آنها در تظاهرات و میتینگ ها شرکت میکردند و خواسته ها و عهد حزب را برای مردم روشن میکردند. این خواسته ها عبارت بود از: از میان بردن میراث خوننا در زندگی سیاسی و اقتصادی، بردن کشور بطور بیگانه پسوی دموکراسی، دفاع از استقلال ملی یونان، حل عادلانه مسئله قبرس و در همین حال برآوردن نیازهای مردم اقتصادی و سیاسی زحمتکشان.

گسترش سریع ارتباط با توده ها و پشتیبانی توده ها بمواصل مهمی تبدیل شد که بتعلنی شدن رسمی حزب کمک کردند و این امر نیز بنوبه خود به کمونیست ها امکان داد با اتکا به قانون مجموعه ای از تدابیر سازمانی را علنی سازند. ما موفق به احیاء و گسترش شبکه سازمانهای حزبی و کمیته ها شدیم و حوزه های جوانان کمونیست را تشکیل داده ایم. اینک سازمانهای علنی حزبی در تمام شهرهای بزرگ، در ایالات، مراکز صنعتی و در روستاها مشغول فعالیت اند. انتشارات علنی روزنامه "ریسزو سیاستس" که ارگان کمیته مرکزی حزب است آغاز گردید و روزنامه سازمان جوانان "اری گیمتیس" و

مطبوعات دیگری هم منتشر میشود . کمونیست ها در ایجاد جمعیت های متشکل از نیروهای چپ و موکرات بنام بلوک " چپ های متحد " شرکت جستند و در نخستین انتخابات پسر از سقوط خوننا موفقیت هائی بدست آوردند ، نمایندگان خود را از جمله فلورا کپس ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان و فواراکس عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و سردبیر " رپژوسپاستیس " گند یکسان دبیر اول سازمان کمونیست یونان را به پارلمان فرستادند .

حزب توانست محلی برای کمیته مرکزی و کمیته شهرآتن بدست آورده و آت را سر و صورت داده و مجهز سازد و برای کمیته های حزبی در دیگر شهرها و در روستاها هم محلی را اختصاص دهد .  
 " خانه های حزب " در عین حال هم ستاد وهم کلوب حزبی اند . در این نقاط همواره جمعیت زیادی را میتوان مشاهده کرد . آنها با پرسش ها ، پیشنهاد ها و اخبار و اطلاعات خود به کمیته های حزب مراجعه میکنند و از آنجا با قبول وظایف و یا برای انجام کار و یا سفارشی خارج میشوند . در اطراف آنها و راهروها اغلب بحث های غیرمنتظره ای در میگیرد . اعضای کمیته های حزبی ، فعالان حزبی و روزنامه نگاران کمونیست در چنین وضعی با جدیت و روحیه عالی کار و فعالیت میکنند . آنها آشکارا میدانند و اینک خود را پنهان نکنند و با شیوه گروههای محدود هدف ، جریان تهیه شعارهای حزبی و تاکتیک و استراتژی آنها مخفی نگه دارند فعالیت میکنند . بنظر میرسد که همین شیوه کار به انتقال حزب بشرایط نوین مبارزه کمک فراوانی کرده است . در ضمن این واقعیت هم که حزب فقط به فعالان نباید حزب که بار سالها کار مخفی و زندان را بدوش دارند تکیه نموده بلکه با جاسرات و جسارت جوانان را نیز بکار جلب کرده ، در این جریان نقش بزرگی ایفا کرده است . بسیاری از جوانان که در مبارزه با خونخواران دیده اند و اینک فعالان از کار در شرایط کارملنی تجربه می اند و زند به سازمانهای حزبی جلب شده و کارهای حزبی را رهبری میکنند .

البته گاهی کار بکارهای مادر میشود . گذشتن از برخی از موانع پسمیکولوژیک مشکل بود . بطور مثال عادت کردن باینکه نه فقط مردم عادی بلکه اغلب کارمندان وزارتخانه ها و نمایندگان ارگانهای دولتی به کمیته مرکزی حزب ، روزنامه آن سازمانها یا پائین تر با پرسش ها و تقاضا های خود مراجعه میکنند یکی از این قبیل مشکلات است . در شرایط کار غیرملنی کمونیست ها عادت بکار با " عوام " کرده اند ولی حالا لازم است با " خواص " نیز نشست و برخاست کنند و اشکال مبارزه پارلمانی و دیگر انواع مبارزه آشکار سیاسی را هم فراگیرند . گاهی کار به چیزهای عجیب و غریب میکشد : مثلا از یک سازمان غیر کمونیستی بیکی از رفقای ما تلفن کردند و از او خواهرش کردند بآنها کمک کند تا برای خود اسامی تهیه کنند . ما اسامی خودمان را در شعار اسرار نمیدانیم و همین سبب بآنها کمک کردیم .

— معلوم است که اوضاع سیاسی یونان هنوز بسیار بفرنج است و موجودیت دموکراسی هم مورد تهدید قرار دارد . آید و چنین شرایطی برای برخی از رفقای شما افکار دلسرد کننده ای ، مثلا دایر بر اینکه ارزش دارد نیروی خود را صرف گسترش کامل کارملنی نمائید ، پیش نمی آید ؟

— البته ، وضع یونان بفرنج است . کارمانلیس رئیس دولت بعهده های خود وفانکرده و با کاملاً وفانکرده است . این وعده ها عبارت بود از حل مسئله قبرس ، خروج یونان از ناتو ، برجیدن پایگاه های ایالات متحده آمریکا از یونان و غیره . میان نیروهای دموکراسی و آن نیروهای هوادار امپریالیسم که میخواهند سلطه کامل سرمایه را بر یونان حفظ کنند فقط اوضاع و احوال سابق و بران دیکتاتوری را اندکی ملایم تر سازند فاصله ایجاد میگردد . مثلاً چندین بار پیش حزب حاکم با استفاده از ماشین رای پارلمان بورژوازی قانون اساسی جدید کشور را که شامل مواد ضد دموکراسی آشکار است

بکرمی نشانند . ممکن است کمانی هم باشند که در چنین شرایطی شک و تردید بخود راه دهند . از این رومکارهای ابزاری راتشد بد میکنیم و روی این نکته تکیه میکنیم که مبارزه شدیدی برای تجدید نظر در قانون اساسی ضد ماکراتیک و جلوگیری از خطر موجود انحراف از راه ماکراتیک ، در انتظار ما است . حزب مادر گذشته علیرغم تعادل خود مجبور بکار در شرایط مخفی شد . رژیم ارتجاعی کشور آنرا غنغن کرد . اما یکی از خصوصیات حزب ماکه در جریان مبارزه بمبار شد بکار علمی بهر اورد ، خوش بینی است . همانطور که در مین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان اعلام داشت : " حزب ماکه حالا دیگر بکار در شرایط علمی پرداخته ، با اعتماد کامل بمنبروی مردم زحمتکش و پیش از همه بمنبروی طبقه کارگر سازمانهای خود را با جدیت بیشتری ایجاد کرده و گسترش خواهد داد تا آنها به پایه اصلی ادامه چنان جنبش بردامنه توده ای ماکراتیکی مبدل شوند که بتواند اراده خود را بران ایجاد تغییر و تحولات ماکراتیک و استقلال تحمل کند و راه را برای ماکراسی نوین اصل و سوسیالیسم هموار سازد " ( ١ ) .

#### پوزش از خوانندگان

متأسفانه برخی از زیر نویس های شماره ٣ ( ٧٥ ) چاپ نشده است که مابعد بنوسیله پوزش میطلبیم و متن آنها را برای اطلاع خوانندگان در ذیل چاپ میکنیم :

#### صفحه ٤٤

1- Wermuth Stieber. Die Kommunisten-Verschwörungen des neunzehnten Jahrhunderts. Berlin, 1853, 1 Teil, S. 3.

#### صفحه ٤٥

1- " protokoll des Hamburger Parteitages der DKP", 1973. S.33.

#### صفحه ٤٧

1- Hans Adamo. Das Fiasko der bürgerlichen "DDR-Forschung". - " Marxistische Blätter" Nr.5, 1974. S. 56.  
2- Ebenda .S.57.

#### صفحه ٤٨

1- " Protokoll des Hamburger Parteitages der DKP", S. 41

# برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری

( بقیه از شماره های پیشین )

## حزب کمونیست سودان

۱۸ اوت سال ۱۹۴۶ جلسه غیرعلنی اعضای محفل های مارکسیستی در خرطوم تشکیل شد ، در این جلسه قرار ایجاد سازمان " جنبش آزادی ملی سودان " بتصویب رسید . سازمان کمونیست همدستی تحت این عنوان فعالیت میکرد . از هنگامیکه سومین کنگره ( در سال ۱۹۵۶ ) قطعنامه تشبیر نام سازمان را بتصویب رسانید این سازمان حزب کمونیست سودان نامیده شد . حزب کمونیست سودان از نخستین سالهای پیدایش خود بطور استوار وابسته به جنبش کارگری است و فعلاً نه در راه آزادی ملی کشور مبارزه کرده است . کمونیست ها بطور فعال در ایجاد سازمانهای توده ای در موکراتیک در سودان مانند اتحادیه های کارگری ، اتحادیه جوانان و زنان و دیگر جمعیت ها و اتحادیه ها شرکت جستند .

حوزه های حزبی بر پایه ملاک منطقه ای و تولیدی ( در محل سکونت اعضای آن و موسسات و کارخانه ها ) تشکیل میگردد و مجموعه آنها سازمانهای شهرستانها را بوجود میآورد .

حزب تاکنون چهار کنگره به ترتیب در سالهای ۱۹۵۰ ، ۱۹۵۱ ، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ تشکیل داده است . علاوه بر این در باره کنگره های فوق العاده تشکیل یافته است . یکی در سال ۱۹۴۹ که در آن حزب برجریان اتوریونیستی که میکوشید در شرایط اعتلای مبارزه ضد امپریالیستی استقلال سیاسی و سازمانی آنرا تضعیف کند پیروز شد . در کنگره های فوق العاده سال ۱۹۷۰ ( ماه اوت ) مسائل مربوط به فعالیت حزب در شرایط رژیم مترقی و ضد امپریالیستی که پس از انقلاب ۲۵ مه ۱۹۶۹ در سودان برقرار گردید مورد بررسی قرار گرفت .

نخستین برنامه حزب کمونیست سودان در کنگره سوم حزب در سال ۱۹۵۶ بتصویب رسید . در برنامه ضمن تعیین مشی کلی حزب کمونیست سودان وظایف تحقق انقلاب ملی - دموکراتیک در کشور و امتناع از راه رشد سرمایه داری نیز پیش بینی گردیده است . برنامه حزب را ایجاد جنبه دموکراتیک ملی ، مبارزه در راه حکومت مبنی دموکراتیک و پیشرفت تدریجی بسوسیالیسم میخواند . برنامه جدید حزب در چهارمین کنگره حزب کمونیست سودان ( اکتبر سال ۱۹۶۷ ) تصویب شد . احکام و نظریات برنامه اول با توجه به تغییراتی که در عرصه جهان و در کشورهای داده در این برنامه تکمیل گردیده است .

حزب کمونیست سودان نقش برجسته ای در مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری نظامی در سودان ( سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۵۸ ) ایفا کرد .

پس از سقوط رژیم دیکتاتوری نظامی در اکتبر ۱۹۶۴ و در فاصله زمانی از ۲۵ مه ۱۹۶۹ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۱ کمونیست ها در دولت شرکت داشتند . محافل حاکمه سودان در ژوئیه ۱۹۷۱ حزب کمونیست سودان را بشرکت در کوشش افسران چپ گرا برای سرنگون ساختن دولت ژنرال نصیری بوسیله کودتا مضمم کردند . حزب کمونیست سودان مورد تعقیب و فشار قرار گرفت و چند تن

از رجال رهبری آن از جمله ر. محبوب و بی‌راول کمیته مرکزی حزب بقتل رسیدند. از آنها نگام حزب کمونیست سودان از نومجبور به فعالیت غیر علنی گردید.

مطبوعات حزبی: روزنامه غیر علنی حزب کمونیست "اللوالاتی" (پروچم سرخ) از سال ۱۹۵۰ انتشار یافت. از اواخر سال ۱۹۵۱ مدت ۱۰ ماه روزنامه بطور علنی منتشر می‌شد. حزب کمونیست سودان در فاصله سالهای ۱۹۵۸-۱۹۵۴ روزنامه "المیوان" را به منزله ارگان جبهه ضد امپریالیستی انتشار داد. پس از برقراری رژیم دیکتاتوری نظامی در سودان در سال ۱۹۵۸ نشر روزنامه متوقف گردید. این روزنامه به مثابه ارگان حزب کمونیست سودان از اکتبر ۱۹۶۴ مجدداً انتشار یافت و نشر آن تا غن شدن فعالیت حزب در دسامبر ۱۹۶۵ ادامه داشت. حزب بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۶ روزنامه علنی بنام "اخبار الیومعه" (خبرهای هفته) منتشر کرد. حزب در حال حاضر روزنامه "المیدان" را بطور غیر علنی انتشار می‌دهد. علاوه بر این روزنامه "ادونس" (حلقه) نیز بزبان انگلیسی برای اهالی سودان جنوبی منتشر می‌گردد (نشر آن غیر منظم است).

کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان از سال ۱۹۴۷ مجله "الثوریه" (کمونیست) را چاپ و منتشر می‌کند. تا امروز ۱۳۸ شماره این مجله انتشار یافته است. سازمانهای منطقه ای حزب هم دارای نشریات ویژه خود هستند.

#### حزب سوسیالیست نیکاراگوئه

حزب کمونیست نیکاراگوئه از روز تأسیس خود در سال ۱۹۳۹ تا به امروز در شرایط غیر علنی فعالیت میکند.

در اسناد حزب کمونیست نیکاراگوئه تأکید شده است که "استقلال کنونی نیکاراگوئه مطلقاً ظاهری است و این استقلال حجابی است که در زیر آن رژیم فئودالی و نیمه مستعمره که با جسم و روح خود وابسته به امپریالیسم است بر کشور حکومت میکند". در برنامه حزب کمونیست نیکاراگوئه که از طرف در همین کنگره آن در اکتبر ۱۹۶۳ به تصویب رسید وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کنونی کشور تجزیه و تحلیل شده و وظیفه آزادی نیکاراگوئه از سلطه ایالات متحده آمریکا و الیگارشی محلی و تبدیل آن به کشوری واقعاً مستقل هدف نزدیک حزب تعیین گردیده است. برای رسیدن به این هدف حزب انقلاب ضد امپریالیستی توده ای دموکراتیک توأم با اصلاحات ارضی را که در جهت ایجاد یک حکومت توده ای میهن پرست باشد ضروری میدانند. این انقلاب باید منجر به دگرگونیهای عمیق ضد فئودالی و دموکراتیک گردد و راه را برای گذار به سوسیالیسم بگشاید. در برنامه حزب کمونیست نیکاراگوئه ضرورت توأم ساختن اشکال مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز مبارزه نیز قید گردیده است.

حزب کمونیست نیکاراگوئه یاد آور می‌شود که الفیای رژیم دیکتاتوری موجود در نیکاراگوئه و برقراری نظام دموکراتیک و آزادی ملی کشور بدون مبارزه مسلحانه غیر ممکن است. حزب در عین حال بر آنست که هنوز شرایط لازم برای انجام چنین مبارزه ای آماده نشده است. حزب کمونیست نیکاراگوئه در حال حاضر وظیفه خود را برقراری ارتباط همه جانبه با توده های مردم، تحکیم نفوذ خود در محافل مترقی و دموکراتیک و تشدید فعالیت بهنگام و وحدت تمام نیروهای میهن پرست در جهت - دموکراتیک اپوزیسیون بشمار می‌آورد. این حزب از انجام اصلاحات ارضی دموکراتیک طرفداری می‌کند.

حزب کمونیست نیکاراگوئه طی سالهای اخیر نفوذ خود را میان توده ها به ویژه کارگران، دانش



جویان و در سندی پکا های کارگری گسترش داده است . کنگره راسیون همگانی کار ( مستقل است ) که اکثر سازمانهای سندی پکا ئی را در بر میگیرد ، تحت رهبری حزب کمونیست فعالیت میکند . در سال ۱۹۶۷ با بتکار حزب کمونیست نیکاراگوئه کنگره راسیون کشاورزان و کارگران کشاورزی نیکاراگوئه ایجاد شده است .

حزب کمونیست نیکاراگوئه از تمانیروهای اپوزیسیون دعوت میکند تا در جنبه و ا حدی بر علیه رژیم موجود که دیکتاتوری نظامی آشکاری است مبارزه برخیزند . حزب کمونیست نیکاراگوئه میکوشد تا جنبش دموکراتیک علیه سوموزا دامنه گستردهتری پیدا کند و با برنامه حداقلی که قابل درک محافل گسترده سیاسی واجتماعی باشد که باین بیان شکل برضد دیکتاتوری مبارزه میکنند مجهز گردد .

حزب کمونیست نیکاراگوئه از مارکسیسم - لنینیسم بطور پیگیر و استوار دفاع میکند و طرفدار تحکیم وحدت صفوف جنبش بین المللی کمونیستی است .

حزب کمونیست نیکاراگوئه چند نشریه چاپ و منتشر میکند .

### حزب واحد کمونیست های هائیتی

در سال ۱۹۶۸ در نتیجه وحدت حزب وحدت خلقی هائیتی ( تاسیس در سال ۱۹۵۹ ) و حزب خلق برای آزادی ملی ( تاسیس در سال ۱۹۵۴ ) بوجود آمد . در شرایط پنهانکاری عمیق فعالیت میکند . مدافع و پیانگر منافع طبقه کارگر ، کشاورزان و روشنفکران مترقی است . در اعلامیه وحدت سازمانی دوحزب گفته شده است : " حزب واحد کمونیست های هائیتی دسته پیشرو آگاه و متشکل طبقه کارگراست که زهر پرمج ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی مبارزه میکند . حزب واحد کمونیست های هائیتی با اتکا به اصول سازمانی لنینی مبارزه طبقه پرولتورا در راه انجام انقلاب هائیتی و دست گرفتن حاکمیت و ساختمان سوسیالیسم رهبری خواهد کرد " .

حزب واحد کمونیست های هائیتی اعلام داشت که با تمام احزاب کمونیست روابط برادرانه برقرار خواهد کرد و در راه وحدت صفوف جنبش کمونیستی جهانی بر پایه احترام به استقلال هر حزب و وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری مبارزه خواهد کرد .

دولت هائیتی در ماههای مه و ژوئن ۱۹۶۹ این حزب را مورد تضييق و فشار شدید قرار داده ضد ها کمونیست را کشتند و یازندگان افکنند . محافل ارتجاعی ایالات متحده امریکا از سیاست ضد خلقی دولت هائیتی پشتیبانی میکنند و به دوالیه دیکتاتور هائیتی بمقیاس گسترده ای کمک مبرسانند .

حزب واحد کمونیست های هائیتی بر پایه مرکزیت دموکراتیک بوجود آمده است . کنگره عالیترین ارگان حزب است و کمیته مرکزی که بر روی سیاسی در این آن قرار دارد در فاصله بین دکنگره امور حزبی راهبری میکند .

مطبوعات حزبی : روزنامه " بوکان " ( پشته آتش ) که ارگان مرکزی حزب واحد کمونیست های هائیتی است در شرایط غیر ملنی چاپ میگردد . این حزب در کانادا ، مکزیک و فرانسه نیز دارای ارگانهای مختلفی است .

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۷۵ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بچاپ رسیده است.

شماره حساب بانکی جدید مجله  
"مسائل بین المللی":

Berlin  
Deutsche  
Außenhandelsbank A. G.  
Konto-Nr. 9608-3131-0010

خوانندگان عزیز!

این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

Druckerei des Verlages " Rudé Právo "

P R A H A